نام درس : زبان انگلیسی ۲ کد: ۲۳ تعداد واحد: ۲ ۱۵۲/۱

پیش‌نیاز: زبان انگلیسی ۱ کد: ۱۳ هم نیاز: ندارد

الف ـ منابع مطالعه

۱ ـ (English Sentence Structure) E.S.S (بقیهٔ دروس مطالعه می شـــود) / (تهیه شود)

۲ ـ (A Basic Course in Reading English) (بقیه‌دروس مطالعه‌می‌شود)/ (تهیه‌شود)

۳ ـ نوار هر دو کتاب فوق /(تهیه شود)

ب ـ ضمایم

۱ ـ معانی لغات و اصطلاحات مشکله / (در جزوه)

۲ ـ پاسخ تمرینات / (در جزوه)

۳ ـ نکاتی چند در بارهٔ ترجمه/(در جزوه)

ج ـ ارزشیابی

۱ ـ امتحانات

ـ ماهانهٔ اول : ندارد

ـ میان ترم (۳۰ نمره/ هفتهٔ نهم)

ـ ماهانهٔ دوم: ندارد

ـ پایان ترم (۵۰ نمره/ هفتهٔ هجدهم)

۲ ـ تکالیف

ـ تکلیف ۱ و ۲ و ۳ (الزامی / فردی / ۹ نمره/ هفتهٔ چهارم)

ـ تکلیف ۴ (الزامی / فردی / ۳ نمره/ هفتهٔ هشتم)

ـ تکلیف ۵ (الزامی / فردی / ۳ نمره / هفتهٔ سیزدهم)

ـ تکلیف ۶ و ۷ (الزامی / فردی / ۵ نمره/ هفتهٔ هفدهم)

۳ ـ گزارش تکلیف

ندارد

مخصوص جامعهٔ بهائی است .

STUDY GUIDE
FOR
ENGLISH 2

آنچـــه در این جزوه مطالعه خواهید کـــرد:

۱ـ درباره‌ٔ کتابهای این دوره ونوارکتاب BCRE

۲ـ حجم دروس تعیین شده برای امتحان نیم ترم وپایان ترم

۳ـ برنامهٔ ساعات مطالعه در هفته

۴ـ برنامهٔ زمانبندی مطالعه هفتگی

۵ـ روش کار برای استفاده بیشتر ازنوارهای BCRE

۶ـ نکاتی چند راجع به ترجمه لغات کتاب BCRE

۷ـ طرز استفاده صحیح از فرهنگ لغت (دیکشنری)

۸ـ روش کار برای انجام تست های دو هفته‌ای، امتیازات ورده بندی

۹ـ راهی برای انجام سریعتر تستها و زمان ارسال تکالیف.

۱۰ـ نکاتی چند درباره‌ٔ ترجمه

ENGLISH- II

دانشجـــوی عزیـــز :

اکنون که شما در حال گذراندن درس انگلیسی ۲ میباشید وقصد دارید بصورت مکاتبه‌ای تحصیل نمائید نکاتی چند بعنوان تذکـــــر یادآوری میگردد. امیداست با توجه به این نکات در فراگیری این درس موفق باشید.

۱- نام کتابهای درسی A basic course in reading English (BCRE) و English sentence structure (ESS) میباشد.

تذکر ۱- کتاب اول دارای نوار میباشد که متون اصلی کتاب روی آن ضبط شـــده است. این نوارها برای یادگیری تلفظ صحیح کمک مؤثری بشما خواهـد نمود. بدیهی است با توجه به صرف وقت وزحمتی که برای فراگیری لغـات متحمل میشوید ارجح این خواهدبود که تلفظ صحیح هر لغت را هـــــم همزمان فراگیرید.

این نوارها را از کتابفروشیهای معتبر خریداری فرمائید.

تذکر ۲- کتاب ESS دارای Answer key (جواب تمرینها) میباشد که باید آنرا نیز خریداری نمائید.

تذکر ۳- جواب تمام تمرینهای مهم کتاب BCRE تهیه و به جزوهٔ حاضر، ضمیمـــه شده است.

۲- دانشجویان عزیز بایدتوجه داشته باشند زمانی باید به جواب تمرینها مراجعـه نمایند که تمرینهای مربوط به یک درس راکتبا" انجام داده باشند زیرا ایـــن مراجع فقط برای اطمینان از صحت جوابها درنظر گرفته شده است. بدیهی اســت مراجعه به این جوابها قبل ازانجام تکالیف فاقد هرگونه ارزش آموزشی خواهـد بود.

۳- باتوجه به مطالب فوق واین موضوع که تمام نکات گرامری کتاب ESS برای شما به فارسی ترجمه شده است میتوان گفت که شما نیاز پیوسته‌ای به مکاتبه نخواهید داشت ولی چنانچه با هرنوع مشکلی برخوردنمودید میتوانید آنرا در ستون مخصوص

پاسخنامه تست های دوهفته‌ای بنویسید. بدیهی است سئوال باید کاملا" دقیق، مشخص ودرحدی باشد که بتوان به آن جواب داد.

۴ – طبق جدول ضمیمه هرنیم سال به چهار قسمت وهرقسمت به ۴ هفته تقسیم شده‌است که‌شما را دربرنامه ریزی کمک خواهدنمود.

۵ – امتحان نیم ترم درپایان آخرین هفته ماه دوم برگزارخواهدشد ولی محتوی درس هفته هفتم دراین امتحان منظورنخواهدشد. بدین ترتیب برای امتحان نیم ترم از ESS، ۲۱ درس واز BCRE، ۳۶ متن آزمایش خواهدشد. (محتوی درس هفته هفتم درتکلیف چهارم گنجانده خواهدشد. بنابراین تکلیف چهارم که بعداز هفته‌ء هشتم تحویل خواهید داد شامل محتوی دروس هفته هفتم، نهم و دهم میباشد).

امتحان آخر ترم نیز درپایان ماه چهارم (ESS- L.30/BCRE RS46) خواهدبود.

برنامه‌ء ساعات مطالعه در هفته

باتوجه به‌حجم دروس ESS و BCRE وتمرینات آنها برنامه‌ای پیشنهادی برای نظم بیشتر درامرمطالعه ارائه میگردد. بدیهی است تعداد ساعات تعیین شده برحسب استعداد دانشجویان در فراگیری زبان قابل تغییراست.

	روز	ESS	تمرینات	روز	BCRE	تمرینات	جمع ساعات دریک هفته
A	شنبه	دوساعت	یکساعت	سه‌شنبه	دوساعت ونیم	نیم ساعت	شش ساعت
B	یکشنبه	دوساعت	یکساعت	چهارشنبه	دوساعت ونیم	نیم ساعت	شش ساعت
C	دوشنبه	دوساعت	یکساعت	پنجشنبه	دوساعت ونیم	نیم ساعت	شش ساعت

هردانشجو باتوجه به وقت آزاد خودمیتواند یکی از برنامه‌های پیشنهادی رابرای مطالعه انتخاب نماید.

موفق باشید

برنامه زمانبندی مطالعه هفتگی

مدت ۴ ماه

		FIRST WEEK	SECOND WEEK	THIRD WEEK	FOURTH WEEK
قسمت اول (۱ ماه)	ESS	PP. 164-178 L. 16	PP. 179-192 L. 17	PP. 193-205 L. 18	PP. 206-214 L. 19
	BCRE	PP. 85-88 RS. 31	PP. 89-92 RS. 32	PP. 93-96 RS. 33	PP. 97-100 RS. 34
قسمت دوم (۱ ماه)	ESS	PP-215-230 L. 20	PP. 231-238 L. 21	PP. 239-251 L. 22	RECESS
	BCRE	PP. 101-104 RS. 35	PP. 105-108 RS. 36	PP. 109-112 RS. 37	RECESS
قسمت سوم (۱ ماه)	ESS	PP. 252-262 L. 23 - 24	PP. 263-268 L. 25	PP. 269-274 L. 26	PP. 275-281 L. 27
	BCRE	PP. 113-120 RS. 38-39	PP. 121-124 RS. 40	PP. 125-128 RS. 41	PP. 129-132 RS. 42
قسمت چهارم (۱ ماه)	ESS	PP. 282-285 L. 28	PP. 286-294 L. 29	PP. 295-305 L. 30	———
	BCRE	PP. 132-136 RS. 43	PP. 137-140 RS. 44	PP. 141-144 RS. 45	PP. 145-148 RS. 46

PP.= pages R.S.= READING SELECTION

L.= Lesson ESS = ENGLISH SENTENCE STRUCTURE

BCRE = A BASIC COURSE IN READING ENGLISH

روش کار برای استفاده بیشتر از نوارهای BCRE

۱ـ نوار هر درس را یکبار بدون باز کردن کتاب از اول تا آخر گوش کنید. (دلیل این موضوع عادت کردن شما به درک مطالبی است که برای اولین بار بدون سابقه ذهنی میشنوید).

۲ـ کتاب را باز نموده وبدون استفاده از دیکشنری یک بار متن را بخوانید وسعی نمائید حتی الامکان مفهوم کلی را درک نمائید (این قسمت بدون استفاده از نوار میباشد).

۳ـ کتاب را بسته یکبار دیگر به تمام نوار گوش دهید (بدون مراجعه به کتاب).

۴ـ کتاب را باز نموده متن را با استفاده از لغت نامه ودیکشنری مطالعه نموده تا تمام جملات ومفهوم کلی متن برای شما روشن شود (بدون استفاده از نوار).

۵ـ حال با توجه به درک متن یکبار دیگر به نوار گوش دهید ودرحالیکه کتاب را هم باز کرده اید جمله به جمله نوار را تکرار کنید.

۶ـ اگر فرصت داشتید یکبار دیگر بدون مراجعه به کتاب به نوار گوش دهید.

توضیحی درمورد BCRE : از درس ۱۳ ببعد مطالبی که درآخر متن BCRE میباشد بیشتر جنبه راهنمای تلفظ و آواشناسی دارد که با توجه باینکه این کتاب در رابطه با درک مطلب برای دانشجویان عزیز درنظر گرفته شده است این قسمت از برنامه حذف شده است اما دانشجویانی که علاقمند هستند این قسمت را نیز مطالعه نمایند دراینمورد مختارند و چنانچه دراین مسئله با اشکالی مواجه شدند میتوانند با ما مکاتبه نمایند.

موفق باشید.

نکاتی چند راجع به ترجمه لغات کتاب BCRE

* ازآنجا که اکثر لغات درزبان انگلیسی دارای معانی ومفاهیم گوناگون درمتون مختلف میباشد و هرلغت بستگی به موضوع مورد بحث (ادبی، اقتصادی، علمی اجتماعی.....) ممکن است معانی متفاوتی داشته باشدوبدلیل اینکه کسانیکه تازه شروع بخواندن کتابهای انگلیسی مینمایند قادر به تشخیص این تفاوت‌ها نیستند ودرموقع مراجعه به دیکشنری مفاهیم دیگری غیراز معنی مورد نظر نویسنده‌را انتخاب میکنندکه درنتیجه ازنظر درک متن دچار اشکال میگردند لذا از درس بیست و یکم ببعدلغات واصطلاحات خاصی را ازهرمتن برای شما ترجمه نموده‌ایم ولی قبل ازهر چیز به نکات زیر دراین مورد توجه نمائید :

۱- لغات به ترتیب پاراگرافهای کتاب از پاراگراف یک ببعد ترجمه شده است ودلیل آن کمک به دانشجو در درک معنی خاص لغت ویا اصطلاح مورد نظر با توجه به متن بوده است .

۲- باتوجه به توضیح(۱) بدیهی است‌که تمام لغات هر درس ترجمه نمیشوند وفقط لغات واصطلاحاتی مطرح میشوند که در دیکشنری معانی مختلف برای آنها داده شده است .بنابراین لغتی که دارای یک معنی میباشد ویا درموقع مراجعه به فرهنگ لغت برای دانشجو مشکلی بوجود نمی آوردترجمه نمیشود واین وظیفه که بعهده دانشجو محول شده است درجهت پرورش حس دانش پژوهی که لازمه اصلی تحصیل مکاتبه‌ای میباشد بوده است .

۳- لازم به تذکر است‌که در تست‌هائی که درطی دوره از دانشجویان بعمل میآید ازتمامی لغات و اصطلاحات اعم از ترجمه شده وترجمه نشده سئوال خواهدشد.

۴- نکته‌ای درمورد لغات واصطلاحات مطرح شده در تست‌ها :
هرلغت واصطلاحی که برای‌ترجمه ویامترادف سئوال میشودباید باتوجه به متن تعیین شده از کتاب جواب داده شوددرغیراینصورت ما امتیازی برای آن ترجمه ویامترادف منظورنخواهیم کرد ولواینکه معانی متعدد دیگری از آن لغت و اصطلاح ترجمه شده باشد.

۵- درترجمه لغات‌از اختصاراتی استفاده میشودکه مشخص‌کننده حالت خاص‌دستوری آن لغت درمتن موردنظر میباشد چه که لغتی ممکن است درچند نقش دستوری مورد

استفاده قرارگیرد که در بیشتر موارد معانی آنها با یکدیگر کاملا" متفاوت میباشد بنابراین فراگیری مفهوم این اختصارات از ضروریات است .

1) (n.) = noun اسم
2) (v.) = verb فعل
3) (vt) = verb transitive فعل متعدی
4) (vi) = verb intransitive فعل لازم
5) (adj) = adjective صفت
6) (adv.)= adverb قید
7) (prep.)= preposition حرف اضافه

* برای روشن ترشدن مطالب فوق قسمتهائی از دو دیکشنری انگلیسی به فارسی وانگلیسی به انگلیسی انتخاب شده است که ذیلا" درج میگردد.

به کلمه set با معانی مختلف ونقش های متفاوت دستوری آن توجه نمائید.

(به دلیل اختصار تمام اصطلاحات مربوط به set عنوان نشده است)

set *n.* دستگاه [wireless s.] - دست [s. of teeth] - خری [لفظ فرانسه] ، مجموعه - دوره - رشته [a s. of lectures] - اثاثه ، ظروف کامل - تمایل - جهت - وضع ، شکل - نهال، قلمه - سفت شدگی - مجموع تخمهایی که مرغ روی آنها میخوابد - سوراخ ، لانه - [مج] افول ، زوال.

make a dead s. at دوره کردن ، مورد استهزا یا حمله قرار دادن

set *vt.* & *vi.* [set] (۱) قراردادن - گذاشتن - مرتب کردن ، چیدن (میز) - کاشتن - نشاندن ، غرس کردن - سوار کردن (جواهر) - جاانداختن (استخوان) - میزان کردن (ساعت) - خواباندن (مرغ) - زیرمرغ گذاشتن - تعیین کردن (تاریخ) - نهادن (دام) - تیز کردن ، چاق کردن (اره) - مقرر داشتن - سفت کردن - وادار کردن (۲) غروب کردن - سفت شدن - جوش خوردن - حمله کردن - جاری بودن - تمایل داشتن - قرار گرفتن - ازجنبش ایستادن - میوه یاشکوفه دادن - بتن انسان ایستادن [در گفتگوی از لباس] ، دست زدن [s. to work]

s. about دست زدن یا مبادرت کردن به - حمله کردن به - منتشر کردن

s. at ease آسوده یا راحت کردن

s. at large آزاد کردن ، ول کردن

s. one's face against a person جداً باکسی مخالفت یاضدیت کردن

s. apart کنار گذاشتن - جدا کردن

s. back عقب بردن

s. down پیاده کردن - یادداشت کردن - نسبت دادن - دانستن ، شمردن [با at] - وضع کردن

s. forth بیان کردن - رهسپار شدن

s. in شروع شدن - سرگرفتن

s. in motion راه انداختن

s. in order درست کردن، مرتب کردن

s. off جلوه دادن - منفجر کردن - درکردن - جدا کردن - رهسپار شدن

s. off laughing بخنده انداختن

s. on پیش رفتن - وادار کردن

s. out بیان کردن - زینت دادن - بمعرض نمایش یافروش گذاردن

s. out for . . . عازم . . . شدن

s. sail رهسپار (دریا) شدن

s. the pace پیشقدم شدن

s. to دست بکار شدن

s. up شروع بکار کردن - نصب کردن ، برپا کردن - بلند کردن - سوار کردن - تاسیس یا دایر کردن - تقویت کردن - وارد کردن ، گذاشتن - منصب دادن - اقامه یا طرح کردن - ورزیده یا خوش اندام کردن - حاضر چاپ کردن - موجب شدن ، تولید کردن - [بصیغه اسم مفعول] خودرا گرفتن ، بادکردن

s. up for (*or* as) . . . خود را . . . وانمود یاقلمداد کردن

well s. up خوش اندام

set *ppa.* مقرر ، معین - رسمی - ثابت - محکم - ازپیش درست شده

set-back *n.* مانع (ترقی) ، تنزل

بعضی از اصطلاحات

بعضی از معانی فعلی

set [set] *vt. & i.* (pres. p. **setting**; pret. & p. p. **set**) ❶ (P 21) (of the sun, moon, and stars) go down or sink below the horizon (cf. sunset). *The moon is setting. It will be cooler when the sun has [is] set. His star has [is] set* (fig., the period of time of his greatness, power, fame, etc. is over or past). ❷ (P. 1, 10, 18) put; place; lay or stand (usu. with an adverb or an adv. phrase). (For combinations with the adverbial particles, see def. 3.) *He set the stake in the ground. She set food and drink before the travellers. She set the table for five people* (i. e. put plates, glasses, knives, forks, etc. for five). **set eyes on,** see; catch sight of. **set one's hand [name, signature, seal] to a document,** sign or seal it. **set one's hand to the plough,** (fig. & rhet.) promise to do something and begin to do it. **set seed(s) [plants],** put them in the ground. *He was busy setting potatoes. The young plants should be set (out) at intervals of six inches.* **set a hen,** cause it to sit on eggs in order to hatch them. **set eggs,** place them for a hen to sit on and hatch. ❸ (P 10, 23) combined with adverbial particles as shown below. **set (something) about,** spread it abroad, as *to set a rumour about.* **set (something) afloat,** launch; (fig.) cause something to be in motion. **set (something) apart,** put on one side; reserve. **set (a person or thing) ashore,** put on shore or land. **set (something) aside,** (1) put on one side; reserve. (2) pay no attention to. *Let's set aside all formality.* (3) refuse. *He set all their offers aside.* (4) (legal) annul; quash. **set (a person or thing) back,** put back; stop the advance or progress of; reverse the progress of, as *to set back the clock* (i.e. move back the hands) *one hour.* **set (something) by,** lay by; put on one side for future use. **set (a person or thing) down,** (1) lay down what one is carrying. *He set his load down.* (2) put something down from a vehicle or allow a person to get down. *The train stopped at the station to set down three passengers.* (3) put down on paper; enter in writing or a list. (4) (followed by *as*) reckon; consider; put in a certain class. *We must set him down as either a knave or a fool.* (5) (followed by *to*) attribute; say that something is caused by, as *to set down one's success to hard work.* (6) set forth; fix; prescribe. *Rules have been set down and must be obeyed.* (7) (colloq.) snub; rebuke. **set forth,** begin a journey or expedition; start on a journey. (*Set out* is commoner.) **set (something) forth,** make known; state clearly and in detail, as *to set forth one's views.* **set forward,** start; go forward. **set (a thing) forward,** make known; advance (opinions, theories, etc.). **set in,** (1) begin; start and continue in a certain state. *The rainy season has set in.* (2) move or flow towards. See def. 17. (3) plant. See def. 2. **set off,** (1) start on (a journey, race, etc.). **set (a person or thing) off,** (1) discharge; explode, as *to set off a rocket [gun, mine, etc.].* (2) start; cause a person or thing to begin doing something. *If you can set him off* (i. e. cause him to begin talking) *on his pet subject, he will go on for hours.* (3) make more striking; heighten the qualities of by contrast. *A large hat sometimes sets off a pretty face.* (4) separate: mark off, as *to set off a clause by a comma.* (5) match against: put one thing in the balance against another. **set on,** go forward; attack. **set (a person or thing) on,** (1) urge forward; urge to attack. *Agitators tried to set the crowd on to acts of violence.* **set out,** begin a journey; start to do. **set (something) out,** (1) state; make known in detail. *He set out his reasons for what he had done.* (2) adorn; decorate; make attractive. (3) plant out. See def. 2. (4) display (wares and goods for sale). **set to,** begin doing something vigorously or in earnest. (Cf. *set-to,* n.) *They were all hungry and at once set to* (i. e. began eating). *The engineers set to to repair the bridge.* **set up,** start in business; begin business. *He has set up as a lawyer.* **set up for,** claim or pretend to be. *Although he's such an ignorant fellow, he sets up for a critic.* **set (a person or thing) up,** (1) place in position or on view; as *to set up a post [a statue]; (fig.) to set up the standard of revolt* (i. e. start a revolt). (2) establish or start a thing or person doing something, as *to set up a school; to set up one's son in business.* (3) place in power or in a position of authority. *He was set up over his rivals.* (4) usu. in the passive—*to be set up* (i. e. be proud or vain as if set up in authority); cf. (3) above. (5) put

بعضی از معانی اسمی

set [set] *n.* ❶ ☐ a number of things of the same kind, considered as a group, as *a set of golf clubs; a dinner- [tea-, etc.] set* (i.e. a collection of dishes, usu. with the same pattern or design, for use at dinner etc.). ❷ ☐ a group of persons who associate, who have similar tastes, opinions, etc., as *the racing [literary, golfing, etc.] set in a town* (i. e. those who are interested in horse-racing, literature, etc.); *the smart set* (i. e. those who consider themselves leaders of fashion). ❸ ☐ an apparatus, as *a radio receiving set.* ❹ (sing. only) the way in which a thing is set, placed or held; the usual posture or shape, as *the set of one's head [shoulders, etc.]; the set of a coat* (i. e. the way it fits or hangs). ❺ (sing. only) the way or direction in which something flows or moves; a drift or tendency, as *the set of a tide;* (fig.) *the set of public opinion.* ❻

معانی صفتی (صفت مفعولی)

set [set] *adj.* (p. p. of *set*) that has been set, fixed or arranged in advance, as *a set* (=rigid) *stare; a set smile; a set* (=definite and fixed) *wage; in set* (=regular and formal) *terms [phrases]; to be set* (=unchanging) *in one's ways; a man of set* (=fixed, obstinate) *opinions; at a set* (=fixed in advance) *time.*

روش کنار برای انجام تست‌های دوهفته‌ای
امتیازات ورده‌بندی

دوست عزیز:

از آنجا که انجام مستمر تکالیف کتابهای ESS و BCRE شرط اولیه موفقیت در دوره مکاتبه‌ای زبان میباشد، لذا بمنظور رسیدن به این هدف واطمینان از بکار بستن روش صحیح از طرف دانشجویان تعدادی تست دو هفته ای (که محتوای هرتست براساس مطالب تعیین شده طبق برنامه می باشد) آماده شده که باید به ترتیب زیر انجام داده، طبق برنامه معینه تحویل فرمایید. برای انجام صحیح این تستها به نکات زیر توجه فرمایید:

۱ ـ برای هر تست، پاسخنامه‌ای به پایان جزوه، ضمیمه شده است.

۲ـ قسمت سئوالات چهارجوابی را (a,b,c,d) برروی پاسخنامه انجام دهید.

۳ـ قسمت تشریحی تست‌ها را از قبیل نوشتن مترادف ویا ترجمه وغیره را درپشت همان پاسخنامه مرقوم دارید.

۴ـ باید توجه داشت که گرچه پاسخنامه‌های ارسالی دارای ۵۰ شماره برای انجام ۵۰ سئوال چهارجوابی تنظیم شده است ولی تست‌های دوهفته‌ای دارای این تعداد سئوال چهارگزینه‌ای نمیباشند. بنابراین شما به تعداد سئوالات مطرح شده روی پاسخنامه علامت بگذارید وبقیه ورقه را سفیدبگذارید.

۵ـ بدلیل اینکه هر تست براساس محتوی دوهفته از مواد آموزشی ESS و BCRE (طبق برنامه تنظیم شده) نوشته شده است لذا دانشجویان باید ابتدا مطالب دوهفته مربوطه را کاملا" مطالعه کرده وپس از اطمینان از درک و فراگیری آنها اقدام به انجام تست موردنظرنمایند. (*)

۶ـ چون بعضی از دانشجویان درخواندن ودرک مطالب دارای سرعت لازم نیستند که این موضوع خود میتواند عاملی بازدارنده در کسب نتیجه مطلوب در تست‌های نیم ترم وآخر ترم باشد لذا برای رفع این مشکل ورسیدن به سرعت مورد نظر توصیه میگردد ازانجام اولین تست به وقتی که دربالای صفحه اول هر تست مشخص شده توجه نموده سعی نمائید بدون وقفه در مدت مقرر تست را انجام داده سپس بدون مرور تست آنرا به دوستان محل تحویل نمایید.

ممکن است در تست‌های اولیه از نظر وقت با اشکال مواجه شویدولی بعداز مدتی عادت نموده وبا این روش به سرعت مطلوب خواهید رسید. ضمنا" چون تست‌ها

(*) درموقع انجام تست به کتب درسی ویا دیکشنری مراجعه ننمائید.

دروقت محدود تعیین شده انجام میشوندنمرات شما نیز نمودار واقعی معلومات و فعالیت شما خواهند بود.

۷- باید توجه داشت که انجام دقیق این تست ها در نتیجه نهائی امتحانات شما نقش داشته وتعیین کننده ۲۰درصد نمره امتحان نهائی خواهدبود.
(نتیجه امتحان میان ترم ۳۰ درصد وامتحان نهائی ۵۰ درصد نتیجهٔ نهائی را تشکیل میدهد)

۸- از آنجا که پیشرفت شما بستگی به انجام دقیق تکالیف نوبتی(دو هفته ای) داردکه بدینوسیله پس از تصحیح این تکالیف وارسال آنها ازجانب ما شما به نقاط ضعف خود پی برده و بدین طریق تدریجا " به هدف خود نزدیک می شوید لذا رعایت نظم در تحویل این تکالیف از مهمترین عوامل پیشرفت شما می باشد.
چهار هفتهٔ اول را به تناسب ، بین تکالیف ۱ و ۲ و ۳ تقسیم نمایید.

بدیهی است تا پایان هفتهٔ چهارم تکالیف ۱ و ۲ و ۳ باید به دوستان محل تحویل شده باشد و اگر یکی از این تکالیف بعد از تاریخ مقرر، تحویل گردد نه تنها تاثیر زیادی برای فراگیری شما نخواهد داشت بلکه نمرهٔ آن تکلیف نیز برایتان منظور نخواهد شد.

راهنمای تحویل تکالیف انگلیسی ۲ به دوستان محل

۱ - پایان هفتهٔ چهارم: تکالیف ۱ و ۲ و ۳ (Assignments 1, 2, 3)
۲ - " " هشتم : تکلیف ۴ (Assignment 4)
۳ - " " سیزدهم: تکلیف ۵ (" 5)
۴ - " " هفدهم : تکالیف ۶ و ۷ (Assignments 6 , 7)

موفق وموید باشید

نکاتی چند در بارهٔ ترجمه

یوجین نایدا Eugen Nida (۱۹۱۴ م) زبان شناس، مترجم و محقق آمریکایی معتقد است " ترجمه عبارت است از برگردان متنی از زبان مبداء با نزدیکترین و مطلوب ترین معادل آن در زبان مقصد. نخست انتقال درست معنا، سپس رعایت سبک." وی می گوید ترجمه در آن واحد هم یک مهارت، هم یک هنر و هم یک علم است. ترجمه در معنای دقیق و محدود کلمه یک علم نیست بلکه یک فن است که بر پایه شماری از رشته‌های علمی و از آن جمله، روان شناسی، جامعه‌شناسی، زبان شناسی، نظریهٔ ارتباطات، مردم شناسی فرهنگی و نشانه‌شناسی اجتماعی ساخته و پرداخته می شود. به بیان دیگر ترجمه را می توان مهندسی زبان دانست که از رشته‌های یاد شده استفاده می کند تا میان جوامع پل های ارتباطی برقرار نماید."

مطلوب ترین نوع این انتقال و ارتباط آن است که هیچ بخشی از صورت و معنی از میان نرود. اما هیچ پیامی بدون دستکاری و حذف و اضافه نمی توان از زبانی به زبان دیگر منتقل نمود. این کاهشها و یا افزایشهای اجتناب ناپذیر در انتقال پیام می توانند در عرصهٔ معنی یا صورت یا هر دو باشد.

زبان انگلیسی فی المثل دو واژهٔ جداگانهٔ actor و actress را دارد. اما زبان فارسی فقط یک واژهٔ " هنرپیشه" دارد و مؤنث یا مذکر بودن آن را در صورت لزوم با اضافه کردن واژه‌های جداگانهٔ " زن" یا " مرد" مشخص می کند. زبان فارسی برای خدمتکار دو واژهٔ جداگانهٔ " کلفت" و " نوکر" را دارد. اما زبان انگلیسی فقط یک servant (خدمتکار) دارد و برای مشخص کردن جنس آن در حالت مؤنث واژهٔ maid (به معنای دوشیزه) را به servant اضافه می کند. فارسی زبانها " رنگین کمان " را " رنگین"می بینند، اما انگلیسی زبانها آن را به " باران " نسبت می دهند (rain - bow). واژهٔ فرهنگ در معنای جامعه‌شناسی آن در زبان فارسی با واژهٔ "فرهنگ " به معنای لغتنامه همخانه می شود، اما میان culture وdictionary انگلیسی هیچ وجه تشابهی دیده نمی شود. برعکس زبان انگلیسی " میز" و " جدول " را تحت یک پوشش (table) می گذارد. اما زبان فارسی آنها را جدا می کند. فارسی زبانها یکی از مهره‌های شطرنج را به شکل " فیل " دیده‌اند و همین مهره را انگلیسی زبانها به شکل " اسقف " (bishop)دیده‌اند. ما می گوییم " کمابیش " و انگلیسی زبانها می گویند " بیش یا کم" (more or less). ما آواز خروس را " قوقولی‌قوقو" می شنویم و دقیقا همین صدا را انگلیسی زبانها کاکه دودل دو(cock-a-doodle-doo)

می شنوند. زبان فارسی برای واژهٔ انگلیسی nephew و زبان انگلیسی برای واژهٔ "برادر زاده" معادل دقیق ندارند. زبان فارسی فعلهایی نظیر دویدن، خوابیدن، رقصیدن، پریدن را به راحتی و با خوش‌آهنگی به صیغهٔ متعدی دواندن، خواباندن، رقصاندن، پراندن تبدیل می کند. اما نظیر این کار در زبان انگلیسی با این جرخش خوش‌نواخت صورت نمی گیرد. بلکه باید از کلمات دیگری مانند make و get استفاده شود. انگلیسی زبان می گوید: This bus can accommodate 20 passengers. اما فارسی زبان می گوید: "در این اتوبوس ۲۰ نفر می توانند جا بگیرند." به عبارت دیگر واژهٔ اتوبوس که در جملهٔ انگلیسی در حکم نهاد جمله است در جملهٔ فارسی به صورت قید مکان ظاهر می شود. و سرانجام فارسی زبانان می گویند "آشپز که دو تا شد آش یا شور می شود یا بی نمک." اما انگلیسی زبانان می گویند: "ناخدا که دو تا شد کشتی غرق می شود." Two captains sink the ship. بنا بر این برای ترجمهٔ یک متن ابتدا باید آن را درست درک نمود.

مرحلهٔ اول: درک و فهم متن مورد نظر

۱ ـ تجزیه و تحلیل دستوری جمله‌های متن یکی از عوامل عمده‌ایست که درست فهمیدن متن را تضمین می کند. برای اینکار باید جمله را در زبان مبداء به نهاد و گزاره تقسیم کرد و به این وسیله اجزای اصلی آن، یعنی فاعل و فعل و مفعول را مشخص نمود. غالبا با چنین کاری، اجزای دیگر جمله نظیر قید، صفت، جمله‌های اصلی و تابع و غیره را با سهولت بیشتری می توان مشخص نمود. هر اندازه در اجزای جمله بیشتر دقت نمائیم، درک و فهم متن دقیقتر خواهد بود.

اگر در تمامی زبانها هر کلمه فقط یک معنی و یک حالت دستوری داشت و ساختمان نحوی زبانها نیز یکسان بوده ابتدایی ترین ماشین های ترجمه نیز می توانستند از یک زبان به زبان دیگر ترجمه کنند، به جملهٔ زیر توجه کنید:

(1) Ali walks.

(2) علی قدم می زند.

به ندرت پیش می آید که جملات انگلیسی که مترجم فارسی با آن سر و کار دارد از نوع جمله (۱) باشد. در ترجمه این نوع جملات کافی است بین اجزای آنها و معادلهای فارسی شان تناظر یک به یک برقرار کنیم. اسم در برابر اسم و فعل در برابر فعل و غیره. (هر چند که در این جملهٔ ساده نیز ترتیب قرار گرفتن اجزاء یعنی فاعل و فعل در دو زبان یکسان نیست.) حال به جمله زیر توجه کنید:

(3) The man ran back down into the storeroom.

هر انگلیسی زبان از این جمله که یک جمله معمولی انگلیسی است معانی زیر را که در جمله نهفته است درک می کند:

الف: عمل رفتن به انبار با دویدن صورت گرفته است. (ran)

ب: مرد قبلا در انبار بوده و دوباره به آنجا برگشته است. (back)

ج: نقطه آغاز حرکت بالاتر از انبار بوده است. (down)

حال جمله فوق را با ترجمه نه چندان رضایت بخش زیر مقایسه می کنیم تا ببینیم در این ترجمه اولا چه مقدار از اطلاعاتی که جمله انگلیسی به خواننده می دهد به فارسی منتقل شده است. ثانیا آیا کلمات فارسی همان نقش دستوری را دارند که معادلهای آنها در جمله انگلیسی دارند.

(۴) مرد دوان دوان به انبار برگشت.

در ترجمه فارسی عمل دویدن به کمک قید ولی در جمله انگلیسی به کمک فعل بیان شده است. اطلاعاتی که down در جمله انگلیسی به ما می دهد در ترجمه فارسی وجود ندارد. عمل برگشتن در جمله فارسی به کمک فعل ولی در جمله انگلیسی به کمک حرف اضافه بیان شده است. اگر همهٔ اطلاعات مندرج در جمله انگلیسی را ولو با استفاده از کلمات بیشتر به فارسی منتقل کنیم باز هم نقش دستوری اجزای جمله فارسی با نقش دستوری اجزای جمله انگلیسی مطابقت کامل ندارد. از تحلیل این جمله می توان نتیجه گرفت که در زبانهای مختلف مفاهیم به صورتهای گوناگون در روساخت جملات بیان می شوند.

۲ ـ در ترجمه حتی یک جملهٔ ساده ممکن است مترجم دچار اشکال گردد، یعنی در آن واحد نتواند معنای کلمات را بدرستی درک نماید و معادل آن را تشخیص دهد. در چنین حالتی بهتر است که جمله را به نهاد و گزاره تقسیم کنیم یعنی فعل اصلی و آنچه را که بعد از آن آمده، بعنوان گزاره و آنچه را که پیش از فعل آمده، بعنوان نهاد، جدا کنیم. آنگاه بهتر می توان کلمات اصلی و معادل آن را یافت مثل:

In jungle yellow fever the monkey is in the reservoir of the disease.

در این جمله پس از تجزیه و تحلیل مشخص می شود که کلمهٔ اصلی نهاد (فاعل) monkey نه fever است و دو کلمهٔ jungle و yellow به ترتیب مضاف و مضاف الیه است و ترجمهٔ جمله چنین می شود: "در بیماری تب زرد جنگلی، میمون میزبان بیماری است."

۳ ـ ممکن است جمله از نظر دستوری جمله ای مرکب و دارای دو فعل یا بیشتر باشد و یا از دو قسمت اصلی و تابع تشکیل شده باشد، برای ترجمهٔ چنین جملاتی،

ابتدا بدون درنظر گرفتن معنی و موقعیت حرف ربط با تقسیم جمله‌ها به نهاد و گزاره دست به ترجمهٔ جمله‌ها زده و سپس با درنظر گرفتن معنا و موقعیت به هم پیوند داد.

مثـل :

He asked himself these questions over and over again as he sat with a cup of coffee in his hand and his long legs stretched out on the opposite seat.

" همچنانکه نشسته بود و فنجانی قهوه در دست داشت و پاهای درازش را بر صندلـــی مقابل قرار داده بود این سوءالها را مکررا از خود می پرسید."

و در ترجمهٔ جمله‌های اصلی و تابع، ابتدا جملهٔ اصلی و سپس جملهٔ تابع را ترجمه می نمائیم. سپس با رعایت سلاست و روانی با زبان آنها را به هم پیوند می دهیم.

John left while Mary was studying. جان رفت درحالیکه مری مشغول مطالعه بود.

جملهٔ تابع جملهٔ اصلی

I was studying when the phone rang. مشغول مطالعه بودم که تلفن زنگ زد.

جملهٔ تابع جملهٔ اصلی

He found what he was looking for. آنچه را که دنبالش بود پیدا کردم.

جملهٔ تابع جملهٔ اصلی

I go swimming whenever the weather is nice. هر وقت هوا خوب باشد به شنا می روم.

جملهٔ اصلی جملهٔ تابع

If it rained, we wouldn't leave home. اگر باران می آمد خانه را ترک نمی‌کردیم.

جملهٔ اصلی جملهٔ تابع

بهره‌گیری از فرهنگ لغات :

غالبا پیش و بیش از هر کاری نبایستی دست بسوی فرهنگهای دو زبانهٔ انگلیسی به فارسی و یا بالعکس برد، زیرا در این نوع فرهنگ ها دو عیب عمده مشاهده می‌کنیم:

۱ـ معادل هائی در برابر هر لغت بدون درنظر گرفتن معانی بدنبال یکدیگـــر چیده شده است مثلا در یکی از همین فرهنگهای انگلیسی به فارسی در برابر مدخـــل good ، معادلهای متعدد به مانند: فراوان، نسبتا زیاد، کافی، معروف، بها دار، رضایتبخش، پرقیمت، مطبوع، ... آمده. در حالیکه در فرهنگهای یک زبانه معادلها دسته‌بندی شده و یافتن معادل مناسب آسانتر است. چون در آنصورت مترجم فقط مجموعهٔ معادلها را بررسی می کند که بنظرش مناسبتر می آید و مجبور نمی شود یک مجموعهٔ لغات نامناسب از ابتدا تا انتهاء بخواند.

۲ ـ در بسیاری از موارد، توضیحات فرهنگهای دو زبانه ناقص است و برای نمونه

در برابر همین کلمه The good معنای خوبان ، نیکان، مشاهده می شود و احتمالا پاره‌ای از مترجمین (تازه‌کار) عبارت (The good people) را به احتمال قوی " مردمان خوب " یا " مردمان نیک " ترجمه خواهند نمود، حال آنکه معنای همین ترکیب در فرهنگ یک زبانه " جن و پری" است .

در صورت برخورد به کلمه یا عبارتی که معنای آن را نمی شناسید حتما به فرهنگ یک زبانه مراجعه شود که در غالب این فرهنگ ها علاوه بر دسته‌بندی معادلهای مختلف نکات مثبت زیر وجود دارد :

- مثالهائی ارائه شده که به فهم درست مقصود نویسنده کمک بسیار می کند .
- پس از ارائهٔ معانی و معادلها ، ترکیبات گوناگون آن داده می شود که با معنی و نمونه و کاربرد هر یک همراه است .

مرحلهٔ دوم : آغاز کار ترجمه

پس از اطمینان از درک و فهم متن مورد نظر، نوبت به ترجمهٔ آن به زبان مقصد می رسد. مثلا عبارت I am sorry در ظاهر معنی روشنی دارد ولی در واقع دو - معنی دارد که غالبا با یکدیگر اشتباه می شود :

۱ - از بابت کاری که کردم پوزش می طلبم .

۲ - از وضعیتی که به وجود آمده (هر چند تقصیر من نیست) متاسفم .

در این مرحله از کار ترجمه، برابریابی از سه جنبهٔ کلی مطرح است که دو جنبهٔ آن در اینجا موردنظر می باشد .

۱ - برابریابی برای کلمات ، یا به عبارتی یافتن نزدیکترین و مصطلح ترین معادل برای هر یک از کلمات ، عبارات یا اصطلاحات متن ترجمه . ممکن است برای یک کلمهٔ معین بیش از یک معادل و برابر در زبان مقصد وجود داشته باشد و احتمال دارد به دو علت مترجم در انتخاب مناسب ترین آنها به راه خطا برود یا دچار تردید شود .

الف - درک نکردن معنی درست کلمه در متن مورد ترجمه .

ب - اشکال در فهم معانی و معادلهائی است که در زبان مقصد برای کلمهٔ مورد نظر وجود دارد . لزومی ندارد در برابر یک کلمهٔ مشخص در زبان مبداء همواره یک معادل مشخص در زبان مقصد بکار رود . برای نمونه گرچه کلمهٔ system در زبان انگلیسی معنای مشخص دارد اما در زبان فارسی معادلهای متعددی برای آن وجود دارد . با پذیرفته شدن هر یک درجای خود بسیار رایج و گویا است :

منظومهٔ شمسی Solar System

دستگاه عصبی Nervous system

نظام حکومتی Government system

سیستم متری Metric System

۲ – برابریابی دستوری، یعنی یافتن ساختمان نحوی مناسب در زبان مقصد بدون تاثیر پذیرفتن از ساخت دستوری زبان مبداء. مترجم همواره در معرض تاثیر پذیرفتن از ساخت دستوری زبان مبداء قرار دارد و ممکن است خطاهای فاحشی را در کار ترجمه موجب شود. نه بصورت یک قاعده، دست‌کم بعنوان یک رهنمود علمی باید گفت که لزومی ندارد زمان های افعال متن مورد توجه عینا به زبان مقصد برگردانده شود وهمواره باید به ترکیبهای اصطلاحی توجه نمود، مثلا :

He harkly knew whether he was still awake or had fallen asleep.

به درستی نمی دانست هنوز بیدار است یا بخواب رفته است.

I will come with you if you want me to.

اگر بخواهی با تو می‌آیم.

The meeting will have finished by the time we get there.

تا به آنجا برسیم، جلسه به پایان رسیده است.

بنا بر این در زمینهٔ چگونگی سازگار سازی ساختمان نحوی نمی توان قاعده‌ای کلی ارائه نمود اما می توان رهنمودهای زیر را در نظر گرفت :

الف – برگرداندن مو بموی زمان افعال متن مورد توجه به زبان مقصد ضرورتی ندارد.

ب – هنگامیکه در برگرداندن زمان افعال تردیدی پیدا می‌شود باید بجای همانندی و همسانی دستوری، همسانی معنائی را مورد توجه قرار داد.

پ – هنگامیکه همسانی معنائی در کار ترجمهٔ زمانها درنظر گرفته می شود باید بنکته آنچه ذوق سلیم گفته می شود نیز توجه نمود، یعنی باید دقت کرد که فعل مورد نظر در زبان مقصد به چه صورت بکار می رود.

الف : معانی لغات و اصطلاحات

1. mighty : powerful
2. midget : کوتوله ـ ریزاندام
3. fairy : پری ـ مربوط به پری‌ها
4. tale : story
5. tornado : گردباد سخت
6. hurricane : گردباد
7. travel : move
8. die : ساکت شدن ـ از بین رفتن
9. small as they are : though they are small
10. property : مال ـ دارائی
11. sweep : (cause to) move quickly (taking away anything in the way)
12. cone-shaped : مخروطی شکل
13. roar down : بسمت پائین یورش آوردن
14. suction : قوه مکش (از فعل suck)
15. upward-rushing air : the air that rushes upward
16. vacuum-cleaner : جارو برقی
17. rush up : move rapidly upward
18. suck up : جذب کردن
19. surrounding air : هوای اطراف
20. take (its) place : جانشین شدن
21. spiral : بطور مارپیچ حرکت کردن
22. blow....down : destroy
23. suck away : با مکش خارج کردن
24. blow...to bits : (بوسیله انفجار) تکه تکه کردن
25. scattered : پراکنده
26. once stood : زمانی قرار داشت
27. high : پرقدرت
28. lift off : lift away from
29. let down : به زمین گذاشتن
30. turn into : تبدیل کردن به
31. drive : فروکردن
32. break down : فروریختن
33. as : درحالیکه ـ همانطوریکه
34. as : مانند
35. mark : علامت یا نشانه (چیزی)
36. call : فراخواندن ـ از (کسی) خواستن بودن
37. in time : بموقع
38. some day : روزی (درآینده)
39. certain : معین ـ مشخص
40. tremendous : very great

ب : جواب تمرينهـا

How well did you read?

1. b
2. a
3. b
4. a
5. c
6. c
7. a

Learn about words

A	B
1. damage	7. c
2. suction	8. b
3. therefore	9. a
4. explode	10. b
5. foundation	
6. power	

الف : معانی لغات واصطلاحات

1.tap (v.) : knock

2.tap (n.) : knock

3.can you read your taps?
آیا ازانعکاس این ضربه‌ها چیزی احساس می کنید؟

4.the blind : افرادنابینا
(اگرکلمه the قبل از بعضی از صفات بکاررود اسم جمع درست میشود مثال
the poor فقرا the young جوانان
the deaf افرادناشنوا

5.objects : things

6.fly about : باینطرف وآنطرف پروازکردن

7.dart :run quickly;
move forward suddenly
and quickly

8.swoop : come(down on)with
a rush

9.high : زیاد

10.range : دامنه

11.winding : پرپیچ وخم
(تلفظ این کلمه " وایندینگ" میباشد)

12.if : که آیا

13.old saying: ضرب المثل قدیمی

14.plug : مسدود کردن

15.come to believe:
معتقد شدن

16.high-pitched sound:
صوتی با فرکانس زیاد

17.flying colours:success; victory

18.with flying colours : successfully

19.gag : put something in the
mouth to prevent speaking

20.get about: go to places

21.helpless : عاجز

ب : جواب تمرینها :

How well did you read?

1. b
2. a
3. b
4. c
5. fact
6. opin
7. fact

Learn about words.

A.	B.
1.blind	6. b
2.unusual	7. a
3.keen	8. b
4.finally	9. a
5.uncertain	10. c
	11. a 12. b

الف : معانی لغات و اصطلاحات

1. hollowed-out: توخالی (شده)
2. one another : each other
3. no matter : مهم نیست که / بدون توجه به
4. crust : hard outer part
5. live volcano: آتشفشان فعال
(در اینجا کلمه live صفت است بمعنی فعال زنده) و تلفظ آن نیز "لایو" میباشد
6. steadily : دائما
7. hollow (n.) : گودی ـ حفره
8. wear : فرسودن
9. wear a hole : (با فرسایش) حفره ایجاد کردن
10. seep : تراوش کردن
11. beds of limestone: قشرهای سنگ آهک
12. dissolve : حل کردن
13. soft drink : نوشابه (غیرالکلی)
14. bubble : حباب
15. meet : رسیدن به
16. trickle : قطره قطره ریختن (نفوذ کردن)
17. nibble : خرد خرد خوردن (و از بین بردن)
18. crevice : narrow crack
19. meet : بهم پیوستن
20. crisscross: بطور متقاطع حرکت کردن
21. flood (v.)
22. laden with : مملو از
23. dry up : dry completely
24. crumb : very small piece
(حرف b تلفظ نمیشود)
25. wax : موم
26. amazed : surprised
27. passage : گذرگاه

ب : جواب تمرینها

How well did you read ?

1. b
2. c
3. b
4. a
5. a
6. T
7. F
8. T

Learn about words .

A.

1. lava
2. force
3. seeping
4. dissolve
5. evaporates

B.

6. live
7. icicles
8. marine
9. empty
10. solid
11. tiny
12. outlet
13. never
14. enlarging

الف : معانی لغات و اصطلاحات

1.remarkable : specially good

2.cover a distance :
travel a certain distance

3.set free : make free

4.all through history:
درتمام طول تاریخ

5.homer : کبوتر جلد

6.winged : بالدار

7.siege : محاصره

8.swiftly : quickly

9.lighten : سبک کردن

با اضافه‌کردن پسوند en به بعضی ازصفات فعل درست میشود مانند :

sweet + en ⟶ sweeten

black + en ⟶ blacken

10.set up : برقرار کردن

11.base : پادگان

12.so that : بمنظور اینکه

13.pass laws : تصویب‌کردن قانون
گذراندن قانون

14.strict : جدی ـ سخت

15.offence : جرم

16.on the other hand: ازطرف دیگر

17.quill : شاهپر ـ ساقهٔ پر

18.fasten : بستن ـ متصل کردن

19.fine wire : سیم ظریف

20.likely : probably

21.secure : محکم‌نگاهداشتن/محکم بستن

22.loft : pigeon house

23.fixed : ثابت

24.as in the case of its use:
مثل موارد استفادهٔ آن

25.it does have : آن واقعا " دارد
(does به اینصورت برای تاکیدبکار میرود)

26.instinct : غریزه

ب : جواب تمرینها

How well did you read?

1. a
2. a
3. b
4. c
5. c
6. b
7. c
8. a

Learning about words.

A.

1. speed
2. ancient
3. surrounded
4. collected
5. attached
6. laws
7. secure

B.

8. private
9. instinct
10. great
11. enlarged
12. offence
13. notes
14. sealed

الف : معانی لغات و اصطلاحات

1. have a wooden bee dance: cause a wooden bee to dance
2. tell apart : از هم تمیز دادن
3. scent : pleasant smell
4. behaviour : رفتـــار
5. solve : حل کردن (مسئله‌ای)
6. feeler : شاخک (درحشرات)
7. from what followed : از نتیجهٔ مشاهدات بعدی
8. circular : مدور ـ دورانی
9. spectator: تماشاکننده ـ ناظر
10. near by : نزدیک ـ دم دست
11. suggest : مطرح کردن ـ القا کردن
12. grow less: become less
13. where there was a wind to fly against : اگر مجبور بودند که بر خلاف جهت بـــاد پرواز کنند
14. sense of direction : شـــم جهت یابی
15. run (n.) : حرکت
16. find(n.) : discovery
17. wag : move from side to side or up and down
18. hind : عقبـــی
19. in bloom : پرشکوفـــه
20. in part : تا حدودی

ب : جواب تمرینهـــا

How well did you read ?

1. a
2. b
3. b
4. a
5. b
6. c
7. c
8. a

Learn about words.

A.	B.
1. imitation	7. comb
2. solve	8. up
3. observing	9. really
4. repeating	10. increase
5. spectators	11. orchards
6. instructions	12. scents
	13. inside
	14. tape
	15. yards

الف ـ ترجمه لغات و اصطلاحات مهم

1 . wonder (v.) : کنجکاو شدن

2 . raise (vt.) : بالابردن ـ بلند کردن

3 . bring about : cause to happen

4 . (push)out of way : ازسرراه (کنار زدن)

5 . sill : کف (درگاه) ـ آستانه

6 . move about : باینطرف و آنطرف حرکت کردن

7 . run : جریان یافتن

8 . tap : شیر آب

9 . hold back : مانع (جریان) شدن

10. much less : خیلی کمتر

11. rise (vi.) : برخاستن ـ بلند شدن

12. keep a balance : تعادل برقرار کردن حفظ کردن تعادل

13. so that : تا اینکه ـ بخاطر اینکه

14. evenly : بطوریکنواخت

15. even : حتی

16. keep .....moving : درجریان یا حرکت نگهداشتن

17. changing pressure: فشار متغیر

18. the sun-heated(land) : (land) heated by the sun

19. even : یکنواخت ـ یکسان

20. patch : part; piece

21. next to each other: کنار یا نزدیک یکدیگر

22. slope : دامنه ـ سراشیبی

23. cyclone : گردباد ـ تند باد

ب ـ جواب تمرینها

How well did you read ?

1. B
2. A
3. A
4. C
5. A
6. YES
7. NO
8. YES

Learn about words

A :	B :
1. forced	7. B
2. easier	8. C
3. aside	9. A
4. visits	10.A
5. coast	11.C
6. dull	12.B
	13.C

الف ـ ترجمه لغات و اصطلاحات مهم

1. coral : مرجانی ـ مرجان
2. deadly (adj.) : مرگبار ـ کشنده
3. make a living : امرار معاش کردن
4. harvest (v.) : جمع کردن ـ جمع آوری کردن (محصول)
5. sugar cane : نیشکر
6. coconut : نارگیل
7. sprout : جوانه زدن ـ سبز کردن
8. the green (n.) : قسمت سبز
9. caterpillar : کرم درخت
10. moth : پروانه درخت
11. grow (vt.) : رویانیدن
12. bare : لخت ـ برهنه
13. make efforts : کوشش کردن
14. spread : منتشر شدن ـ پخش کردن
15. cocoon : پیله
16. spray : سمپاشی کردن
17. try : آزمایش کردن
18. dismal : ملال انگیز
19. fringe : حاشیه دار کردن
20. call in : ask to come
21. orderly (adj.) : منظم
22. headed by : به سرپرستی
23. elsewhere : somewhere else
24. set free : make free; release
25. hatch : از تخم بیرون آمدن
26. copper netting : تور مسی
27. post : تیر ـ دیرک
28. set : قرار دادن
29. concrete : بتونی ـ سیمانی
30. the experiment had worked : آزمایش نتیجه داده بود
31. grown-up : بالغ
32. lot : group
33. stock : موجودی
34. dead or dying : مرده یا درحال مردن
35. germ : میکرب
36. go over : (دوباره) بررسی کردن
37. batch : a group of things
38. four-fifths : چهار پنجم

مثالهای دیگر :

one- third ($\frac{1}{3}$)

two- thirds ($\frac{2}{3}$)

39. outbreak : شیوع

جواب تمرینها درصفحه بعد

ب ـ جواب تمرينها :

How well did you read ?	Learn about words .	
1 . b	A :	B :
2 . c	1 . climate	7 . island
3 . a	2 . sprouted	8 . next
4 . b	3 . prevent	9 . surround
5 . b	4 . dismal	10. enemy
6 . b	5 . solve	11. coral
7 . c	6 . examined	12. trunk
8 . c		
9 . a		
C :	D :	E :
14. sleep	20. drop	27. on
15. wide	21. close	28. fall
16. sad	22. job	29. full
17. jump	23. huge	30. low
18. stage	24. hard	31. old
19. rocket	25. closer	32. crooked
	26. tale	33. right

Lesson /38 الف ـ ترجمه لغات و اصطلاحات مهم

1 . off schedule : برخلاف برنامه ـ خارج از برنامه

2 . internal : داخلی ـ درونی

3 . set : تنظیم کردن

4 . be linked to : بستگی داشتن به ارتباط داشتن با

5 . drop (v.) : become lower

6 . fraction : small part or bit

7 . alert : هوشیار ـ سرحال

8 . first thing in the morning: اول صبح ـ اوائل صبح

9 . hour after hour : all the time

10. adjust : وفق دادن ـ سازش پیدا کردن

11. reset : دوباره تنظیم کردن

(re + set= rest) مثالهای دیگر

rewrite : دوباره نوشتن

retell : دوباره گفتن

12. time-belt : time zone

13. keep : حفظ کردن ـ رعایت کردن

14. adapt : adjust

15. shift : change

16. earth-bound space ship : سفینه فضائی که روی زمین آزمایش میشود

17. simulate : pretend to be;imitate

simulated flight : پرواز آزمایشی یا تمرینی

18. harm : اذیت ـ آسیب

19. interval : فاصله زمانی

20. suit : مناسب یا سازگار بودن

21. built - in : ذاتی ـ درونی

22. state : وضعیت ـ حالت

23. function : عمل کردن (به وظیفه)

24. burrow : سوراخ زیرزمینی ـ نقب

25. pulse : نبض

26. grow weaker : become weaker

27. digest : هضم کردن

28. stored fat : چربی ذخیره شده

29. carry on : continue

30. the light was kept on . چراغ روشن نگهداشته شده بود

31. mystery to be solved :

mystery which should be solved

32. boredom : کسالت

(bore+ dom = boredom) : مثالهای دیگر

king + dom = kingdom : پادشاهی

free + dom = freedom : آزادی

33. main topic : عنوان ـ موضوع اصلی

جواب تمرینها درصفحه بعد

How well did you read ?

1 . c
2 . a
3 . b
4 . a
5 . c
6 . a
7 . b
8 . b
9 . b
10. c

Learn about wods .

A :

1 . internal
2 . fraction
3 . alert
4 . adjust
5 . normally
6 . experiments
7 . remains

B :

8 . c
9 . b
10. a
11. c

C :

12. like
13. pieces
14. make
15. asserting
16. precisely
17. soaks
18. slanting
19. changes
20. finally
21. small
22. quantity
23. examined
24. holds

D :

25. acceptable
26. lovable
27. desirable
28. receivable
29. debatable
30. adjustable
31. comfortable
32. agreeable
33. permissible

1 . torrent : سیلاب
in torrents : سیل آسا
2 . shack : خانه محقر ـ کلبه
3 . feverishly : excitedly
4 . set : قرار دادن
5 . intent : مشتاق ـ مصمم
6 . sticky : چسبناک
7 . in disgust : با ناراحتی و انزجار
8 . crude : rough
9 . gentle : kind, friendly
10. mind : اهمیت دادن به
11 crib : تختخواب بچه‌گانه
12. in spite of himself : ناخواسته با وجود ناراحتیش
13. limp : لطیف ـ نرم
14. got to his feet: got up; stood
15. leak (n.)
16. take up : بدست گرفتن (کاری) ادامه دادن
17. leave off : دست کشیدن از
18. earn a living: make a living
19. my spirits are low: روحیه‌ام ضعیف است
20. encourage : تشویق کردن
21. devoted : loyal
22. obtain : بدست آوردن
23. governess : معلم سرخانه
24. save : پس انداز کردن
25. work on : continue working

جواب تمرینها درصفحه بعد

26. through ..... : درتمام مدت...
27. tense : nervous ; excited
28. vessel : ظرف
29. matter : ماده
30. straighten up : become straight
31. his joy knew no bounds :
شادیش حد وحصری نداشت
32. isolate : separate
33. share : سهم‌داشتن ـ شریک بودن
34. release : منتشرکردن (خبر)
35. appoint : منصوب کردن
36. honor and fame were theirs :
افتخار وشهرت بسراغشان آمد
37. school of letters and science :
دانشکده ادبیات وعلوم
38. property : خاصیت
39. startling : giving a shock of surpri
40. willing : مایل
41. discouraging conditions :
شرایط نا مطلوب یا ماءیوس کننده
42. countless : very many in number

How well did you read ?	Learn about words:	
1 . b	A :	B :
2 . a	1 . shack	8 . returned
3 . a	2 . encourage	9 . atomic
4 . b	3 . completely	10. daughter
5 . a	4 . isolated	11. inside
6 . b	5 . chosen	12. university
7 . Yes	6 . laboratory	13. mathematics
8 . Yes	7 . research	
9 . No		
10. Yes		

1 . this very minute (درست)همین دقیقه

2 . brainless : without brain

(brain + less = brainless)

use + less = useless مثالهای دیگر

power + less= powerless

3 . beak : منقار

4 . spur : سیخک ـ سیخچه

5 . vanish : disappear

6 . for ever : برای همیشه

7 . turn into : تبدیل شدن به

8 . entirely : completely

9 . take place : happen

10. remains : بقایا

11. throughout the ages : درطی اعصار

12. at all : بهیچوجه ـ اصلا"

13. region : area

14. marshy : باتلاقی

15. enormous : very large

16. deep-water islands : ارتفاعاتی که قسمت اعظم آنها را آب فرا گرفته و فقط بخش فوقانی آنها از آب بیرون است

17. tremendous : very great

18. vast : extensive; very big

19. deep freeze : یخبندان شدید

20. stretch : peroid (of time)

21. fairly : نسبتا "

22. groove : شیار

23. scratch : بریدگی ـ خراش

24. exposed : درمعرض هوا ـ بدون حفاظ

25. tight (adv.) : سخت ـ سفت

26. polar : قطبی

27. scar : فرورفتگی ـ خراش

28. run : کشیده شدن ـ امتداد داشتن

29. get along : گذران کردن ـ بسربردن

30. authorities : experts

31. hardship : سختی

(hard + ship = hardship) مثال دیگر:

friendship : دوستی

32. offspring : children;young of animals

33. inherit : بارث بردن

34. cell-structure : ساختمان سلولی

35. pretty much : تا حد زیادی

36. as they were : به شکل اولیه

37. tough : strong

38. bygone : past

39. wildest : most fantastic

40. subtopic : عنوان فرعی

جواب تمرینها در صفحه بعد

ب : جواب تمرينهـــا :

How well did you read ?

1 . b
2 . c
3 . a
4 . c
5 . b
6 . t
7 . f
8 . f
9 . nl
10. t

Learn about words .

A :

1 . jolting
2 . astonishing
3 . vanished
4 . slowly
5 . ordinary
6 . famous
7 . exist

B :

8 . b
9 . a
10. c
11. a
12. a
13. a

C :

14. courageous
15. outrageous
16. joyous
17. famous
18. vigorous
19. mountainous
20. humorous
21. dangerous

D :

22. without noise
23. without a defence
24. without motion
25. without a fault
26. without power
27. without a doubt

E :

28. dirty
29. risky
30. marshy
31. watery
32. silvery
33. milky

ENGLISH II

BCRE/Lesson 41

الف : ترجمه لغات و اصطلاحات مهم

1. methodical : منظّم
2. composer : آهنگساز
3. strike : زدن (زنگ ساعت)
4. predict : پیش بینی کردن
5. determined : مصمّم
6. disappoint : ناامید کردن - مایوس کردن
7. prediction : حالت اسمی از فعل predict
8. blow .....nose : تمیز کردن بینی (فین کردن)
9. exact : درست - دقیق
10. point : متوجه ساختن (به)
11. compass : قطب نما
12. direction : جهت
13. magnetic : مغناطیسی
14. current : جریان
15. flow : جریان داشتن
16. article : شئ - چیز
17. as exactly placed : درست بهمان وقت قرار داده شده
18. space (v.) : place (v.)
19. regular : مرتب
20. interval : فاصله
21. closet : گنجه
22. rail : میله (برای آویختن لباس)
23. tie (n.) : کراوات
24. apart : separately
25. underwear : لباس زیر
26. in turn : بنوبت
27. possessions : وسایل - مایملک
28. on the dot : at the precise moment
29. chew : جویدن
30. mouthful : لقمه
31. bar : قطعه (موسیقی)
32. strand : رشته
33. stroll : quiet, unhurried walk
34. exercise : sport
35. step (v.) : قدم گذاشتن
36. on arising : while getting up
37. settle down to read : بمطالعه پرداختن
38. supper : an evening meal
39. slice : piece
40. take great care : be very careful
41. means : وسیله
42. by means of : بوسیله
43. stroke : حرکت - ضربت (پاراگراف ۶)
44. awoke : woke up
45. boast (n.) : مباهات

ادامهٔ درس ۴۱

46. stir : move
47. stroke of seven : زنگ ساعت ۷ (یا گزاف ۷, ۱۴)
48. call : visit
49. stranger : person one does not know
50. how strange they found his visit : his visit was very strange to them

51. chime : stroke
52. daily count of : daily amount of
53. his temperature was 103 : دمای حرارت بدنش ۱۰۳ درجه (فارنهایت) بود
54. hasten : hurry

How well did you read?

1. A
2. B
3. B
4. C
5. C
6. C
7. A
8. C

ب : جواب تمرینها

Learn about words.

A:

1. predicted
2. custom
3. exact
4. article
5. possessions
6. methodical

B:

7. B
8. A
9. B
10. A
11. C
12. B

ENGLISH II

BCRE/Lesson 42

الف: ترجمه لغات واصطلاحات مهم

1. falls : آبشار
2. stillness : سکوت - آرامش
3. (still + ness = stillness)
   kind + ness → kindness مثالهای دیگر مهربانی
   quiet + ness → quietness سکون
4. search : look for
5. about : around
6. unbelievable : باورنکردنی
7. deafen کرکردن
   (deaf + en → deafen)
8. passage : مجرا - گذرگاه
9. spot (n.) : place
10. rush : flow very fast
11. way out : passage
12. make up : تشکیل دادن
13. square mile : میل مربع
    (میل واحد طول برابر ۱۶۰۹٫۳۵ متر)
    square meter : مثال دیگر : متر مربع
14. drop (v.n.) : فرو ریختن
15. waterway : راه آبی کشتی رو
16. geologist : زمین شناس
17. thousands of years : هزاران سال
18. thaw (n.) : آب شدن (برف)
19. break away : go away suddenly
20. break up : خرد شدن
21. mill about : باینطرف و آنطرف چرخیدن
22. whirl : پیچ و خم
23. odd : unusual, strange
24. depart : go away
25. sight : منظره
26. come upon : سراغ (کسی) آمدن
27. drive ..... crazy : دیوانه کردن
28. gorge : narrow valley
29. Indian : (مربوط به) مردم سرخ پوست
30. relics : آثار - بقایا
31. hunt : look for
32. loose : free
33. regiment : هنگ - فوج
34. march : رژه رفتن
35. jam (v.) : فشردن
36. solid : firm

ب: جواب تمرینها

How well did you read?

1. B 2. C 3. B 4. A
5. No 6. Yes 7. Yes

Learn about words.

A: 1. narrow
2. midway
3. morning
4. always
5. familiar

B: 6. never
7. ice
8. also
9. huge
10. again
11. rapidly
12. almost

ENGLISH II

BCRE/Lesson 43

الف: ترجمه لغات و اصطلاحات درس

1. alike : similar
2. radiator : رادیاتور شوفاژ
3. varied : different
4. for : برای اینکه - زیرا که

(توضیح: for باین معنی که باشد هیچگاه ابتدای جمله نمی آید و همواره قبل از آن کوما (،) می گذارند و بعد از آن معمولاً فاعل و فعل و..... می آید. مانند

I asked her to stay to tea, for I had something to tell her

5. personality : شخصیت خصوصیات
6. what's more : مرضوع مهمتر این است که - آنچه که از آن مهمتر است این است که - مهمتر از آن اینکه
7. thought of : considered
8. somewhat : نسبتاً
9. uncatlike : not like a cat
10. thus : so
11. escape : فرار کردن
12. sprang : past of spring
13. spring : jump
14. rumpus : سر و صدا - داد و بیداد
15. attach : چسبیدن
16. firmly : محکم
17. curious : کنجکاو
18. investigate : دارکی کردن - تحقیق کردن
19. lid : سرپوش
20. fearless : without fear
21. as a rule : usually
22. pry : فضولانه نگاه کردن
23. trick : تردستی
24. retrieve : دوباره بدست آوردن
25. think up : invent
26. key : مضراب (پیانو)
27. have a good point from which to view the world.

محل مناسبی را برای تماشای اطراف داشتن

28. smart : clever
29. dinner : main meal of the day, whether eaten at midday or in the evening
30. depend on : بستگی داشتن به
31. tabby : cat, especially femal, with grey or brown stripes
32. keep : guard
33. extra : additional
34. praise : تحسین کردن - ستودن
35. all over : in every part of
36. heroic : دلیر - بی باک
37. right (adv.) : exactly
38. blazing : پر از آتش - مشتعل
39. territory : area
40. clog : مسدود کردن راه
41. line : سیم
42. drain : فاضلاب

43. clean out : clean the inside of
44. keep the job going : cause the job to continue
45. firehouse : ایستگاه آتش نشانی
46. slide : سر خوردن
47. rat : موش صحرائی
48. mascot : چیز خوش یمن
49. companion : همراه - مونس
50. ashore : on, onto, the shore
51. kitty : playful name for a kitten
52. gangplank تخته یا پل موقت بین کشتی و ساحل
53. kitten : young cat
54. overrun : spread over and occupy
55. grain : غله
56. support : provide for
57. tough : خشن
58. shrewd : زیرک - ناقلا
59. fish out : draw or pull out
60. rubbish : waste material
61. turn over : واژگون کردن
62. bat (v.) : hit
63. cellarways : راهروی زیرزمین
64. stray : ولگرد
65. adopt : take & use
66. charming : attractive
67. self-sufficient : خودکفا

ب : جواب تمرینها

How well did you read?

1. B 2. C 3. A
4. A 5. B 6. C
7. correct 8. incorrect 9. incorrect

B:

7. C 8. A 9. A
10. B 11. C 12. A

Learn about words.

A:

1. rumpus 2. lid
3. heroic 4. tunnel
5. domestic 6. alley

C:

13. wet 14. darkness
15. lower 16. shut
17. all 18. play
19. day 20. bottom
21. ugly 22. soft

ENGLISH II

BCRE/Lesson 44

الف: ترجمه لغات و اصطلاحات درس

1. miracle	:	معجزه	17. peer	:	با دقت نگاه کردن
2. promptly	:	exactly	18. utterly	:	completely
3. incredible	:	باور نکردنی	19. abruptly	:	suddenly
4. walk	:	پیاده رو	20. plunge	:	سر به جلو رفتن
5. cut	:	میان بر کردن	21. shuffle	:	به زمین کشیدن پا
6. hedge	:	پرچین	22. roost	:	نشیمن گاه پرنده
7. incline	:	سرازیری - شیب	23. raise the question	:	مشکلی را مطرح کردن
8. in succession	:	بطور متوالی	24. change .... mind	:	عوض کردن تصمیم
9. congregation	:	جماعت - اجتماع	25. before	:	در جلوی
10. maintain	:	عقیده داشتن	26. clamp	:	محکم چسبیدن
11. figure out	:	باحساب در آوردن - حساب کارها را کردن	27. distrustfully	:	بدگمانی - با سوءظن
12. credit (V.)	:	believe	28. his finger picked up a splinter:		با یک وری توی انگشتش فرو رفت
13. work out	:	حل کردن (مسئله ای) انجام دادن	29. clutch	:	take hold of with hands
14. be stricken with:		مبتلا شدن به	30. dip	:	فرو بردن
15. bewilder	:	گیج کردن	31. flip	:	با کمی ضربه زدن
16. lean	:	خم شدن	32. gone seemed to be her doubts.		مثل اینکه تردیدش از بین رفته بود

How well did you read?

1. B 2. C 3. B
4. A 5. C 6. B
7. fact 8. opin 9. fact 10. opin

ب: جواب تمرینها

B:

8. C 9. A 10. B
11. B 12. A

Learn about words.

A: 1. observing 2. incredible
3. concluded 4. maintained
5. bewildered 6. customary
7. intimacy

C:

13. aviator 14. earlier
15. assist 16. beneath
17. false 18. started
19. searching 20. port

ENGLISH II

BCRE/Lesson 45

الف : ترجمه لغات و اصطلاحات درس

1. robot	:	آدم مصنوعی - آدم ماشینی	25. mistreatment	:	بدرفتاری
2. fiction	:	story	26 fashion	:	درست کردن یه چیز
3. clomp	:	walk noisily	27. warrior	:	مرد جنگی
4. fearsome air	:	ظاهر ترسناک	28 persist	:	پافشاری کردن
5. wind - up	:	کوکی	29. turn on	:	حمله کردن به
(توضیح : در این معنی تلفظ wind = وایند می باشد)			30. former	:	قبلی
6. put it simply	:	به زبان ساده تر	31. spine	:	ستون فقرات
7. unmanned space - craft	:	هواپیمای بدون خلبان	32. spring	:	فنر
			33. gear	:	دنده - چرخ دنده
8. perform	:	do	34. untried	:	آزمایش نشده
9. statue	:	مجسمه	35. genius	:	نبوغ
10. figurine	:	small statue	36. tried his hand at	:	مهارتش را بکار برد
11. sculptor	:	مجسمه ساز			
12. far easier	:	much easier	37. Pawed open	:	با پنجه باز کرد
13. myth	:	افسانه - اسطوره	38. Coat of arms	:	نشان یا آرم دولت
14. bedeck	:	آرایش دادن	39. account	:	گزارش - شرح
15. Aphrodite	:	الهه عشق و زیبائی	40. record	:	تاریخچه
16. incense	:	صمغ خوشبو	41. boast	:	ادعا کردن
17. miraculously	:	بطور معجزه آسا	42. range	:	بالا و پائین رفتن - تغییر کردن
18. come to life	:	زنده شدن	43. revolve	:	چرخیدن - گردیدن
19. vessel	:	کشتی	44 swarm	:	a large number of
20. steersman	:	سکاندار			
21. helm	:	سکان			
22. of its own accord	:	بطیب خاطر			
23. legend	:	افسانه			
24. synagogue	:	کنیسه			

جواب تمرینها در صفحه بعد

ب : جواب تمرینها (درس ۴۵)

How well did you read ?

1. A
2. C
3. B
4. C
5. B
6. B
7. True
8. False
9. N.I.
10. True

Learn about words.

A:

1. intelligence
2. mythical
3. created
4. guidance
5. fashioned
6. mentioned
7. occassion
8. seldom

B:

9. C
10. A
11. B
12. B
13. C
14. A
15. C
16. B

C:

17. neat
18. coarse
19. vast
20. painstaking
21. straightened
22. glossy
23. exposed
24. inserted

D:

25. allowance
26. recruitment
27. development
28. attendance
29. payment
30. movement
31. resistance
32. contentment
33. excitement

ENGLISH II

BCRE/ Lesson 46

الف: ترجمهٔ لغات و اصطلاحات مهم

1. famed	: famous	15. passion	: اشتیاق و علاقه شدید
2. reflect	: اندیشه کردن - تامل کردن	16. authority	: مرجع - منبع موثق
3. to the point	: بجا - مربوط بموضوع	17. gain	: بدست آوردن
4. challenge	: مبارزه طلبی	18. gain weight	: وزن اضافه کردن (چاق شدن)
5. conceive	: تصور کردن	19. consult	: مشورت کردن
6. have in common	: وجه مشترک داشتن		
7. feature film	: فیلم اصلی	20. sift	: examine carefully
8. model	: نمونه	21. pertain to	: مربوط بودن به
9. whenever	: هروقت	22. field	: زمینه
10. whatever	: هرچیه	23. contribution	: همکاری و کمک
11. error	: اشتباه	24. power-tools	: وسائلی که با برق یا مولد توان کار می کنند
12. deal with	: سروکار داشتن با - مربوط شدن به		
13. play	: نمایشنامه	25. devise	: درست کردن - اختراع کردن
14. inaccurate	: نادرست - غلط	26. gadget	: ابزار
		fellow man	: همنوع

How well did you read?

1. A 2. B 3. B 4. C
5. False 6. True 7. True
8. NI 9. False 10. C

Learn about words.

A: 1. reply 2. challenge
2. investigations 4. error
5. dealt 6. passion
7. authority 8. specialists

B:

9. A 10. C 11. A
12. A 13. B

C:

14. disagree 15. incorrect
16. insufficient 17. uneven
18. disobedient 19. uncertain
20. inaccurate 21. invisible
22. unhappy 23 discontented

D:

24. S 25. A
26. S 27. S
28. A 29. S
30. A 31. A
32. S 33. S

ساختار جملات انگلیسی

E.S.S.

ENGLISH II

Lessons 16_30

انگلیسی ۲

"ضمائم"

LESSON 16

P.169

A. به مورداستفاده that ویک جمله خبری بجای یک عبارت اسمی توجه نمائید.

I know SOMETHING.
عبارت اسمی
John is from Chicago.
جمله خبری
I know THAT JOHN IS FROM CHICAGO.

۱ـ عبارات اسمی از قبیل the new student و John وغیره میتوانند بعداز I know.... قرارگیرند. علاوه براین جمله خبری John is from Chicago نیزمیتواند مانند یک عبارت اسمی عمل نمایدوبجای آن استفاده بشود.

۲ـ دراین الگو استفاده از کلمه that اختیاری است.

سایرافعالی که مانند know دراین الگو قرارمیگیرند درابتدای صفحه ۱۷۱ درج شده است.

P.170

تذکر: بعداز فعل want نمیتوانیم از THAT clause استفاده نمائیم.
فعل بعداز want باید مصدر با to باشد. بنابراین I want that I go غلط است.
فعل want در درس ۱۳ بحث شده است.

P.171

تذکر برای شاگردان پیشرفته: افعالی مانند know که درتمرین شماره ۲ بکاررفته باضافه سایرافعال این گروه ذیلا" برای شما درج شده است:

agree	believe
answer	conclude
assume	etc.

توجه کنید که دراین الگو بعدازافعالی نظیر know و say نمیتوانیم از مفعول شخصی استفاده کنیم.

==========

دسته دیگری از افعال وجوددارد (افعالی مانند assure و tell) که در الگوئی نظیر الگوی فوق بکار میرود با این تفاوت که بعدازاین افعال باید یک مفعول شخصی بکار ببریم.

I told him (that) Louis came early.

به چند فعل دیگر ازاین گروه افعال توجه نمائید :

assure	notify
convince	remind
inform	

درالگوئی دیگر (الگوی سوم)استفاده ازمفعول شخصی اختیاری است :

He wrote (me) that John is in Paris.

افعال دیگری که درالگوئی مانندفعل write بکارمیروند عبارتنداز:

promise
show
teach
warn

درالگوئی دیگر (الگوی چهارم)میتوان حرف اضافه to راباضافه مفعول بعداز فعل بکار برد.

He explained (to us) that a quick answer was important.

افعال دیگری نظیر explain عبارتند از :

admit	prove
announce	read
mention	etc.
point out	

P.172

B.به مورداستفاده wh-clause بعدازافعالی نظیر know توجه کنید:

S. I know who sees Mary.
O. I know who Mary sees.

توضیحات

۱ـ درالگویS کلمه استفهامی جای مبتدای(فاعل) جمله قرارمیگیرد. مثلا" who بجای John استفاده شده است.

درالگوی O کلمه استفهامی جای مفعول جمله (ویاهرقسمت دیگر از عبارت فعلی) قرارمیگیرد.مثلا" who بجای Mr.Miller قرارگرفته است.

۲ـ درهر دوالگوی فوق کلمه استفهامی درابتدای wh-clause قرار میگیرد.

S...who sees Mary (چه‌کسی مری را می بیند)

O...who Mary sees (مری چه‌کسی را می بیند)

۳ـ فعل اصلی یاکمکی wh-clause بلافاصله بعداز مبتدای(فاعل)wh-clause قرار میگیرد.

I know who can see Mary.

تذکـر: درالگوی O استفاده who فقط در انگلیسی غیررسمی قابل قبول است.

درانگلیسی رسمی باید از whom استفاده نمود.

I know who Mary sees.

I know whom Mary sees.

توضیحی درباره‌ٔ clause وانواع آن

۱ـ به دسته‌ای از کلمات مربوط بهم که دارای مبتدا (نهاد) وخبر (گزاره) باشد clause اطلاق میگردد.

۲ـ هرجمله مرکب (complex sentence) دارای یک Main clause و حد اقل یک Subordinate clause میباشد.

مثـال:

Main clauses	Subordinate clauses
I know	that he will come.
Tell me	when he has arrived.
She left	as soon as he entered.
He's the man	who wrote the note.

باتوجه به مثالهای فوق به این نتیجه میرسیم که Main clause میتواند دارای یک مفهوم مستقل باشد که بدون subordinate clause هم معنی کاملی رابرساند درحالیکه subordinate clause مفهوم ومعنی مستقلی نداشته وبرای کامل شدن نیاز به یک Main clause دارد.

ما ازاین پس برای ترجمه Main clause از کلمه پی (یعنی پایه واساس) و برای subordinate clause از پیرو (یعنی دنباله رو) استفاده مینمائیم.

بدین ترتیب جمله مرکب Do you know what time it is? را میتوان به دو بخش تقسیم کرد:

Do you know — پی

what time it is? — پیرو

باید توجه داشت که یک پیرو بستگی به نقشی که دریک جمله مرکب دارد میتواند (پیرو) اسمی (پیرو) قیدی ویا (پیرو) صفتی باشد.

این پیرو بجای یک عبارت اسمی قرار گرفته است	I know that he will come. →	Noun clause پیرو اسمی
این پیرو بجای یک قید زمان قرار گرفته است	She left as soon as he entered. →	Adverbial clause پیرو قیدی
این پیرو توصیف کننده the man میباشد	He's the man who wrote the note. →	Adjective clause پیرو صفتی

P.177

تذکر: تمام پیروهای اسمی که در این درس با that ویا کلمات استفهامی شروع شده‌اند میتوانند بجای مبتدا (فاعل) جملات نیز استفاده شوند.

I heard that John was happy. (شنیدم که جان خوشحال بود)
hear مفعول فعل

That John was happy made me happy. (اینکه جان خوشحال بود مرا خوشحال نمود)
make فاعل فعل

P. 178

تذکر: درتمرین قبل ازپیروهای اسمی که باکلمات استفهامی نظیر who و where شروع میشوند استفاده نمودیم. ولی ازجملات سئوالی که جواب بله یا خیر دارند نیز در این الگوها استفاده میشود. البته باید توجه داشت که جمله سئوالی ابتدا باید از فرم سئوالی به فرم جمله خبری (غیرسئوالی) تبدیل شده سپس از کلمات IF یا WHETHER دراول این پیروها استفاده نمود.

کلمات IF یا WHETHER دراین الگوها بمعنی "که آیا" میباشد.

مثال:

Did he go home?	آیا او خانه رفت
I don't know if he went home.	من نمیدانم که آیا او خانه رفت
Is he home?	آیا او درخانه است
Can you tell me whether he is home?	میتوانی بمن بگوئی که آیا او درخانه است
Did he go?	آیا او رفت
I will ask if he went.	خواهم پرسید که آیا رفت

تذکر برای انجام صحیح تمرینات :

درتمرین صفحات ۱۷۵ و۱۷۶ باید توجه داشت که تمام جملات سئوالی که باکلمات سئوالی شروع میشوند(what, when,etc.) وقتی جای پیرو (اسمی) جمله‌ای قرار گیرند باید تبدیل به جملات خبری (غیرسئوالی) شوند.

مثال:

When is the party?
I don't know when the party is. (جمله اول تمرین صفحه ۱۷۵)

Which did he want?
Do you remember which he wanted? (جمله سوم)

وقتی کلمات استفهامی(who, what, etc.) درجمله‌ای فاعل یا مبتدای جمله باشند ویا فاعل(مبتدا) راتوصیف کنند جمله مربوطه فرم سئوالی نخواهد داشت در نتیجه در نقش پیرو جمله نیز تغییری درآنها بوجود نمی آید.

مثال :

Who drank my coffee?
I wonder who drank my coffee. (جمله شماره ۶۸)

Which pen writes better?
Tell me which pen writes better.

Lesson 17

P. 179

A-1 به پیروهای صفتی توجه کنید :

NEW PATTERNS :

S. I'm pointing to the student THAT SEES MARY.
(WHO)

O. I'm pointing to the student THAT MARY SEES.

در الگوی S پیرو that sees Mary توصیف کننده the student
(فاعل فعل see) میباشد .

اما در الگوی O پیرو that Mary sees توصیف کننده the student
(مفعول فعل see) میباشد

p. 180

تذکـــرات :

۱ـ who و whom برای اشخاص بکار میروند.

which برای اشیاء وحیوانات بکارمی رود.

that برای اشخاص، اشیاء وحیوانات بکار میرود.

۲ـ در الگوی S ، that بیشتر برای اشیاء وحیوانات بکارمیرود تا which مانند : This is the book that costs a lot.

بکار بردن that, who هردو برای اشخاص خیلی رایج است اما گاهی who ارجحیت دارد.(مانند پیروهای غیروصفی که درآخر این درس بآن اشاره خواهیم کرد)

that میتواند بجای which,whom,who بکار برود اما در بعضی مـــوارد that بر آنها ارجحیت دارد. مثلا" بعدازکلماتی نظیر something,anything somebody, anybody, nothing, much, few, etc.,

مثـــال : I said something that hurt my friend's feelings.

۳ـ وقتی پیرو صفتی ما مانند جملهٔ الگوی O مفعول پیرو راتوصیف کند ضمیرموصولی رامیتوان حذف کرد.

I'm pointing to the student that Mary sees.

I'm pointing to the student Mary sees. P.181

درچنین عباراتی معمولا" بهتر است که ضمیر موصولی را حذف کنیم ولی اگربخواهیم ضمیرموصولی رابیاوریم بهتر است از that بجای whom,who یاwhich استفاده کنیم.

۴ـ whom فقط در الگوی O میتواند بکاررود. whom همچنین بیشتر در نوشته‌هـــا وبا نطق های رسمی متداول میباشد.

Mr. Miller is the teacher whom Mary sees.

P.182

تذکر : در تمرین قبل پیروهای صفتی، توصیف‌کننده مفعول بوده‌اند ولی این پیروها ممکن است عبارت اسمی را درنقش‌های دیگرهم توصیف‌کنند. برای مثال در جمله زیر پیرو صفتی توصیف‌کننده the man میباشد که فاعل فعل give است.

The man who drove the bus gave me a map.

پیرو صفتی

P.184

A.2: به مورد استفادهٔ whose در پیروهای صفتی توجه کنید.

در پیروهای صفتی کلمه whose مالکیت را نشان میدهد. بدین معنی که شیئی یا شخصی که بعداز whose می آید متعلق به شیئی یا شخصی است که قبل از آن آمده است.

The man whose car John bought came yesterday.

مردیکه "جان" اتوموبیلش را خرید دیروز آمد.

P.185

تذکر به دانشجویان دوره عالی : پیروهای صفتی‌که دراین درس راجع به آنها توضیح داده شده است پیروهای وصفی نامیده میشوند بدین معنا که این پیروها جزء اصلی جمله میباشند وبرای مشخص کردن عبارت موردنظر لازمند. یعنی اگر این پیرو را ازجمله حذف نمائیم اطلاعات ما راجع به عبارت توصیف‌شده بسیار ناقص خواهدبود مانند :

defining relative clause

The girl who lives in New York brought the book.

پیرو وصفی

باتوجه به جمله فوق اگر پیرو who lives in New York را ازجمله برداریم آنچه باقی میماند جملهٔ زیرخواهدبود : The girl brought the book.

همانطورکه می بینید درمورد فاعل جمله (the girl) اطلاعات کافی در دست نداریم.

پیروهای صفتی دیگری وجوددارند که پیروهای غیروصفی نامیده میشوند. به سه نکته درموردابن پیروها توجه کنید.

۱ـ اطلاعات داده شده دراین پیروها جزء اصلی جمله نمیباشند بلکه توضیحات اضافی راجع به عبارت توصیف شده در اختیارما قرار میدهند که با حذف آن هم جملـــه مفهوم کاملی خواهدداشت .

additive relative clause
Mary, who lives in New York , brought the book.
پیـرو غیروصفـی

۲ـ در پیروهای غیروصفی از ضمیرموصولیthat نمیتوان استفاده کرد وبجای آن باید از who,which یا whom استفاده کنیم .

۳ـ این پیروها بین دو کاما(,.....,) قرار میگیرندودرآخرجملهبعدازیک کاما .

My father, who lives in Shiraz, will come to Tehran tomorrow.

She gave me this book, which is entirely on astronomy.

تذکـــر : در پیروهای صفتی زیر کلمهٔ ever بمعنی"تابحال" میباشد :

Mr. Miller is the tallest man that I ever saw.

Mr. Miller is the tallest man that ever entered this room.

The best book that I ever read was an old one.

همانطور که می بینید هرجمله شامل یک اسم است که قبل از آن یک صفت عالی آمده است .

مانند (tallest,best) و بعداز اسم یک پیرو صفتی که شامل ever میباشد

P.186

A.3 به مورد استفاده پیروهای صفتی که بعدازضمیر موصولی آنها فعل to be می آید توجه کنید

توضیحـــات

بدوجملهٔ زیر توجه کنید :

A. The man that is talking to Mary is Mr. Smith.
B. The man talking to Mary is Mr. Smith.

۱ـ ازدوجملهٔ فوق چنین نتیجه میگیریم که اگر بعداز ضمیرموصولی (که دراین جملهthatمیباشد) شکلی از فعل to be بیاید میتوان ضمیرموصولی وفعل to beراازجمله حذف نمود.معنی جمله جدید (خلاصه‌شده) با جمله اصلی یکـی است .

۲ـ حذف فعل to be + ضمیرموصولی بیشتر درمواردزیربکارمیرود

الف : وقتی که بعدازضمیر موصولی شکلی از زمان استمراری بکارمیرود. مثال
The boy who is playing tennis is my friend.

The boy playing tennis is my friend.

ب : بعداز فعل to be یک عبارت حرف اضافه قرارگیرد. مثال
The vase that is on the shelf is beautiful.

The vase on the shelf is beautiful.

راجع به چنین جملاتی در درس ۹ بحث شده است .

ج : وقتی که بعدازضمیر موصولی از جملهٔ مجهول استفاده نمائیم. مثال
The carpets that are made in Iran are beautiful.

The carpets made in Iran are beautiful.

P.187

ضمیر موصولی that وفعل to be قبل از عباراتی شامل as....as, like
نیز میتوانند حذف شود.

فرم کامل I never read a book(that was)as good as that.

فرم حذفی I never read a book as good as that.

فرم کامل I'm going to get a bicycle(that is) like yours.

فرم حذفی I'm going to get a bicycle like yours.

تذکر برای دانشجویان دورهٔ عالی :

اگر پیرو صفتی ما دارای یکی از افعالی باشد که معمولا" بحالت استمراری بکار نمیروند میتوانیم ضمیر موصولی that را حذف نموده و فعل مربوطه را بصورت ing بکاربریم

مثال :

فرم کامل E. I saw a fish that weighed thirty pounds.

فرم حذفی F. I saw a fish weighing thirty pounds.

بایدتوجه داشت که با اینکه جمله F درظاهر باجمله حذفی B در صفحهٔ ۱۸۶ یکی است ولی فرم کامل آنها با یکدیگر متفاوت میباشد زیرا بکاربردن فعل talk در حالت استمراری کاملا" متداول است .

(P.186) A. The man that is talking to Mary is Mr. Smith.

درحالیکه فعل weigh از افعالی است که بصورت استمراری استفاده نمیشود بعبارت دیگر فرم کامل جمله F همانطور که دربالا مشخص شده است جمله E میباشد (که گذشته ساده است) ونمیتوان این جمله را بصورت زیر نوشت

I saw a fish that was weighing thirty pounds.

مثال دیگر :

This box is too heavy for you.

You can't carry a box that weighs 150 pounds.

You can't carry a box weighing 150 pounds.

سایر افعالی که معمولا" بصورت استمراری استفاده نمیشوند ودراین الگوی حذفی بکار میروند عبارتند از :

cost	ارزیدن	contain	شامل بودن ـ دربرداشتن
belong	متعلق بودن	have	داشتن
etc.		possess	مالک بودن

P.188

B.1 : به مورد استفاده for و during توجه کنید .

How long did you study?
For an hour.

When did you study?
During the afternoon.

توضیحات

۱ـ کلمه for با عبارات اسمی که کمیتی از زمان را نشان میدهند بکار میرود عباراتی نظیر an hour, two hours, eight weeks, a long time

این کلمه درجواب how long (چه مدت) استفاده میشود

۲ـ کلمه during با قیودزمان محدود (که ابتدا وانتهای آنها مشخص میباشد) بکارمیرود. عباراتی نظیر the afternoon, the course the summer

این کلمه در جواب when بکار میرود.

تذکر : کلمه for را میتوان از جمله حذف نمود بدون اینکه تغییری در معنی جمله داده شود.

مثال : We studied for an hour.

We studied an hour.

درحالیکه کلمه during را نمیتوان ازجمله حذف کرد.

P.189

B.2 به مورد استفاده while و when توجه نمائید .

John left WHILE Mary was studying. (جان رفت درحالیکه مری مشغول مطالعه بود)

پیرو پی

Mary was studying WHEN John left. (مری مشغول مطالعه بود که جان رفت)

پیرو پی

۱ـ پیروهائی که با کلمات when و while بکار میروند دو موقعیت همزمان را نشان میدهند.

۲ـ پیروی که با while میآیدیا با پی جمله هزمان است ، مثال :

Mary was reading while John was writing.

پیرو پی

درحالیکه جان مشغول نوشتن بود مری داشت مطالعه میکرد.

ویا دارای استمرار بیشتری است مثل :

The phone rang while I was studying.

پی پیرو

وقتی تلفن زنگ زدمن داشتم درس میخواندم (تلفن زنگ زددرحالیکه من داشتم درس میخواندم)

۳ـ پیروی که با when میآید با با پی همزمان است مثل :

John left when the bus arrived.

پی پیرو

وقتی اتوبوس رسید جان رفت

ویا دارای مدت کوتاه تری است مثل :

I was studying when the phone rang.

پی پیرو

داشتم درس میخواندم که تلفن بصدا درآمد

۴ـ بدیهی است که زمان گذشته استمراری مثلMary was studying نشان دهنده این است که عمل برای مدتی درحال انجام بوده است .

تذکر : کلمه when را میتوان دربعضی موارد بجایwhile بکار برد ولیwhile را بجای when نمیتوان بکاربرد. برای مثال درجمله زیر

John left when the bus arrived.

نمیتوان از کلمه while استفاده نمود.

B3 به مورد استفاده after,until,before توجه نمائید

The phone rang before John arrived.
Mary studied until John arrived. (A)
Mary turned on the radio after John arrived.

درجملات(A)کلمات before,until, after حرف ربط میباشند
بهمین دلیل بعداز آنها فاعل و فعل بکار رفته است.

The phone rang before five o'clock.
Mary studied until five o'clock. (B)
Mary turned on the radio after five o'clock.

درجملات(B) کلمات before, until, after حرف اضافه میباشند
بهمین دلیل بعداز آنها یک عبارت اسمی استفاده شده است

تذکر ۱ـ با توجه به نقش دستوری کلمات before, until,after درجملات (B) میتوان بجای عبارت اسمی از اسم مصدر استفاده نمود که همان فرم ing افعال میباشد

Mary studied before eating.
پس
Paul left after getting his money.
پس

به دونکته درمورد جملات فوق توجه نمائید :

۱ـ مبتدا یا فاعل اسم مصدر (ing -)همان فاعل پی جمله میباشد.

۲ـ بعدازحرف اضافه از مصدر فعل مانند to eat,to get نمیتوان استفاده کرد. مثلا" جمله Mary studied before to eat. غلط است.

تذکر۲ـ کلمه until (تا "اینکه") فقط با اصطلاحات مربوط به زمان ویا در پیروهای قیدی زمان بکار میرود.

until 10 o'clock تا ساعت ۱۰
until he left تا (اینکه) او رفت

واگر مسافت ویا کمیتهای دیگر موردنظر باشد بایداز as far as (تا " آنجاکه") استفاده نمود.

as far as the drugstore تا داروخانه
as far as page 10 تا صفحه ۱۰
as far as I'm concerned تاآنجا که مربوط بمن است

P.192 تذکر : کلمه afterward(s) بمعنی(سپس،پس ازآن ، بعدها) درجملات فقط نقش

قیـدی دارد.

(A) John ate breakfast. Afterwards he went to class.

درحالیکه کلمه after میتواند بعنوان حرف ربط دو جمله را به یکدیگر ارتباط دهـد

(B) John went to class after he ate breakfast.

دو جمله فوق یک معنی را میرسانند لکن در قسمت (A) این مفهوم در دو جمله جدا ازهم بیان شده است ودر قسمت (B) دریک جمله مرکب.

A.1 به مورد استفاده have وقسمت سوم افعال توجه نمائید (ماضی نقلی)

I answered two questions YESTERDAY.
I answered two questions TODAY.

الگوی سابق: (گذشته ساده)

I have answered two questions TODAY.
I have talked to Bill twice THIS WEEK.

الگوی جدید: (حال کامل)

۱ـ درجملاتی که برای نمونه در الگوی سابق (گذشته ساده) آورده شده می بینیم که چون کارهائی که انجام شده قبل از لحظه صحبت کردن اتفاق افتاده است میتوان از گذشته ساده استفاده نمود.

۲ـ درجملاتی که برای نمونه در الگوی جدید (زمان حال کامل) آمده نیز کارهائی که انجام شده قبل ازلحظه صحبت کردن اتفاق افتاده لکن چون با قیودزمانی بکاررفته اندکه هم ارتباط با گذشته دارد وهم باحال، میتوان از زمان حال کامل استفاده نمود. این قیود زمان عبارتند از : this week, today, this year, etc. (امروز، این هفته، امسال وغیره).

بعبارتی میتوان گفت که گوینده با استفاده از زمان حال کامل میخواهد براهمیت ویا اثر عمل درحال حاضرتاءکیدنماید.

۳ـ توجه نمائید که قیودزمانیtoday, this week, this yearهمه با حال ارتباط پیدا میکندوبهمین دلیل بازمان حال کامل هم میتوانند استفاده شوند ولی قیود زمانیمانندlast night, last week, a minute agoوغیره که فقط اشاره به گذشته میکنند بااین زمان نمیتوانند استفاده شوند. بنابراین جمله زیر غلط است :

They have opened the window a minute ago.

تذکر :

۱ـ اختصارات : I've فرم کوتاه شده I have میباشد و.....

۲ـ فرم گذشته تمام افعال باقاعده وبسیاری از افعال بی قاعده با قسمت سوم آنها (اسم مفعول) یکی میباشد.

	فرم گذشته	قسمت سوم (past participle)	
یک فعل با قاعده	answered	answered	answer
یک فعل بی قاعده	bought	bought	buy

دربعضی از افعال این دو قسمت متفاوت میباشدودرمعدودی از آنها دو قسمت یکی است

write	wrote	written
cut	cut	cut

P.195

تذکر: زمان حال کامل با just (الساعه) و recently (اخیرا") نیز بکار میرود و گوینده با بکاربردن این دوقید بر اهمیت ویا مربوط بودن عمل گذشته درحال حاضر تاءکید دارد.

John has just opened the window. (جان همین الان دررا بازکرد)

Mary has recently written home. (مری اخیرا" به خانه نامه نوشته است)

John has given a talk recently. (جان اخیرا" نطقی ایرادکرده است)

اصطلاح so far که بمعنی "تابحال" میباشد نیز با این زمان بکارمیرود.

We've completed 17 lessons so far. (ما تابحال ۱۷ درس راکامل خوانده ایم)

I've lived in this city one month and have liked it so far. (من یک ماه است که دراین شهرزندگی میکنم وتابحال ازآن خوشم آمده است)

A.2 به مورد استفاده for و since توجه نمائید

We have studied since seven o'clock ما ازساعت هفت تابحال مشغول مطالعه ایم.

John has waited for twenty minutes. جان بیست دقیقه است که منتظر میباشد

توضیح

درجملات فوق فرم زمان حال کامل (have studied, has waited) توصیف کننده عمل ویا وضعیتی میباشد که در گذشته شروع شده وتالحظه بیان مطلب ادامه داشته است.

تذکر ۱ـ اگر قیدزمان جمله‌ای رابا کلمه since شروع نمائیم زمان آن جمله باید با یکی از فرم های فعل کمکی have و قسمت سوم فعل اصلی بیاید. مثال:

She has waited since early this morning. (ازصبح زودتابحال منتظر است)

۲ـ قیودزمانی که با for استفاده میشوند هم بازمان حال کامل میآیند وهم گذشته ساده ولی اگر بازمان گذشته ساده استفاده شود عمل جمله ارتباطی با زمان حال پیدا نمیکند ونیز تاءکیدی بر ادامه عمل تازمان حال نمی نماید.

مثال:

I have studied for two years. (من دوسال مطالعه کرده‌ام) زمان حال کامل که میتواند اشاره به این دوسال اخیر باشد

I studied for two years. (من دوسال مطالعه کردم) گذشته ساده که اشاره به دوسال در گذشته است مثلا" پنج تا هفت سال گذشته .

۳ـ قیدزمانی که بعدازsince میاید باید مبداء زمان باشد (نقطه شروع عمل را مشخص نماید) زیرا since بمعنی " از.....تالحظه موردنظر" میباشد که جای نقطه‌چین باید قیدزمان استفاده شود بنابراین

since seven o'clock یعنی از ساعت هفت تا بحال
since yesterday " از دیروز تابحال
since last week " از هفته گذشته تابحال

P.196

قیدزمانی که بعدازfor استفاده میشود باید کمیتی از زمان (طول زمان) باشد.

مثال :

for two hours (بمدت) دوساعت
for three days (بمدت) سه روز
for a week (بمدت) یکهفته
for a long time برای مدت طولانی

۴ـ فرم منفی زمان حال کامل را بااضافه کردنnot ویا اختصار آن n't به فعل کمکی have یا has درست میکنیم .

Jean hasn't eaten breakfast.

We haven't studied since yesterday.

توجه نمائید که فعل have وقتی فعل اصلی باشد (بمعنی داشتن) ویا وقتی که با مصدر با to میاید have to(بمعنی مجبوربودن) معمولا" با یک فعل کمکی منفی ویا سئوالی میشود. مثال :

John doesn't have our bicycle.
Does John have our bicycle?
We don't have to study tonight.
Do we have to study tonight?

برای سئوالی کردن حال کامل فعل کمکی have یا has دراول جمله قرارمیگیرد.

مثال : Have you written the letter?

Has he come back?

تذکر: بطورکلی زمان حال کامل وقتی بکارمیرودکه عمل ویا حالت توصیف شده ارتباطی با حال حاضر داشته باشد. بنابراین این زمانرا وقتی بکارمیبریم که یکی از دو وضعیت زیر مطرح باشد :

۱ـ حالتی که فعل توصیف میکند ویا نتیجه عمل انجام شده تا لحظه بیان جمله ادامه داشته باشد

John has been here for ten minutes.(He is here now.)
جان ۱۰ دقیقه است که اینجاست یعنی هنوزهم اینجاست

John has opened the window. (It is still open.)
جان پنجره را باز کرده است یعنی هنوزهم باز است

جملات فوق را با جملات زیر مقایسه نمائید :

John was here for ten minutes.(He is somewhere else now.)
جان ۱۰دقیقه اینجا بود یعنی هم اکنون درجای دیگری است

John opened the window. (Perhaps it is closed now.)
جان پنجره را باز کرد که میتواند این مفهوم را داشته باشد که پنجره حالا بسته است

۲ـ تکرار عمل درحال ویا آینده امکان داشته باشد.

John has visited New York three times.(He can visit it again.)
جان سه بار ازنیویورک دیدن کرده است امکان دیدار مجدد ازنیویورک برای او وجود دارد

جمله فوق را باجمله زیر مقایسه نمائید

George Washington visited New York many times.

به نکته‌ای درمورد جمله سئوالی زیر توجه کنید

Have you eaten breakfast?

این جمله را وقتی میتوان گفت که هنوز صبح باشد بعبارت دیگر هنوز امکان خوردن غذائی بعنوان صبحانه وجودداشته باشد یعنی قبل ازساعت ۱۲ ظهر. بنابراین جمله فوق را درشب نمیتوان استفاده نمود واگر بخواهیم چنین سئوالی را بعدازظهر نمائیم باید از گذشته ساده استفاده کنیم.

Did you eat breakfast(this morning)?

که دراین حالت قید زمان this morning دلالت بر گذشته مینماید.

مطلب فوق درحالت منفی نیز صادق است. دوجمله زیررا بایکدیگر مقایسه کنید:

A. I haven't eaten breakfast this morning.

B. I didn't eat breakfast this morning.

مورداستفاده جمله A درقبل ازظهرمیباشد وجمله B رابابد دربعدازظهراستفاده نمود

دوجملهٔ زیر را نیز با هم مقایسه نمائید

C. Have you seen the President on TV.?

آیا رئیس جمهور را در تلویزیون دیده‌اید؟

D. Did you ever see John F. Kennedy in person?

آیا هیچوقت جان کندی را شخصاً ملاقات کردید

جمله C درباره عملی سئوال میکند که امکان انجام آن هنوز وجود دارد (یعنی دیدن رئیس جمهور کشور در تلویزیون)

ولی جمله D راجع به عملی سئوال میکند که دیگر انجام آن میسر نیست (یعنی دیدن شخصی که دیگر در قید حیات نیست)

P.198

اگرهم اکنون در ایالات متحده باشید سئوالاتی نظیر دو سئوال زیررا بازمان حال کامل ازشما خواهند نمود.

Have you visited New York?

Have you seen the Rocky Mountains?

استفاده از زمان حال کامل در دو جمله فوق دلالت براین دارد که برای شما هنوز امکان دیدن نیویورک وسلسله جبال راکی وجود دارد ولی وقتی از سفر به ایالات متحده به کشور خودتان مراجعه میکنید دوسئوال فوق باحتمال زیاد با گذشته ساده از شما پرسیده خواهدشد.

Did you visit New York?

Did you see the Rocky Mountains?

باید توجه داشت‌که اگرشما شخصی باشید که بطورمکرر از ایالات متحده دیدن بکنید دو سئوال فوق رامیتوان با زمان حال کامل پرسش نمود زیرا برای شما موقعیت دیدارمجدد ازنقاط مختلف آمریکا در آینده وجود دارد.

نکته‌ای دیگر راجع به زمان حال کامل :

این زمان رامیتوان برای بیان عملی که در گذشته انجام شده ولی زمان انجام آن یا مشخص نیست ویا برایمان اهمیت ندارد استفاده نمود. دو جمله زیررا با یکدیگر مقایسه کنید :

I saw this film last week.(simple past tense) این فیلم راهفته‌گذشته‌دیدم

I have seen this film. (present perfect tense) این فیلم را دیده ام

B. به مورد استفاده زمان حال کامل استمراری توجه نمائید

1.	John has studied.	have / has + been+verb+ ing
2.	+John is studying	
3.	=John has been studying.	

توضیحات

۱ـ معنی جمله شماره یک اینست که جان مطالعه کرده است.

۲ـ معنی جمله شماره دو اینست که جان هم اکنون درحال مطالعه میباشد.

۳ـ معنی جمله شماره سه اینست که مطالعه جان در گذشت شروع شده و تاحال ادامه داشته است که بطور خلاصه : جان مدتی است که درحال مطالعه است. ومیتوان گفت که حالت استمراری زمان حال کامل تاءکید بر ادامه عمل در حال حاضر دارد.

P. 199

C. به مورد استفاده گذشته کامل(ماضی بعید) اسم مفعول+ had توجه نمائید

A	John answered all the questions correctly.
B	He had studied very hard.

توضیح

هردوجمله A و B دلالت بر عمل گذشته مینمایند ولی جمله B که به فرم had باضافه اسم مفعول فعل اصلی میباشد نشان دهنده آنست که قبل از عمل جمله A انجام شده است.

P.200

تذکرات :

۱ـ had باضافه اسم مفعول نشان دهنده عملی است که قبل ازعمل دیگری در گذشته انجام شده است :

We left when we had done the job.
گذشته ساده گذشته کامل

با این حال اگر دوقسمت این جمله را با دو کلمه before و after به یکدیگر ربط دهیم استفاده از گذشته کامل ضرورت چندانی ندارد وبجای گذشته کامل میتوان از گذشته ساده استفاده نمود. در مثالهای زیر استفاده از گذشته کامل اختیاری است.

George packed his suitcase immediately after he (had)decided to go.

Susan (had) finished her homework before she went to the meeting.

۲ـ اگربخواهیم استمرار عملی رادرگذشته قبل ازعمل دیگری نشان دهیم از گذشته کامل استمراری استفاده مینمائیم که فرم آن had+been+verb+ing میباشد.به دوجمله‌زیر وترجمه آنها توجه کنید :

John had been walking in the park before it rained.

جان قبل ازشروع باران(مدتی بودکه) در پارک قدم میزد

George had been writing letters before Paul came.

جرج قبل ازآمدن پال(مدتی بودکه) مشغول نوشتن نامه بود

D. به الگوی فرم سئوالی زمان حال کامل و جوابهای کوتاه مثبت ومنفـــــی آن توجه‌نمائید.

Have you visited the museum? Yes, I have.

No, I haven't.

P.201

تذکـــر : برای جواب‌کوتاه به‌سئوالهای گذشته کامل از had یا hadn't استفاده مینمائیم.

Had he completed his studies when he went to France?

Yes, he had.

No, he hadn't.

A. به جملات معلوم ومجهول توجه نمائید

	فاعل	مفعول	
آنها هرروزنامه مینویسند	They	write letters	every day. (جمله معلوم)
هرروزنامه نوشته میشود	Letters	are written	every day. (جمله مجهول)

توضیحـــــــات

۱ـ وقتی جمله معلومی به مجهول تبدیل میشود مفعول آن جای فاعل قرار میگیرد

۲ـ درجمله مجهول یک فرم ازفعل be را قبل ازفعل اصلی بکار میبریم

۳ـ درحالیکه زمان جمله معلوم با تغییرات فعل اصلی آن مشخص میشود زمان جمله مجهول با تغییرات فعل کمکی آن (be) معلوم میگردد.

۴ـ فعل اصلی جمله مجهول بصورت اسم مفعول (قسمت سوم) میباشد

P.207

تذکر: به تغییرات فعل be برای ساختن زمانهای مختلف جمله مجهول توجه کنید

(am,is,are) برای زمان حال ساده ⟶ Many letters are written every year.

(was,were) برای گذشته ساده ⟶ Many letters were written last year.

(have been / has been) برای زمان حال کامل ⟶ Many letters have been written.

(had been) گذشته کامل ⟶ Many letters had been written.

("to"be) فـــرم مصدری ⟶ Many letters must be written.

⟶ Many letters are going to be written.

برای وقتی که فعل اصلی جمله معلوم بصورت ing- (being) استفاده میشود ⟶ Many letters are being written.

P.208

تذکرات:

۱ـ جملات مجهول وقتی استفاده میشوند که:

الف ـ فاعل جمله یا مشخص نباشد ویا برای گوینده اهمیتی نداشته باشد

مثال: Where was that car made?

آن اتوموبیل درکجا ساخته شد (آن اتوموبیل را درکجا ساختند)

It was made in England.

درانگلستان ساخته شد (آنرادرانگلستان ساختند)

که دردوجمله فوق فاعل (سازنده اتوموبیل) برای گوینده معلوم نیست.

ب ـ مفعول جمله در درجه اول اهمیت قرار داشته باشد ونه انجام دهنده عمل

That letter was written many years ago.

آن نامه سالها پیش نوشته شد (دراینجا خودنامه مهم است نه نویسنده آن)

ج ـ وقتی که گوینده یا نویسنده بهردلیل نخواهدنام کننده عمل را ذکرکند.

I'm sure my typewriter has been used today.

۲ـ وقتی ضرورتا" بخواهیم فاعل جمله مجهول را ذکر نمائیم باید آنرا بعداز فعل اصلی آورده وحرف اضافه by رانیز قبل از آن استفاده کنیم.

Napoleon wrote that letter many years ago. (جمله معلوم)

That letter was written by Napoleon many years ag (جمله مجهول)

P. 209

B.1 به مورد استفاده still و any more توجه نمائید

John still lives in New York. (جان هنوزهم درنیویورک زندگی میکند)

John still doesn't own a car. (جان هنوز هم اتوموبیل ندارد)

Alice isn't here any more . (آلیس دیگر اینجا نیست)

۱ـ کلمه still (بمعنی هنوزهم) که هم درجملات مثبت وهم درجملات منفی استفاده میشود دلالت براین داردکه عمل یا حالت گذشته (چه منفی چه مثبت) بهمان صورت ادامه دارد.

۲ـ any more که درجملات منفی استفاده میشوددلالت براین داردکه عمل یا حالت گذشته دیگر وجودندارد.

۳ـ still قبل ازفعل اصلی وفرم منفی افعال کمکی (نظیر doesn't,isn't,didn't) استفاده میشود ولی معمولا" بعداز فعل be وافعال کمکی نظیر can بکار میرود. مثال :

I still work here. (هنوزهم اینجاکارمیکنم)

I still don't understand this book. (هنوزهم اینکتاب رانمی‌فهمم)

She can still run fast. (هنوزهم میتواندسریع بدود)

۴ـ any more معمولا" درآخرجمله استفاده میشود

Father doesn't smoke any more. (پدردیگرسیگارنمیکشد)

B.2به مورد استفاده already و yet توجه کنید.

Alice is in New York already. آلیس از هم اکنون درنیویورک است

Paul hasn't read the book yet. پال هنوز آن کتاب را نخوانده است

توضیحـــــــات

۱ـ Already دلالت براین مینماید که عمل یا حالتی زودتر از انتظار ما اتفاق افتاده است ومیتواند معنائی نظیر هنوز هیچی نشده ـ به این زودی نقدا" و ازهم اکنون داشته باشد.

۲ـ Already درجملات مثبت و yet درجملات منفی بکار میرود.

تذکـــرات:

۱ـ وقتیyet را درجمله‌ای استفاده میکنیم میخواهیم این مفهوم را برسانیم کـه احتمالا" وضعیت یا حالت موجود میتواند تغییر کند.

برای مثال وقتی میگوئیم Nobody in the class speaks French. صرفا" توصیـف وضعیت موجود است ولی جمله Nobody in the class speaks French yet. میتواند این نتیجه گیری را داشته باشد که بعضی از شاگردان در جهت فراگیری زبان فرانسه درحال پیشرفت میباشند و احتمالا" در آینده فرانسه صحبت خواهند کـــرد.

۲ـ Already میتواند درآخر جمله استفاده شود واگر دروسط جمله بکار رود قبل از فعل اصلی و بعداز فعل be وافعال کمکی استفاده میشود.

I have already done my job.
فعل کمکی فعل اصلی

۳ـ yet معمولا" در آخر جمله بکار میرود.

P.211

C.به مورد استفاده اسم مفعول وفرم ing ـ افعال بعنوان صفت توجه کنید

A. The story interests John. (فاعل فعل مفعول)	داستان برای جان جالب است (داستان جان را جذب میکند)
B. The story is interesting.	داستان جالب است
C. John is interested.	جان علاقمنـــد است

توضیحـــــــات

۱ـ درجملات B و C کلمات interesting و interested صفت میباشند .

۲ـ درجمله B کلمه interesting عبارت the story را توصیف میکند که فاعل جمله A میباشد بنابراین interesting صفت فاعلی است .

۳ـ درجمله C کلمه interested توصیف کننده John است که مفعول جمله A میباشد بنابراین interested صفت مفعولی است .

۴ـ جمله B بدین معنی است که داستان برای کسی جالب است . (مثلا" جان)

۵ـ جمله C بدین معنی است که چیزی (the story) توجه جان را جلب میکند .
یعنی جان به چیزی علاقمند است .

P.212 تذکـــرات :

۱ـ جملات این الگو که دارای یک اسم مفعول میباشند شباهت بسیار زیادی بـــا جملات مجهول دارد .
درجمله زیر اسم مفعول صرفا" نقش صفتی دارد :
The dish is broken. ظرف شکستـــه است
ودرجمله زیر اسم مفعول درساختار جمله مجهول بکار رفته است
The dish was broken by John. ظرف بوسیله جان شکست (شکسته شد)

۲ـ جملـــه The dish was broken را میتوان به دومفهوم بکار برد که دریک مفهوم کلمه broken صرفا" معنی صفتی داشته باشد (شکسته) که وضعیت the dish را توصیف میکندودرتعبیردیگر این جمله را میتوان ساختار مجهول دانست (ظرف بوسیله کسی شکسته شد). البته چنین جملاتی وقتی درمکالمه یا متنـــی بکار رودا بهامی ایجاد نمی نماید چون خودمتن تعیین کننده مفهوم خـــاص جملات میباشد .

۳ـ بسیاری ازصفات اسم مفعول وصفات فاعلی (فرم ing ـ افعال) نظیر بیشتر صفـات میتوانند قبل از اسم قرار بگیرند وآنرا توصیف کنند .

John is interested. He is an interested person.
او شخص علاقمنـــدی است .
The story is interesting. It is an interesting story.
این داستان جالبـــی است .
The excited people were listening to an exciting story.
مردم به هیجان آمده به داستان مهیجی گوش میکردند .

D. به ترکیب صفات وحروف اضافه توجه کنید. P.213

John is interested in classical music. جان به موسیقی کلاسیک علاقمند است

Mary is interested in attending a concert. مری به رفتن به کنسرت علاقمند است

توضیح

بعد از صفاتی که با حروف اضافه استفاده میشوند عبارت اسمی بکار میبریم مانند a new book, classical music وغیره واگر فعل بخواهیم بکار ببریم باید آنرا به فرم ing تبدیل کنیم.

George is excited about a new book.

Susan is excited about going to California.

تذکر: بعد از بعضی صفات میتوان حروف اضافه بکاربرد مانند happy about این حروف اضافه را همچنین میتوان بعد از صفات مفعولی نیز استفاده کرد. مانند worried about. در این رابطه باید دو نکته را در نظر داشت.

اول اینکه بعد از هر صفتی (چه ساده وچه مفعولی) باید حرف اضافه خاص آن صفت را بکار برد.

دوم اینکه صفات وحروف اضافه آنها را باید بصورت اصطلاحی با هم یاد گرفت.

be tired of	خسته بودن از
be bored with	ملول (کسل) بودن از
be accustomed to	عادت داشتن به
be disappointed with/in	مأیوس بودن از
be pleased with	خشنود (راضی) بودن از
be worried about	نگران بودن راجع به
be happy about	خوشحال بودن از
be unhappy about	ناراضی بودن از
be in favor of	موافق بودن با
be surprised at	متعجب بودن از

تذکـــر: اصطلاح be used to (عادت داشتن به) معادل be accustomed to میباشد.

John is used to this climate. جان به این آب وهوا عادت دارد

John is used to reading a lot. جان به مطالعه زیاد عادت دارد

John is accustomed to this climate. ----------

John is accustomed to reading a lot. ----------

اصطلاح دیگری وجود دارد بنام used to که، گرچه درظاهر شباهت زیادی بـــا be used to دارد لکن ازنظرمعنی وفرم منفی وسئوالی با آن تفاوت بسیار دارد. به این تفاوتها توجه نمائید:

۱ـ قبل از used to از فعل to be (am,is,are,....) استفاده نمی کنیم.

۲ـ بعد از اصطلاح used to باید ازمصدر فعل استفاده کنیم.

ولی بعداز be used to باید از یک عبارت اسمی استفاده نمائیم زیرا کلمه to در این اصطلاح حرف اضافه میباشد واگرهم بخواهیم فعلی بعدازآن بیاوریم این فعل باید بصورت ing ـ فرم باشد که همان اسم مصدراست.

۳ـ اصطلاح used to وقتی درجمله‌ای استفاده شود بدین معنی است که عمل یـــا وضعیت توصیف شده در گذشته صادق بوده ودرحال حاضر واقعیت ندارد. مثال:

My grand mother used to be pretty. مادربزرگم سابقا" زیبا بوده

We used to live in Shiraz. سابقا" درشیراز زندگی میکردیم

Father used to have a motorcycle. پدرسابقا" موتورسیکلت داشت

ازترجمه جملات فوق به این نتیجه میرسیم که used to فقط دلالت بـــــه گذشته مینماید.

۴ـ به دوجمله زیر که منفی used to میباشد توجه نمائید:

I didn't use to have a car. سابقا" اتوموبیل نداشتـــم

I usedn't to have a car * " " "

* فرم منفی این اصطلاح به این صورت(usedn't to) درانگلستان متداول است وفرم didn't use to که بیشتر رایج است در زبان آمریکائی بکارمیرود.

درجملات سئوالی نیز بهمین طریق عمل میشود:

Did you use to live here?

Used you to live here?

نکتـــــه مهم :

حرف S در اصطلاح used to (Z) تلفظ نمیشود . تلفظ این حرف مانند S در فعل see میباشد.

۵ـ فرم منفی وسئوالی be used to با تغییرات فعل be صورت میگیرد.

مثـــال :

She is used to this climate.

Is she used to this climate?

She isn't used to this climate.

Isn't she used to this climate?

A. به مصدر با to وبدون to بعدازمفعول توجه‌نموده ودوالگورا باهم‌مقایسه کنید.

به او گفتیم برود We told him to go. الگوی سابق (درس ۱۳)

دیدیم که رفت We saw him go. الگوی جدید

VERB + OBJECT + BARE INFINITIVE
فعل مفعول to مصدر بدون

۱ـ درالگوی جدید بعدازمفعول مستقیم فعل see ازمصدربدونto استفاده شده‌است. دراین الگو ازمصدر با to نمیتوانیم استفاده کنیم.

۲ـ افعال حسی نظیر.....see,hear, watch,feel,notice دراین الگو قرارمیگیرند.

۳ـ افعال دیگری مانند have (باعث‌شدن)، make (وادارکردن)، let (اجازه دادن) نیزدراین الگوبکارمیرود.

دادم جک اتوموبیلم رابشوید. I had Jack wash my car.

وادارم‌کردکه‌کارراانجام‌دهم. She made me do the job.

اجازه‌دادیم‌برود (گذاشتیم‌برود) We let him go.

بایدتوجه‌داشت‌که‌دراین‌الگو برای زمانهای مختلف‌فقط فعلی اصلی see, watch, hear,..... تغییرمیکند ودرمصدر بدون to تغییری بوجودنمی آید.

مثال (۱) watch

زمان حال ساده I watch her play.

گذشته ساده I watched her play.

ماضی نقلی I've watched her play.

ماضی بعید I had watched her play.

مثال (۲) have

حیاط را میدهیم پسرها تمیزکنند. We have the boys clean the yard.

حیاط را دادیم پسرها تمیزکردند. We had the boys clean the yard.

حیاط راخواهیم دادپسرها تمیزکنند. We'll have the boys clean the yard.

جمله امری: بده پسرها حیاط را تمیزکنند.

Have the boys clean the yard.

تذکـــرات :

۱ـ افعال ..... see,hear,feel,watch, درالگوی دیگری نیزبکارمیروند.دراین الگو فعل دوم بصورتing فرم بکارمیرود. (دردرس ۲۷ توضیح بیشتر داده خواهد شـــد). مانند :

We saw him going.

We heard him going.

ولی افعال have , make , let, (بمعنی باعث شدن) درالگوی فوق بکارنمیروند.

۲ـ همانطور که درکادر A توضیح داده شد دراین الگو فعل makeبمعنی"وادارکـــردن" وفعل let بمعنی " اجازه دادن" میباشد.

۳ـ have بمعنی "باعث شدن" یا "وادارکردن" وقتی بکارمیرود که شخصی از فـــــرد P.232 دیگری بخواهد کاری رابرای اوانجام دهد دراین موارد معمولا" شخص اول " درخواست کننده" برشخص دوم " انجام دهنده کار" ازنظرمقام وموقعیت برتری دارد.

The boss had the secretary call the airport.

Mr. Smith had her daughter clean the room.

ولی دربیشترموارد که بعلل مختلف مانند نداشتن وقت یا تخصص از شخص دیگـــــــری میخواهیم خدماتی رابرایمان انجام دهدنیز ازفعل have دراین الگو استفـــــاده میکنیم. دراین صورت مفهوم وادارکردن ویا مقام شخص اول دیگرمطرح نیست.

Mr. Miller had the architect design a new house.

آقای میلر از آرشیتکت خواست خانه جدیدی طراحی کند.

Mrs. Smith had the mechanic fix her car.

خانم اسمیت ازمکانیک خواست که اتوموبیلش راتعمیرکند.

فرم منفی وسئوالی :

همانطور که قبلا" اشاره شد فعل have دراین الگو فعل اصلی میباشد بنابراین برای منفی یاسئوالی کردن آن برحسب زمان جمله از قواعد فعل اصلی استفـــــاده میکنیـــم .

مثـــال :

She has Tom go.	حال ساده	She had Tom go.	گذشته ساده
Does she have Tom go?	سئوالـــی	Did she have Tom go?	سئـوالـی
She doesn't have Tom go.	منفـــی	She didn't have Tom go.	منفـــی

۴ ـ فعل HELP هم میتواند درالگوی سابق استفاده‌شود (با مصدربا to) وهـــم در الگوی جدید (با مصدربدون to) مثـال :

We helped him to find the answer. به او کمک کردیم جواب را پیداکند .

We helped him find the answer. " " " " "

P. 234 B. به فرم فعل بعداز WISH توجه کنید .

SITUATION	WISH
Tom doesn't live in the city.	I wish that Tom lived in the city.

ایکاش تام درشهرزندگی میکرد تام درشهرزندگی نمیکنـــد

توضیحـــــــات

۱ـ فرم فعل درقسمت پیرو بعداز wish گذشته ساده میباشد .

۲ـ علیرغم فرم فعل دراین الگو که گذشته میباشد (lived) معنی آن اشـاره به زمان حال است . این الگو درست معادل ساختار جمله فارسی برای بیان آرزو درحال حاضرمیباشد مانند وقتی که میگوئیم " ایکاش امروز جمعه بود ".

۳ـ آنچه آرزومیشود (درقسمت پیرو جمله) درحال حاضر واقعیت ندارد بهمیـــن دلیل است که ما آرزوی تحقق آنرا داریم .

وقتی میگوئیم "ایکاش تام درشهرزندگی میکرد" واقعیت این است که او درشهر زندگی نمیکند .

تذکـــرات :

۱ـ بعداز wish استفاده ازکلمه that مانندالگوی افعال think,hear, etc,.. اختیاری است .

I wish Tom lived in the city.

P. 235 ۲ـ اگردرقسمت پیرو جمله از فعل be استفاده‌کنیم فرم این فعل درانگلیسی رسمـــی برای تمام اشخاص were میباشد .

مثـــال :

I wish I were an artist. ایکاش هنرمنـــدبودم

She wishes she were in Shiraz now.

I wish today were Friday. ایکاش امروز جمعه بود

I wish you were not sick.

درمحاوره ویا مواردغیررسمی میتوان برای اول شخص وسوم شخص مفرد از was (طبق قاعده معمول) استفاده کرد.

I wish he was friendly.

I wish I was not so busy.

۳ـ برای آرزوی تحقق وضعیت (۱) واقعه (۲) ویا عملی (۳) که امکان آن وجود داشته باشد میتوانیم از فعل hope استفاده کنیم.

1) I hope you feel better today.

امیدوارم امروز حالتان بهترباشد.

2) She hopes it rains tomorrow.

امیدواراست فردا باران بیاید.

3) We hope they will finish the job in time.

امیدواریم آنهاکاررا بموقع تمام کنند.

C. P.237 به‌مورداستفاده مصدربا to بعداز ..... where, which, توجه نمائید.

We decided where to go.	= We decided where we should go.
We knew which road to take.	= We knew which road we should take.

توضیحات

۱ـ معنی جمله اول معادل " ماتصمیم گرفتیم که کجا بایدبرویم" میباشد ومعنی جمله دوم معادل "میدانستیم کدام جاده رابایدانتخاب کنیم".

۲ـ الگوی جدید مناسب یاصحیح بودن انجام عملی رانشان میدهد بعبارت دیگر جمله I know what things I should buy. (من میدانم چه‌بایدبخرم) معادل الگوی جدید I know what to buy. میباشد.

به‌مثالهای دیگرتوجه نمائید:

She knows where to live.	= She knows where she should live.
I know who to invite.	= I know who I should invite.
He learned how to swim.	= He learned how he should swim.

بعضی ازافعالی که دراین الگوبکارمیروندعبارتنداز:

(A) know, wonder, remember, find out, learn, decide, etc.....

دراین الگو بعداز افعال فوق ازمفعول استفاده نمیکنیم.

****

دسته دیگری ازافعال هم دراین الگو قرارمیگیرند.

	tell		
	ask		where
(B)	advise + object +	what +	infinitive
	show		how
	teach		etc.
	etc.		

بعدازاین افعال، استفاده ازمفعول ضروری است.

مثـــال:

Tell me how to do it. = Tell me how I should do it.

Mary showed Tom how to drive. = Mary showed Tom how he should drive.

تذکـــرات:

۱ـ باتوجه به جمله معادل برای افعال دسته (A) نتیجه میگیریم که فاعل پی وپیـــرو درالگوی جدید یکی است.

We decided where to go. = We decided where we should to.

پیـــرو پـــی

وباتوجه به جمله معادل برای افعال دسته (B) نتیجه میگیریم که مفعول پـــــی فاعل پیـرو است.

Mary showed Tom how to drive. = Mary showed Tom how he should drive.

فعل ←—— فاعل

مـری به تام نشان داد چگونه باید رانندگی کند.(مری طرز رانندگی را بـــــه تام نشان داد).

مثالهای دیگر برای دسته (B)

The lawyer advised us how much money to send.

فعل ←———— فاعل

The engineer told us how to use our new machine.

فعـل ←—— فاعل

P.238 تذکـــــــر :

whether (که آیا) نیز میتواند بجای ..... ,how, what, where

دراین الگو بکاررود . whether معمولا" با or استفاده میشود.

I don't know whether to go by bus or plane.

نمیدانم (که آیا) با اتوبوس بروم یا با هواپیما .

P.239 A. به مورد استفاده اسم مفعول + have بعداز افعال کمکی توجه کنید.

الگوی سابق (درس ۱۱) (برای حال یا آینده)	الگوی جدید (برای گذشته)
1a. They must know him.	1b. They must have known him.
2a. They might hear us.	2b. They might have heard us.
3a. They should study.	3b. They should have studied. (but they didn't)
4a. They could play tennis now, (but maybe they won't).	4b. They could have played tennis. (but they didn't)

توضیحات

به معانی جملات الگوی جدید وفرم منفی آنها توجه کنید :

1b - They must have known him. "لابداورا میشناختند"

یعنی " تنها نتیجه گیری منطقی این است که آنها اورا میشناختند"

مثال دیگر:

It's wet everywhere. It must have rained last night.

همه‌جاخیس است . حتما " دیشب باران آمده (بایددیشب باران آمده باشد)

بنابراین فرم کامل must برای نتیجه گیری منطقی درموردعملی یا وضعیتی درگذشته بکارمیرود.

Mary speaks English fluently; she must have studied in England.

مری انگلیسی را روان صحبت میکند. لابد در انگلستان تحصیل کرده است .

فرم منفی: این الگو به دوصورت منفی میشود.

۱ـ درانگلیسی رسمی از couldn't بجای must not استفاده میشود.

به مکالمه زیر دراین مورد توجه کنید:

A: I saw your brother on the street this morning.

B: It couldn't have been my brother. He left this town yesterday.

امروز صبح برادر شمارادرخیابان دیدم.

برادرم دیروز این شهررا ترک کرد. نتیجتا " (یا لابد) این شخص برادر من نبوده (نمیتوانسته برادر من باشد)

۲ـ فرم دیگر طبق قاعده افعال کمکی منفی میشود.

1. They must not have known him. لابدا ورا نمیشناختند
========

2. Mary must not have passed the test as she had not studied at all.
========

مری لابد درامتحان قبول نشده است (نباید درامتحان قبول شده باشد) چون ابدا" درس نخوانده بود.

باید توجه داشت که دراین الگو فرم منفی فوق (must+ not) بصورت خلاصه شده (mustn't) بکار نمیرود.

Mary mustn't have studied.

-2b They might have heard us. "ممکن است صحبتهای ما راشنیده باشند"
=====

با توجه به ترجمه جمله (اسم مفعول+ might + have) میتوان گفت که این الگو امکان وقوع حالت یا عملی را در گذشته نشان میدهد.

فرم منفی : با اضافه کردن not بعد از might این الگو به منفی تبدیل میگردد.

They might not have heard us. ممکن است صحبتهای ما رانشنیده باشند
========

فرم منفی این الگونیز بصورت خلاصه بکارنمیرود :

They mightn't have heard us.

-3b They should have studied. "باید مطالعه میکردند (ولی مطالعه نکردند *)
======

دراین الگو (اسم مفعول+ should + have) گوینده انجام عمل ویا وقوع حالتی را درگذشته ضروری یا صلاح میدانسته ولی این عمل یا حالت اتفاق نیافتاده است.

I should have helped father last night. دیشب میبایست به پدرکمک میکردم

مثلا" درجمله فوق گوینده معتقد است که لازم بوده به پدرش کمک کند ولی این کار را نکرده. بدیهی است درحالت منفی (should not یا shouldn't) گوینده معتقداست که عمل یا حالتی در گذشته ضروری یا صلاح نبوده ولی بدلیلی این عمل یا حالت اتفاق افتاده است.

You shouldn't have written that letter.

نمی بایست آن نامه را مینوشتی (ولی آنرا نوشته ای *)

We shouldn't have been late.

ما نمی بایست دیرمیکردیم (ولی دیرکردیم *)

-4b They could have played tennis. "آنها میتوانستند تنیس بازی کنند"

(ولی این کار را نکردند *)

دراین الگو (اسم مفعول + could have) فاعل جمله توانائی یا فرصت انجام عملی را درگذشته داشته است ولی به دلیلی این عمل راانجام نداده است

به فرم منفی ومعنی آن توجه کنید **

He couldn't have played tennis yesterday.

ممکن نیست او دیروز تنیس بازی کرده باشد .

(به عقیده من برای او دیروز امکان بازی تنیس وجود نداشته *)

** فرم منفی ...could have را با منفی ...must have 1b درانگلیسی رسمی) مقایسه کنید.

* قسمتهائی که در پرانتز نوشته شده است نتیجه گیری مفاهیم کلی جملات مربوطه میباشد.

P.240 تذکرات :

۱ـ ترکیب ..... must have فقط برای نتیجه گیری منطقی بکارمیرود ونمیتوان آنرا برای بیان الزام یا اجبار درگذشته بکار برد.

الزام یا اجبار درگذشته رامیتوان با had to نشان داد.

They had to go early. آنها مجبوربودندزودبروند

They didn't have to go early. آنها مجبورنبودندزودبروند

۲ـ برای بیان احتمال یا امکان انجام عملی درگذشته که در 2b به آن اشاره شد (might have .....) میتوان از may have ..... و could have ..... نیزاستفاده نمود.

They might have gone. ممکن است رفته باشند

They may have gone. " " "

They could have gone. " " "

۳ـ could که دراین درس فرم کامل آن (could have .....) موردبحث قرارگرفت در درس ۱۱ برای نشان دادن توانائی بکار رفته است .

بایدتوجه داشت که could دراین درس به مفهوم فرضی یا شرطی بکار رفته است که با مورداستفاده آن در درس ۱۱ کاملا" متفاوت است .

مفهوم شرطی

برای حال They could play tennis now(if they had time). But they won't.

(اگروقت داشتند) حالا میتوانستند تنیس بازی کنند.

ولی(چون وقت ندارند) بازی نخواهندکرد.

برای نشان دادن توانائی درگذشته In 1969 they could play tennis like professionals.

آنها درسال ۱۹۶۹ میتوانستند مانندحرفه‌ای ها تنیس بازی کنند.

درمورد جملات شرطی در درس ۲۴ بطورکامل بحث خواهدشد.

(۴) فرم‌های منفی این الگوها (درقسمتهای فوق توضیح داده شده است)

(۵) مثال برای فرم‌های منفی (" " " " ") P.241

(۶) درمکالمه فعل have درالگوهای فوق must have , might have...

بطورکامل به لفظ درنمی آید بلکه مانند کلمه of (آو) ادا میشود.

B. P. 244 به فرم استمراری الگوهای جدید توجه کنید

گذشته (عمل ناتمام یادرحال استمرار)	گذشته (عمل کامل شده)
He must have been washing the car. (لابددرحال شستن اتوموبیل بوده) He might have been traveling by air. (ممکن است هوائی مسافرت میکرده) etc.	He must have washed the car. (لابدا تومبیل راشسته است) He might have traveled by air. He should have attended regularly. He could have worked in the garden.

توضیح

فرم استمراری الگوهای فوق با قسمت سوم فعل be و ing - فرم فعل اصلی درست میشود.

must have been washing طبق مفهوم فرم های استمراری این الگو نیز ادامه یا ناتمام بودن عمل را میرساند.

C. به فرم خلاصه شده الگوهای جدید توجه کنید. P.24

(A)- Did the Johnsons leave early? Yes, they must have left early.

Yes, they must have.

فرم خلاصه شده

(B)- We didn't buy it, but we could have bought it.

We didn't buy it, but we could have.

فرم خلاصه شده

(C)- We weren't working hard, but we should have been working hard.

We weren't working hard, but we should have been.

فرم خلاصه شده

توضیحـــــــات

۱ـ با توجه به مثالهای فوق در (A) و (B) برای فرم کوتاه این الگوهـا از might have,must have و..... استفاده میکنیم واسم مفعول فعل اصلـــی وقسمتهای بعداز آن را ازجمله حذف مینمائیم .

درقسمت (C) ، been را درفرم خلاصه شده اضافه نموده‌ایم که حالت استمراری جمله اصلی را نشان دهیم .

D. به مورد استفاده ماضی بعید بعدازفعل wish توجه کنید P.24

الگوی سابق (درس ۲۱)

PRESENT SITUATION OR EVENT	WISH
I do not live in a big city now.	I wish I lived in a big city.
The boys are fighting now.	I wish they weren't fighting.

الگوی جدیـــد

PAST SITUATION OR EVENT	WISH
I did not live there then. (من درآنوقت آنجا زندگی‌نمیکردم)	I wish I had lived there then. (ایکاش درآنوقت آنجا زندگی‌میکردم)
I broke my window. (من پنجره‌ام را شکستم)	I wish I hadn't broken it. (ایکاش آن را نشکسته بودم)

توضیح

برای بیان آرزوی تحقق عمل یا وضعیتی درگذشته بعداز wish از ماضی بعید استفاده میکنیم.

(X)
A: Did you see him last night ?
دیشب اورا دیدی؟
B: No, but I wish I had seen him.
نه، ولی ایکاش اورا دیده بودم.

(Y)
A: Were you late again last Sunday?
یکشنبه گذشته باز هم دیر کردی؟
B: Yes, but I wish I hadn't been late.
بله، ولی ایکاش دیر نمیکردم

(Z)
A: Did you tell her the truth ?
حقیقت را به او گفتی؟
B: Yes, but I wish I hadn't told the truth.
بله، ولی ایکاش حقیقت را نمیگفتم

از مثالهای فوق نتیجه میگیریم که آنچه آرزو میشود برخلاف واقع است و امکان تحقق آن وجود ندارد.

تذکرات :

۱ـ برای آرزوی تحقق عمل یا وضعی که امکان آن وجود داشته باشد از فعل hope استفاده میکنیم.

" I'm sorry you dropped your glasses; I hope they didn't break. "

متاءسفم که عینک شما افتاد. امیدوارم که نشکسته باشد.

۲ـ اگرفعل اصلی جمله بعداز wish قبلاً" ذکرشده باشد میتوانیم برای اختصار اسم مفعول و دنباله آنرا از جمله حذف نمائیم. بنابراین مکالمات فوق را میتوانیم بصورت زیرهم بنویسیم :

(X)
A: Did you see him last night ?
B: No, but I wish I had .....

(Y)
A: Were you late again last Sunday ?
B: Yes, but I wish I hadn't .....

(Z)
A: Did you tell her the truth?
B: Yes, but I wish I hadn't .....

مثالهـــای کتاب :

A : We didn't go to Moscow. I wish we had.

B : It was raining when we got off the plane.

I wish it hadn't been.

درجمله B برای فرم خلاصه از been استفاده کرده‌ایم که حالت استمراری بودن ماضی بعید را با توجه به جمله قبلی نشان دهیم. به فرم کامل دوجمله فوق توجه کنید :

A : ..... I wish we had gone to Moscow.

B : .....

I wish it hadn't been raining.

تذکـــر : P. 25

اگربخواهیم بگوئیم که درگذشته آرزوی تحقق عمل یا وضعیتی را داشتیم میتوانیم از گذشته wish استفاده نمائیم .

(A) All last summer, I wished I owned a car.

تمام تابستان گذشته آرزومیکردم که ایکاش اتوموبیل می داشتم .

درمثال (A) بیان آرزو و نداشتن اتوموبیل همزمان بوده‌اند بهمین دلیل هـــردو گذشته ساده میباشند.

(B) During the exam, I wished I had studied harder.

درطول امتحان آرزومیکردم که ایکاش سخت‌تر درس خوانده بودم.

درمثال (B) درس نخواندن فاعل جمله از نظر زمانی قبل از بیان آرزو بوده است بهمین دلیل آنرا بصورت ماضی بعید آورده‌ایم.

ENGLISH II

Lesson 23

A.1 به مورد استفاده IF و UNLESS درقسمت پیرو توجه کنید. P.252

(A) John will stay home IF ..... the weather isn't nice.

(B) John will stay home UNLESS the weather is nice.

(A) ـ اگرهوا خوب نباشد جان درمنزل خواهد ماند

(B) ـ جان درمنزل خواهدماند مگراینکه هواخوب باشد

UNLESS = IF.....NOT

توضیحـــــات

۱ـ کلمات IF (اگر) و UNLESS (مگراینکه) جزء حروف ربط میباشد کـــه درابتدای پیرو جمله بکارمیروند.

این پیرو شامل یک مبتدا (فاعل) a و یک عبارت فعلی b میباشد.

John will stay home if the weather isn't nice.
a b

۲ـ معنی کلمه unless معادل if.....not میباشد. بنابرایـــن مفهوم دوجمله فوق (A) و (B) یکی است.

A.2 به مورداستفاده BECAUSE و ALTHOUGH درقسمت پیروتوجه کنید. P.253

Situation : It was raining.

Mary wore a raincoat BECAUSE it was raining.

John wanted to go out ALTHOUGH it was raining.

BECAUSE : زیرا ـ چون

ALTHOUGH : گرچه ـ با اینکه

توضیحـــــات

۱ـ اگرپیروجمله‌ای با کلمه because شروع شود دلیل عمل (۱) ویاوضعیتی (۲) را بیان میکند.

(1) He went to a doctor because he felt sick.

(2) He remained at home because he felt sick.

۲ـ اگر پیروجمله‌ای با although شروع شود بیان کننده عمل یا وضعیتی است که خلاف انتظار ما نسبت به مفهوم پی جمله میباشد

He failed the test although he had studied hard.

پیرو پی

گرچه سخت درس خوانده بود ولی درامتحان رد شد.

Although he was poor, he never borrowed any money.

پی پیرو

با اینکه فقیر بود ولی هرگز پولی قرض نمیکرد.

تذکر:

بجای although میتوان از though یا even though استفاده کرد.

Although the traffic held us up, we got to the airport on time.

(Even) though the traffic held us up, we got to the airport on time.

گرچه درترافیک گیر کردیم ولی راس ساعت به فرودگاه رسیدیم.

عبارت even if (حتی اگر، ولواینکه) در پیروجمله فرض یا شرط را بیان میکند وکاربرد ومعنی آن با even though متفاوت میباشد.

Even if the weather is bad tomorrow, John will go to work.

حتی اگر فردا هوا بدباشد جان به سرکار خواهدرفت.

I won't work for them even if they offer me a high salary.

حتی اگرحقوق زیادی بمن پیشنهادکنندبرایشان کارنخواهم کرد.

I wear a raincoat if it is raining.

Situation :

I wear a raincoat if it isn't raining.

I wear a raincoat WHETHER OR NOT it is raining.

چه باران بیاید چه نیاید من بارانی میپوشم

من بارانی میپوشم خواه باران بیاید خواه نیاید

توضیحات

۱ـ کلمه whether ازنظرمعنی شبیه if میباشد زیرا هردو شرط را بیان میکنند.

۲ـ عبارت whether or not هم بیان کننده حالت مثبت شرط است و هم منفی آن.

WHETHER OR NOT : خواه ..... خواه

چه ..... چه

Whether or not he comes خواه بیاید خواه نیاید

Whether or not you agree چه موافق باشی چه نباشی

تذکر :

عبارت whether or not را میتوان جدا ازهم نیز بکاربرد.

WHETHER .....OR NOT

I wear a raincoat WHETHER it is raining OR NOT.

تذکر : پیرو جمله میتواند مقدم بر پی جمله قرارگیرد.

John will call Mary IF HE HAS TIME.

پی پیرو

IF HE HAS TIME, John will call Mary.

پیرو پی

Mary wore a raincoat BECAUSE IT WAS RAINING.

BECAUSE IT WAS RAINING, Mary wore a raincoat.

John didn't wear a raincoat ALTHOUGH IT WAS RAINING.

ALTHOUGH IT WAS RAINING, John didn't wear a raincoat.

تذکر : کلمه whenever بمعنی "هروقت‌که" میباشد ومانند سایر حروف ربط درقسمت پیرو جمله بکارمیرود.

I go swimming WHENEVER the weather is nice.

هروقت‌که هواخوب باشد به شنا میروم.

I wear a raincoat WHENEVER it rains.

هروقت باران بیاید بارانی میپوشم.

I read WHENEVER I have time.

هروقت‌که وقت داشته باشم مطالعه میکنم.

B2 به‌مورداستفاده regardless of, in spite of, because of توجه‌کنید.

A: Mary wore a raincoat because it was raining.
Mary wore a raincoat BECAUSE OF the rain.

B: John didn't wear a raincoat although it was raining.
John didn't wear a raincoat IN SPITE OF the rain.

C: I wear a raincoat whether or not the weather is nice.
I wear a raincoat REGARDLESS OF the weather.

BECAUSE OF	بعلت ـ بدلیل
IN SPITE OF	باوجود ـ علیرغم
REGARDLESS OF	بدون توجه‌به ـ صرفنظر از

توضیحـــــات

۱ـ هریک از قسمتهای فوق A,B,C دارای دو جمله میباشد که ازنظر مفهـوم با یکدیگر برابر هستند.

۲ـ همانطور که قبلا" توضیح داده شد کلمات whether,although, because حروف ربط میباشند که در ابتدای پیرو جملات بکارمیروند در نتیجه بعد از آنها یک فاعل (مبتدا) وسپس عبارت فعلی قرارمیگیرد.

Mary wore a raincoat because it was raining.

در حالیکه regardless of, in spite of, because of حروف اضافـــه میباشند که بعداز آنها یک عبارت اسمی قرارمیگیرد.

Mary wore a raincoat because of the rain.

John didn't wear a raincoat in spite of the rain.

I wear a raincoat regardless of the weather.

I came here because of the English course.

We went on a picnic in spite of the cool weather.

She left the country regardless of my advice.

Lesson 24

NGLISH II

A- جمـــلات شـــرطـــی :

If he knows the answer, he will tell her. (FUTURE)

If he knew the answer, he would tell her. (PRESENT)

If he had known the answer, he would have told her. (PAST)

A. جملات شرطی فوق میتوانند درجواب سئوالات زیر (A,B,C) بکار رود. P: 2

آنها را با هم مقایسه کنید .

OUESTIONS : A, B, C

CONDITIONAL SENTENCES : AA, BB, CC

A - Will he tell Mary the answer ?	آیا جواب را به مری خواهدگفت
Maybe .	شاید
AA- If he KNOWS it,he WILL TELL her.	اگرآنرا بداندبه اوخواهدگفت
B - Will he tell Mary the answer ?	آیا جواب را به مری خواهدگفت
No, but	نه ولی .....
BB- If he KNEW it, he WOULD TELL her.	اگرآنرا میدانست با ومیگفت
C - Did he tell Mary the answer ?	آیا جواب را به مری گفت
No, but	نه ولی .....
	اگرمیدانست به او میگفت (گفته بود)
CC- If he HAD KNOWN it, he WOULD HAVE TOLD her.	

توضیحـــات

۱ـ جمله شرطی AA دلالت بر آینده مینماید. دراین نوع جمله‌شرطی احتمال انجام عمل درآینده وجوددارد.

طرز ساختن آن : درقسمت پیرو جمله (IF CLAUSE) زمان حال ساده بکار میبریم .

If he knows the answer .....

ودرقسمت پی جمله (MAIN CLAUSE) با نتیجه شرط از آینده ساده‌استفاده میکنیم . *

....., he will tell her .

* بجای WILL میتوان از CAN و MAY نیز استفاده کرد:

X - If the weather is nice, we will finish the job.
Y - If the weather is nice, we can finish the job.
Z - If the weather is nice, we may finish the job.

X- اگرهوا خوب باشد کاررا تمام خواهیم کرد.
Y- اگرهوا خوب باشد کاررا میتوانیم تمام کنیم.
Z- اگرهوا خوب باشد ممکن است کاررا تمام کنیم.

۲- جمله شرطی BB مبتنی برفرض است. موقعیت موردنظر دراین جملات یا خلاف واقع است ویا احتمال عملی شدن آن درآینده بسیار ضعیف میباشد. مثلا" وقتی میگوئیم "اگرمیدانست" (If he knew) مفهوم آن اینست که " او نمیداند" (he doesn't know.). این نوع جملات را شرطی حال مینامند.

طرزساختن آن : درقسمت پیرو (If clause) ازگذشته ساده استفاده میکنیم.

If he knew it .....

ودرقسمت پی جمله (Main clause) باید از would ومصدر فعل اصلی استفاده نمائیم. *

.....he would tell her.

به مکالمه زیر توجه کنید :

Customer : How much are these shoes ?

Shopkeeper : Ten thousand rials.

Customer : I don't have that much with me. If I had enough money, I would buy them.

مکالمه فوق مورداستفاده جمله شرطی BB رانشان میدهد. این نوع جمله شرطی معادل ساختار زبان فارسی برای بیان شرط درحال حاضر میباشد. بدین معنی که لفظ گذشته است ونتیجه گیری درحال.

به ترجمه قسمت آخرمکالمه توجه کنید :

مشتری : آنقدر پول همراه ندارم. اگرپول کافی داشتم آنها را میخریدم.

* بجای would میتوان از could و might نیز استفاده کرد.

If he came, he could help me. اگرمیآمد میتوانست بمن کمک کند.

If it didn't rain, we might go out. اگرباران نمیآمدممکن بودبیرون برویم.

If it rained,we wouldn't leave home. اگرباران میآمدخانه راترک نمیکردیم.

به مورد استفاده WERE دراین‌نوع جملات شرطی توجه کنید :

If I were tired, I wouldn't work. اگرخسته‌بودم کارنمیکردم.

If she were here, we would be happy. اگراینجا بودخوشحال میشدیم.

If today were Friday, I wouldn't work. اگرامروزجمعه‌بودکارنمیکردم.

If they were poor, we would help them. اگرفقیربودندبآنها کمک میکردیم.

تذکـــر : اگردرقسمت پیروجملات فوق از فعل بودن (be) استفاده شود درانگلیســـی رسمی برای تمام اشخاص بایداز WERE استفاده نمائیم .

۳ـ جمله شرطی CC نیزمبتنی برفرض است وموقعیت موردنظر که مربوط به گذشته نیز میباشد کاملا" خلاف واقع میباشد.وقتی میگوئیم " اگرمیدانست "

(If he had known.....) مفهوم آن اینست که " اونمیدانست "

(he didn't know.) این‌نوع جملات راشرطی گذشته مینامند .

* طرزساختن آن : درقسمت پیرو (If clause) ازماضی بعید استفاده میکنیم .

If he had known .....

و درقسمت پی جمله (Main clause) باید از would have واسم مفعـــــول فعل اصلی استفاده نمائیم . *

.....he would have told her.

به مکالمه زیر توجه کنید :

Jane : You didn't go to the airport yesterday, did you ?

Tom : No, but I wish I had .

If I had gone , I would have seen the new jet planes.

درمکالمه فوق می بینیم که پی وپیرو این جمله شرطی هردو مربوط به گذشتـــــه میباشد.

*بجای would have از could have و might have نیـــــز میتوان استفاده کرد.

X - If you had come at six, you wouldn't have missed the train.

Y - If you hadn't come late, you could have met my friend.

Z - If she had studied hard last year, she might have passed.

اگرساعت شش آمده بودی ترن را ازدست نمیدادی (به ترن میرسیدی).

اگر دیرنیامده بودی میتوانستی دوست مرا ملاقات کنی .

اگرسال گذشته سخت درس خوانده بودممکن بود قبول بشود.

۴ـ طرزساختن جمله شرطی BB ـ درقسمت مربوطه توضیح داده شد.

۵ـ طرز ساختن جمله شرطی CC ـ درقسمت مربوطه توضیح داده شد.

باید توجه داشت که مانند سایرجملات مرکب هم پی وهم پیرو جملات شرطی میتوانند دراول جمله قرارگیرد.

Mary will help you if she has time.

Mary would help you if she had time.

Mary would have helped you if she had had time.

به فرم سئوالی این جملات توجه کنید.

Will Mary help you if she has time ?

Would Mary help you if she had time?

Would Mary have helped you if she had had time ?

P.258 تذکر: در درسهای ۲۱ و۲۲ مفاهیمی نظیر پیروهای شرطی BB و CC بعد از wish بکار برده شده است.

I wish he KNEW the answer.

I wish he WOULD tell her.

I wish he HAD KNOWN the answer.

P.262 تذکر برای شاگردان دورهٔ عالی :

۱ـ جملات شرطی دیگری نیز وجود دارد که مبتنی بر فرض نمیباشند. در نتیجه موقعیت و وضعیتهای واقعی را بیان میکنند. دراین نوع جملات شرطی عمل یا حالت مورد نظر احتمالا" واقعیت پیدا میکند. به شش نوع از این جملات شرطی توجه کنید .

1- If Mary wrote the letters, he was happy.

2- If Mary wrote the letters, he is happy.

3- If Mary wrote the letters, he will be happy.

4- If Mary is writing the letters, he is happy.

5- If Mary is writing the letters, he will be happy.

6- If Mary writes the letters, he will be happy. (AA)

۲- علاوه بر جملات شرطی فرضی که به دو نمونه آنها در قسمت BB و CC اشاره شد جملات شرطی فرضی دیگری وجود دارد. ذیلاً" به دو فرم از آنها اشاره میشود.
(EE , DD)

CC - If Mary had written the letters, he would have been happy.

BB - If Mary wrote the letters, he would be happy.

DD - If Mary had written the letters, he would be happy.
(پیرو) شرطی گذشته — (پی) شرطی حال

EE - If Mary were writing the letters, he would be happy.
(پیرو) شرطی حال فرم استمراری — (پی) شرطی حال

Lesson 25

ENGLISH II

P.263 ۸. به جملاتی که با SO.....,THAT و SUCH .....THAT بهم ربط داده میشوند توجه کنید.

الگـــوی سابـــق

Mr. Miller is very busy.He can't leave his office.

Mr. Miller is TOO BUSY TO LEAVE his office.

صفت

الگـــوی جدیـــد

Mr.Miller is SO BUSY THAT he can't leave his office.

صفت

Mr.Miller is SUCH A BUSY MAN THAT he can't leave his office.

عبارت اسمی

توضیحـــات

۱ـ جملاتی که برای نمونه از الگوی سابق والگوی جدید آورده شده است تقریبا" دارای یک معنی میباشند.

۲ـ بین SO.....THAT از صفت استفاده میکنیم (مانند busy درجمله فوق)

۳ـ بین SUCH.....THAT ازعبارت اسمی استفاده میکنیم (مانند a busy man درجمله فوق)

به جمله‌ای با so.....that و ترجمه آن توجه کنید.

Mr. Miller is so busy that he can't leave his office.

آقای میلر آنقدرگرفتار است که نمیتواند دفترش را ترک کند.

- - - - - - - - - - -

به چندجمله با such .....that با اسمی قابل شمارش درفرم مفرد (۱) وجمع آن (۲) واسمی غیرقابل شمارش (۳) توجه کنید.

(1) He's such a good player that he has never lost a game.

آنچنان بازیکن خوبی است که هرگزمسابقه‌ای رانباخته است (آنقدرخوب بازی میکندکه هرگز درمسابقه‌ای شکست نخورده است)

(2) They're such good players that they have never lost a game.

(3) It was such cold weather that we stayed home all day.

تذکر : ۱ـ الگوی so.....that را میتوان بدون that نیز بکاربرد.

Mr. Miller is so busy he can't leave his office.

۲ـ درالگوی so.....that از قیدنیز میتوان استفاده کرد واین بستگی به فعلی دارد که درجمله بکار میبریم .

He left so QUICKLY that we didn't have time to say goodby.

P.1 تذکـــرات :

همانطورکه دربالا اشاره شد بین so.....that از قیدنیزمیتوان استفاده کرد.

(مانند rapidly در جمله زیر)

John spoke SO RAPIDLY THAT I couldn't understand him.

بایدتوجه داشت که اگر اسمـــی با صفات کمیتـــی نظیر much,many, few, little بکار رود بجای such .....that باید از so .....that استفاده کرد.

Mary had SO MUCH WORK THAT she was busy all day.

John has SO LITTLE MONEY THAT he can't buy the book.

P.B به جوابهائی که به جملات منفی سئوالی داده میشودتوجه کنید.

الگـــوی سابـــق

Is the teacher here today ?	Yes, he is.
Is this lesson 26 ?	No, it isn't.

الگـــوی جدید

Isn't the teacher here today ?	Yes, he is.
Isn't this lesson 26?	No, it isn't.

توضیـــــــح

اگرجواب سئوالی مثبت باشد این سئوال میتواندیا بصورت مثبت باشد (الگوی سابق)

ویا بصورت منفی (الگوی جدید)

تذکـــر :

جملات زیر فرم مثبت خبری جملات منفی سئوالی فوق میباشد .

The teacher is here today.

This is lesson 26.

باید درنظر داشت که اگر گوینده دلیلی بر نادرست بودن اظهارات فوق داشته باشد وبخواهد تعجب خودرا نشان دهد ممکن است سئوال خودرا بصورت منفی مطرح کند .

(سئوالات الگوی جدید)

گاهی نیز گوینده با اینکه به صحت مطلبی اعتقاد دارد صرفا " برای تائید این مطلب سئوال خودرا بصورت منفی مطرح مینماید .

Isn't Brazil in South America ?

مگر برزیل در آمریکای جنوبی نیست ؟

C. به سئوالات ضمیمه بعدازجملات خبری مثبت ومنفی توجه کنید . P.267

AFFIRMATIVE STATEMENTS	+	NEGATIVE TAG QUESTIONS	ANSWERS
John is here ,		ISN'T he ?	Yes, he is . No, he isn't.

NEGATIVE STATEMENTS	+	AFFIRMATIVE TAG QUESTIONS	ANSWERS
Mary ISN'T here,		IS she ?	No, she isn't . Yes, she is .

توضیـــــــح

باتوجه به مثالهای فوق نتیجه میگیریم که سئوالات منفی ضمیمه بعداز جملات مثبت خبری بکارمیرود وسئوالات مثبت ضمیمه بعداز جملات منفی خبری .

مثالهای دیگر

You CAN go, CAN'T you ?	میتوانی بروی مگرنه ؟
She HASN'T gone, HAS she ?	نرفته است ، اینطورنیست ؟
John DOESN'T have a TV,DOES he?	جان تلویزیون ندارد ، دارد؟
They have a car, DON'T they?	اتوموبیل دارند ، ندارند ؟
Mary speaks Spanish, DOESN't she?	مری اسپانیائی صحبت میکند مگر نه ؟

توضیـــــــــح

برای درست‌کردن سئوالات ضمیمه از قاعده جملات سئوالی استفاده میکنیم وبر حسب زمان جمله یکی از افعال کمکی نظیر do,did,have, had, etc..... یا افعال مخصوص مانند can,could,must,should,etc..... را بکار میبریم.

تذکـــر : درسئوالات ضمیمه فوق اگرگوینده تاحدی از صحت گفته خود اطمینان داشتـــه باشد سئوال خودرانه باحالت استفهامی بلکه با لحنی کوتاه ادا میکنـــد وانتظار دارد که جواب سئوال نیز درتائید گفته اش باشد.

A : John is here, isn't he ?

B : Yes, he is.

A : Mary isn't here, is she ?

B : No, she isn't.

ولی اگر گفته‌اش صحیح نباشد جواب سئوال اونیز برخلاف آن خواهدبود.

A : John is here, isn't he ?

B : No, he isn't .

A : Mary isn't here, is she ?

B : Yes, she is.

اگردرچنین سئوالاتی از لحن استفهامی استفاده شود جواب سئوال الزامـــا" موافق گفته گوینده نخواهدبود. این جواب میتواند درتائید یا در رد گفته‌اش باشـــد.

A : We should study tonight, shouldn't we ?

B : Yes, we should.

No, we shouldn't.

تذکـــر : درآخرین مثال فوق سئوال کننده انتظار دارد که جوابی درتائید گفته اش دریافت‌کند ولی چون بنظر پاسخ دهنده این گفته نادرست است جوابی منفـــی به او میدهد. P. 268

آخرین مثال فوق ذیلا" نقل میگردد.

A : Argentina is the largest country in South America, isn't it?

B : No, it isn't .

A.1 P.269 به مورد استفاده ضمایرانعکاسی توجه کنید:

الگوی سابـــــق

JOHN	sees	MARY	in the mirror.
فاعل		مفعول	

الگوی جدیـــــد

JOHN	sees	HIMSELF	in the mirror.
فاعل		مفعول	

توضیـــــــح

وقتی فاعل ومفعول جمله‌ای یکی باشد، بعبارت‌دیگر اگر عمل فاعل به خودش برگردد ازضمائر انعکاسی استفاده میکنیم. بدیهی است این ضمایر بجای‌مفعول جمله بکارمیرود. این ضمائرعبارتنداز :

مفـــــــرد		جمـــــــع	
myself	خودم (را)	ourselves	خودمان (را)
yourself	خودت (را)	yourselves	خودتان (را)
himself	خودش (را)		
herself	خودش (را)	themselves	خودشان (را)
itself	خودش (را)		

We look at ourselves in the mirror every day.
هرروز درآئینه به خودمان نگاه میکنیم.

He hurt himself.

I cut myself.

She supports herself by teaching English.

We sometimes talk to ourselves.

The dog saw itself in the water.

They enjoyed themselves at the party. درمهمانی به آنها خوش‌گذشت.

تذکر: در درس ۸ توضیح دادیم که برای افعالی که دومفعول میگیرند دو الگو وجود دارد:

John bought a book for Mary.
D.O. I.O.

John bought Mary a book.
I.O. D.O.

P.270 حال به جملات زیرتوجه کنید :

John bought A BOOK for HIMSELF.
مفعول غیر مستقیم — مفعول مستقیم

John bought HIMSELF A BOOK.

درجملات فوق مفعول غیرمستقیم از ضمائر انعکاسی میباشد.

A.2 به مورد استفاده ..... myself, yourself, etc برای تاءکیدتوجه کنید:

الگوی سابق

John bought A TIE for HIMSELF.
D.O. I.O.
John bought HIMSELF A TIE.
I.O. D.O.

الگوی جدید

John bought A TIE HIMSELF.
مفعول‌مستقیم — ضمیرتاءکیدی

توضیح

ضمائر myself, yourself, etc.... میتوانند برای تاءکیدنیزبکاررروند.

جان خودش کروات خرید. John bought a tie himself.

مری خودش کار را انجام داد. Mary did the job herself.

ما خودمان اتومبیل را تعمیرکردیم. We fixed the car ourselves.

درجملات فوق تاءکید براین است که فاعل جمله عمل را انجام داده است ونه شخص دیگری.

تذکر : وقتی ضمائرفوق برای تاءکیدبکارروندمعمولا" (خصوصا " درنوشتار) بعدازفاعل قرارمیگیرند.

John himself bought a tie.

Mary herself did the job.

We ourselves fixed the car.

نکته‌مهم: به معنی ضمائرفوق وقتی باکلمه BY بکارمیروندتوجه‌کنید :

By + myself / yourself / himself / etc. = alone; without help.

She prefers to study by herself.

ترجیح میدهد تنها درس بخواند.

I fixed the door by myself.

بدون کمک کسی دررا تعمیرکردم.

By itself = automatically

This machine works by itself.

B. P.271 به‌مورد استفاده VERB+ ING بعدازبعضی از افعال توجه‌کنید :

الگوی سابق (درس ۱۳)

I want TO SING.

الگوی جدید

I enjoyed SINGING.

I kept on SINGING.

I finished SINGING.

توضیح

بعداز بعضی ازافعال واصطلاحات از GERUND (اسم فعل) استفاده میکنیم.
به چند فعل واصطلاح دراین موردتوجه کنید :

enjoy	لذت بردن از	I enjoy swimming.
avoid	اجتناب کردن از	She avoids driving fast.
consider	درفکر (چیزی) بودن	I'm considering buying a car.
finish	تمام کردن	We've finished planning the trip.
deny	انکار کردن	He denied taking my book.
mind	اعتراض داشتن به	Mother doesn't mind helping you.
suggest	پیشنهادکردن	They suggested going on a picnic.
risk	بخطر انداختن	Don't risk parking your car here.
admit	اعتراف کردن به	He admitted making a mistake.
keep(on)	ادامه دادن	We kept (on) working.
get through	بپایان رساندن	We got through working.
* insist on	اصرارکردن بر	He insisted on leaving.
** can't help	ناگزیر بودن از	I can't help asking questions.
It's no use	بی فایده است	It's no use advising him.

* بعدازحروف اضافه از GERUND استفاده میکنیم . بنابراین اگر فعلی بـــا حرف اضافه همراه باشد تابع این قانون خواهدبود.

** اصطلاح can't help معادل "can't avoid" یا "can't stand" میباشد. P.27

تذکر: بعدازبعضی ازافعال میتوان یا ازمصدر باto استفاده کرد ویااز GERUND دربیشترموارد (مانندافعال زیر) تفاوت چندانی بین معنی دوفرم فعل وجـــود ندارد.

begin
They began studying here last year.
They began to study here last year.

start	cease	prefer	like
continue	intend	attempt	love

بعداز intend و attempt مصدر با to بیشترمتداول است.

STOP

تذکر :

اگر stop بمعنی " دست‌کشیدن از" یا " ترک‌کردن(عادت)" بکار رود فعل بعداز آن GERUND خواهدبود.

stop = give up

John stopped eating. جان دست از غذاخوردن کشید.

John wants to stop smoking. جان میخواهدسیگارکشیدن را ترک کند.

P.273 ولی اگر stop بمعنی " توقف‌کردن " بکاررود فعل بعداز آن مصدربا to خواهدبود.

John stopped to eat. جان توقف‌کرد که غذا بخورد.

I stopped to buy a newspaper.

مصدری که بعداز stop بکارمیرود درواقع فرم خلاصه in order to میباشد.

We stopped (in order) to help them.

درجمله زیر GERUND ومصدر با دومفهوم فوق بکاررفته است.

John stopped driving (in order) to eat.

REMEMBER

اگرعمل انجام شده‌ای‌را بیادداشته باشیم بعداز remember فعل رابصورت GERUND بکارمیبریم.

Mary remembered writing to her family.

مری یادش‌بود که به خانواده‌اش‌نامه نوشته است.

I remember putting the book here.

یادم است‌که کتاب‌را اینجا گذاشتم.

واگر بیاد داشته باشیم که کاری رابایدانجام دهیم بعداز remember فعل رابصورت مصدر با to میآوریم.

Mary remembered to write to her family.

مری یادش‌بودکه (باید)به خانواده‌اش‌نامه بنویسد.

I remember to buy some butter.

یادم است (فراموش‌نکرده‌ام) که باید کره بخرم.

توجه : دوفعل regret و forget نیزمانند remember بکارمیروند.

P.274 تذکر برای دانشجویان دوره عالی :

فرم ing- افعال که در این درس مورد بحث قرار گرفت در اکثر موارد معادل یک اسم میباشد. بعبارت دیگر نقش دستوری و عملکرد آن با یک اسم یکی است.

به کاربرد singing بعداز فعل enjoy توجه کنید :

John enjoyed THE CONCERT.

WHAT did John enjoy ? THE CONCERT.

John enjoyed SINGING.

WHAT did John enjoy ? SINGING.

درمثال فوق بعد از enjoy هم عبارت اسمی بکار رفته است وهم اسم فعل (GERUND)

ولی بعداز بعضی از افعال یا اصطلاحات مانند keep (on) و go on عبارت اسمی یا ضمیر بکارنمیرود وفرم ing- افعال نیز نقش متمم آنها را دارد.

She kept on talking.

We went on working.

Lesson 27

P.275 A. به‌مورداستفاده اسم درنقش متمم بعدازمفعول مستقیم توجه کنید.

الگوی سابـــق

A. They elected KENNEDY.

B. He became PRESIDENT.

الگوی جدیـــد

C. They ELECTED KENNEDY PRESIDENT.
فعـل مفعول مستقیم متمـم

توضیحـــــات

۱ـ معنی جمله C تقریبا " معادل دو جمله A و B میباشد.

۲ـ متمم بعدازمفعول مستقیم قرارمیگیرد.

۳ـ تعداد افعالی که درالگوی جدیدبکارمیروند زیادنیستند. بعضی ازاین افعال عبارتند از :

1) appoint	منصوب کردن	They appointed him chairman.
2) call	صدا کردن	They call her Rose.
3) choose	انتخاب کردن	They chose Bill captain of the team.
4) make	گماشتـــن	They made Mr. Jones director.
5) name	منصوب کردن	Mr. Smith named John treasurer.
	نامیـــــدن	They named their son David.
6) designate	تعیین کردن	We designated Mr. Jones the treasurer.
7) elect	انتخاب کردن	They elected her president.
8) nominate	کاندیدکردن	We nominated Tom for the post.
9) select	برگزیـــدن	Let's select Ben our representative.

ENGLISH II

P. 276 تذکر: بعداز بعضی از افعال فوق کلمه AS (= بعنوان) راقبل از متمم بکار میبریم.

They chose John as their leader.

They selected Mr. Smith as their representative.

He designated me as his assistant.

P.277 B. به‌مورد استفاده صفات درنقش‌متمم توجه کنید.

الگوی سابق

A. He pushed the door.

B. It is open now.

الگوی جدید

C. He pushed the door OPEN.
متمم

توضیحات

۱- معنی جمله C تقریبا" معادل دوجمله A و B میباشد.
دراین الگو صفت (OPEN) نتیجه عمل push the door (هول دادن در) میباشد.

۲- متمم که دراینجا open میباشد بعدازمفعول مستقیم the door قرارمیگیرد.

He painted the house white. خانه را رنگ سفید زد

He pushed the door closed. دررا با هول دادن بست (دررا هول دادوبست)

She washed her dress clean. لباسش راشست تا تمیز شد.

II

P. 278 تذکـر : الگوی دیگری نیزوجوددارد که درآن صفت درنقش متمم بکاررفته است ولی این صفت نتیجه عمل فعل جمله نیست .

(1) I found the room CLEAN.
متمـم

(2) I want everything READY.
متمـم

میتوان گفت که دوجمله فوق تقریبا " معادل جملات زیر میباشد :

(1a) I found that the room was clean.

(1b) I found the room to be clean.

(2) I want everything to be ready.

بعضی از افعالی که درالگوی فوق بکارمیروند عبارتند از :

prefer , like , want , find,.....

P. 279 تذکـر : دراین الگو متمم میتواند بصورت صفت (۱)، اسم مفعول (۲)، ویا اسم مفعول باضافه صفت (۳) باشد .

(1) I want the house WHITE. میخواهم رنگ خانه سفیدباشد .

(2) I want the house PAINTED. میخواهم خانه رنگ شود .

(3) I want the house PAINTED WHITE. میخواهم خانه رنگ سفیدشود .

C. به مورد استفاده فرم ing-افعال توجه کنید. P.280

الگوی سابق (درس ۲۱)

A | I heard Mary SING.

الگوی جدید

B | I heard Mary SINGING.

توضیحات

(۱) بعدازفعل hear ومفعول آن، فعل دوم میتواندیا بصورت مصدر بدون to بکاررود (sing) ویا به‌فرم ing- (singing)

(۲) افعال زیر نیز درهردوالگوی A و B بکارمیروند.

notice, observe, see, feel, watch,

I felt the car skidding.

She felt someone open the door.

(۳) افعال smell, imagine,find, catch فقط درالگوی جدید بکارمیروند.

I found my child sleeping. بچه‌ام راخفته یافتم.

I smelled something burning. بوی سوختن چیزی به مشام رسید

تذکر : بین دوفرم فعل (مصدر بدون to و ing-) دردوالگوی فوق فرق زیادی وجودندارد ولی میتوان گفت‌که فرم ing- دلالت برعملی مستمر مینماید.

به دوجمله زیرتوجه کنید :

I saw John HIT the boy. HIT واردکردن یک‌ضربه را میرساند

I saw John HITTING the boy. و HITTING چندضربه را

P. 282 A. به فرم ing- افعال درنقش مبتدا (فاعل) توجه کنید.

الگوی سابق (14.A.3)

A	It is fun to travel.
B	TO TRAVEL is fun.

الگوی جدید

C	Traveling is fun.

توضیح

فرم ing- افعال (GERUND) میتواند مانندیک عبارت اسمی عمل نماید.

Practicing every day is necessary. هرروزتمرین کردن لازم است

Running makes me tired. دویدن مراخسته میکند.

(۱) نقش دستوری TO TRAVEL درالگوی B و TRAVELING درالگوی C اسم میباشد.

(۲) دوالگوی A و C بسیارمتداول میباشد ولی الگوی B بااینکه ازنظردستوری صحیح است ولی زیاد رایج نیست ودراینجا صرفا" برای روشن شدن مفهوم C بکاررفته است.

P.283 B. به مورداستفاده فرم ing- افعال درعبارات وصفی توجه کنید.

الگوی سابق

A	John was SITTING IN A CHAIR.He watched television.

الگوی جدید

B	SITTING IN A CHAIR,he watched television.

توضیحـــــات

(۱) معنی جمله B معادل دوجمله الگوی A میباشد.

(۲) فاعـــل (مبتدای) عبارت وصفـی با فاعل پی جمله یکی است.

SITTING IN A CHAIR, he watched television.

عبارت وصفی — پـــی جمله

اودرحالیکه درصندلی نشسته بود تلویزیون تماشا میکرد.

تذکر : الگوی جدید بیشتر درنوشتار بکارمیرود تادرگفتار.

Walking home, I met an old friend.

درحالیکه پیاده بمنزل میرفتم یک دوست قدیمی را ملاقات کردم.

تذکر : درالگوی جدید عمل یا وضعیت توصیف شده درعبارت وصفی همزمان با عمـــل P. 284 قسمت پی جمله میباشد.

اگرعمل یا وضعیت توصیف شده درعبارت وصفی قبل ازعمل پی جمله انجـــام شده باشد ازفرم کامل عبارات وصفی استفاده میکنیم.

C . Having written a letter, Mary went to the movies.

مری پس از نوشتن نامه به سینما رفت /مری نامه ای نوشته (سپس) به سینما رفت

فرم کامل عبارت وصفی :

HAVING + PAST PARTICIPLE

HAVING read, written, drunk, eaten, washed, etc.

Having read the newspaper, we watched TV.

پس ازخواندن روزنامه تلویزیون تماشا کردیم

(روزنامه راخوانده سپس تلویزیون تماشا کردیم)

A.1 P. 286 به مورد استفاده حروف ربط AND ، BUT و OR توجه کنید.

رابط بین دوجملـــــه

George studied in the library, AND Paul watched a movie.

Mary went to the picnic, BUT Alice stayed home.

We can go to the movies, OR we can watch television.

رابط بین قسمتهای مختلف یک جمله

He sat in a chair AND read a book.

We were happy BUT tired.

We can go by bus OR taxi.

توضیحـــــات

(۱) هنگامیکه حروف ربط جملات را بیکدیگر ربط میدهند قبل از آنها معمولا" از کاما (comma) استفاده میشود.

George studied in the library, AND Paul watched a movie.

A SENTENCE A SENTENCE

S , AND S

درالگوهای دیگری که کمترمتداول است قبل از AND ، BUT و OR از (.) full stop ویا (;) semicolon استفاده میشود. باید توجه داشت که بعداز نقطه (.) اولین کلمه (جمله دوم) باید با حرف بزرگ شروع شود.

S ; but S S. But S

(۲) وقتی AND ، BUT و OR فقط دو جزء جمله‌ای را بیکدیگر ربط میدهند معمولا" از comma استفاده نمیشود . بعضی از اجزاء جمله ذیـــــلا" درج میگردد.

A- خبر جمله	B- اسم	C- صفت
sat in a chair	book	happy
read a book	paper	tired

A- He sat in a chair and fell asleep.

B- He bought a book and some paper.

C- We were happy but tired.

توجه : درجملات زیر چون بیش از دوجزء جمله بیکدیگر ربط داده شده اند استفاده از کاما (,) ضروری است.

A1- He sat in a chair , read a book , and drank a glass of lemonade.

B1- He bought a book , two pens , and some paper.

C1- I was rich, powerful,but lonely.

تذکر : دراین درس فقط یکی از روشهای نقطه‌گذاری (punctuation) معرفی شد. P. 287
بعضی ازنویسندگان از روشهای دیگری نیز استفاده میکنند.

A.2 به مورد استفاده however بعنوان رابط دوجمله توجه کنید. P.288

الگوی سابق (حرف ربط)

Mary was happy, but Alice was very sad.

الگوی جدید (رابط دوجمله)

Mary was happy.
However, Alice was very sad.

Mary was happy.
Alice, however, was very sad.

Mary was happy.
Alice was very sad, however.

توضیحـــــــــات

(۱) وقتی رابطی دوجمله را بیکدیگر ارتباط میدهد جمله اول معمولا" به نقطه ختم میشود. دراین مورد از کاما (,) استفاده نمیشود ولـــی بعضی مواقع بجای نقطه میتوان از semicolon (;) که مکث بیشتری را نشان میدهد استفاده نمود. علامت (;) درواقع شبیه نقطه عمـــل مینماید با این تفاوت که بعداز آن از حرف بزرگ استفاده نمیکنیم.

He is a very honest man; therefore I will vote for him.

(۲) کلمات رابط را میتوان دراول ، وسط وآخر جمله استفاده نمود.

(مثال : کلمه however درالگوی جدید)

تذکر : معنی کلمه however معادل but میباشد وجمله‌ای که بعداز ایـــن کلمات بکارمیرود ازنظر مفهوم با جمله ماقبل آنها متفاوت ومغایـر میباشـــد.

جمله‌ای که بعداز therefore بکارمیرود نتیجه منطقی جمله ماقبـــل آن میباشد. It's always warm in Hawaii. Therefore, there's never any snow there.

P. 289 حروف ربط را برحسب معنی میتوان به سه دسته تقسیم نمود :

۱ـ دسته اول : این کلمات دو مفهوم متضاد را بیکدیگر ربط میدهند.

حروف رابط دوجمله یا اجزاء جمله	حروف رابط دوجمله	
1 . BUT	however	ولی ـ لکن
	nevertheless	با وجود این ـ معهذا
	still	معهـذا
	on the contrary	برعکس
	on the other hand	ازطرف دیگر
	in contrast	درمقابل
	in spite of that	با وجود آن
	conversely	برعکس

You believe Tom to be a weak player. On the contrary, the coach says he's the best player on the team.

You've never been sick ; still , you should go for a checkup at least once a year.

۲ـ دسته دوم : این کلمات دو مفهوم مشابه را بیکدیگر ربط میدهند : P. 290

2 . AND	also	همچنین
	besides	گذشته از این
	moreover	بعلاوه
	furthermore	بعلاوه
	indeed	درواقع
	likewise	همینطورهم ـ نیز ـ بهمین منوال
	similarly	همینطور ـ بطریق مشابه
	in addition	مضافا " اینکه
	in fact	درواقع
	as a matter of fact	درواقع

I won't be coming to the football game this afternoon.I have some work to do in the garden. Besides, if they play as badly this time as they did last week, it won't be worth seeing.

۳ـ دسته سوم : مفاهیمی که بعدا زاین کلمات بکار میرود نتیجه (منطقی) مفاهیم ماقبل آنها میباشد .

3 . SO	therefore	بنابراین
	consequently	درنتیجه ـ نتیجتا "
	thus	بنابراین
	as a result	درنتیجه ـ نتیجتا "

The players were not well prepared ; consequently, they lost the game.

B. به مورد استفاده اصطلاحات قیدی زمان ومکان برای ارتباط دوجمله توجه کنید.

1 . We have breakfast AT EIGHT O'CLOCK. AT NINE O'CLOCK we have class.

2 . We have classes ALL MORNING. IN THE AFTERNOON there is the laboratory period.

3 . Farms are usually small IN THE EAST. FARTHER WEST you will find much larger ones.

4 . There are cotton fields IN THE SOUTH. IN THE NORTH there are many cornfields.

توضیحـــــــات

(۱) هریک ازمثالهای فوق دارای یک اصطلاح قیدی زمان یا مکان میباشد. اصطلاح قیدی درقسمت اول جمله دوم بکار رفته است. این اصطلاحات قیدی جمله دوم رابه جمله اول مربوط میسازد.

(۲) کلمه there اغلب بین اصطلاح قیدی وفرمی از فعل be (یا افعال مخصوص دیگر) بکارمیرود. به جملات (۲)و(۴) درکادر فوق توجه کنید.

2 . We have classes ALL MORNING. IN THE AFTERNOON there is the laboratory period.

4 . There are cotton fields IN THE SOUTH. IN THE NORTH there are many cornfields.

C. به مورد استفاده IN OTHER WORDS (بعبارت دیگر) توجه کنید. P.29

Bob enjoys swimming and playing tennis. He likes to watch football. In the summer, he goes to a baseball game every Saturday. IN OTHER WORDS, he likes sports.

توضیـــــــح

مفاهیمی که بعداز اصطلاحات زیربکارمیرود خلاصه مفاهیم ماقبل آنهـا میباشـد.

in other words	بعبارت دیگر
in summary	بطور خلاصه
in a word	خلاصه (اینکه)
in brief	بطورخلاصه
briefly	بطورخلاصه
in general	بطورکلـی
to summarize	خلاصه اینکه
—	(خلاصه بگوئیم)

بین اصطلاحات فوق ازنظر کاربرد ومعنی فرقی جزئی وجود دارد.

Contents

LESSON 1

A. *Be: am, are, is*
Statements and questions: It is green. Is it green?
Contractions: *It's* green. It *isn't* green.
Short answers: Yes, it is. 1

B. Singular and plural noun phrases 9

LESSON 2

A. Simple present tense with verbs other than *be*.
Statements: He works.
Questions with *do, does*: Does he work?
Short answers: Yes, he does 11

B. Single-word adverbs of frequency: *always, usually, often*, etc. (Position in statements and questions) 17

LESSON 3

A. Adverbials of place and time 21

B. Past tense of *be* in statements, questions, and short answers:
He *was* here. *Was* he here? Yes, he *was* 23

C. Past tense of regular verbs.
Regular past tense ending: He work*ed*.
Questions and short answers with *did*: *Did* he work? Yes, he *did* 26

LESSON 4

A. *Wh*-questions: *who, what, where, when* 30

B. Present progressive: He *is* writ*ing* 36

C. Using adjectives and nouns to modify nouns: *small* class, *grammar* class 41

LESSON 5

A. *Be* + *going to* to indicate future time: He is *going to* sing 43

B. Negative statements: He isn't here. He didn't come 47

C. Negative statements with single-word adverbs of frequency:
He isn't *always* here. He doesn't *always* study 49

D. *Some* and *any* 51

LESSON 6

A. The articles: *the, a, an* 54

B. Count and noncount nouns: a *pencil*, some *ink*. 57

C. Quantity expressions: *much, many, a few*, etc. 60

D. Demonstratives: *this, that, these, those* 63

E. Possessives: *my, your, his*, etc. 64

LESSON 7

A. Requests: Please read the book. (Would you . . . , let's . . .) 66

B. Irregular nouns: *man, men, people* 68

C. The noun substitute *one*. 69

D. The use of *other* and *another*. 71

E. The object forms of pronouns: *me, him, them*, etc. 74

LESSON 8

A. Verb and indirect object: Give *her* a book; Give a book *to her* 76

B. Past tense forms of irregular verbs: eat, *ate;* give, *gave.* 82

LESSON 9

A. Adverbs of manner: *correctly, well,* etc. 89

B. Noun phrase + modifier: the chair *near the door.* 92

C. *Wh*-questions: Who does Mary see? Who sees Mary? 94

LESSON 11

A. Modal auxiliaries: *will, can,* etc. 109

B. Statement connected with *and . . . too, and . . . either,* and *but.* 116

LESSON 12

A. Verb + preposition + object: He called *on* them.
Verb + particle + object: He called them *up.* 121

B. Adverbials of purpose: He went *to buy some books.* 125

C. Adverbials of means: He came *by plane.*
Adverbials of instrument: He wrote *with a pen.* 126

LESSON 13

A. Verb + *to* + verb: George *wants* to *go.*
Verb + noun phrase + to + verb: George *wants* John to *go.*
George *told* John to *go.* 130

B. *Be* + adjective + *to* + verb: This is easy to learn. 136

C. *Very, too, enough.* 139

LESSON 14

A. Some uses of *it* in subject position: It's early.
It's easy to understand this lesson. 142

B. The expletive *there*: There is a book on the table. 147

C. Possessive *of* and *–'s*: The legs *of* the table. The dog's legs. 151

D. Possessive pronouns; *mine, yours,* etc. 152

E. *Whose*: 154

F. *One* and *ones.* 156

LESSON 15

Expressions of Comparison:

A. *the same as, different from, like the same . . . as, as . . . as* 158

B. *more . . . than, -er than* 164

C. *the most, the . . . -est* 166

LESSON 16

A. Embedded statements: I know *that he lives here.* 169

B. Embedded wh-clauses: I know *who lives here.* 172

LESSON 17

A. Relative clauses 179

B. *for, during, when, while, before, after, until* 188

LESSON 18

A. The present perfect: *have studied* 193

B. The present perfect progressive: *have been studying* 198

C. The past perfect: *had studied* 199

D. Short answers: *Yes, I have; No, I haven't* 200

E. Irregular verbs: *go, went, gone*, etc. 201

LESSON 19

A. Passive sentences: *The letters were written.* 206

B. The use of *still, anymore, already*, and *yet*. 209

C. Past participles as modifiers: John is *interested.*
Adjectives in *-ing*: The story is *interesting*. 211

D. *Adjective + preposition* combinations: *interested in* music,
excited about music. 213

LESSON 21

A. Verb + Noun Phrase + Verb: *See* him *go*. 231

B. Wish sentences: I wish they knew. 234

C. Wh-word + *to* + verb: They decided *when to go*. 237

LESSON 22

A. *must have, might have, should have, could have* 239

B. *must have* with progressive forms: must have been going 244

C. Short answers: Did they go? They *must have* 247

D. Wish sentences in the past: I wish you had visited them. 249

LESSON 23

A. Subordinators: *if, unless, because, although, whether, whenever* 252

B. *because of, in spite of, regardless of* 255

LESSON 24

A. Conditional Sentences
If he knows the answer, he will tell her.
If he knew the answer, he would tell her.
If he had known the answer, he would have told her. 257

LESSON 25

A. *so . . . that*: so busy *that* he can't go, *such . . . that*,
such a busy man *that* he can't go 263

B. Negative questions: Isn't the teacher here? 266

C. Tag questions: John is here, *isn't he*? 267

LESSON 26

A. *self* pronouns: *myself, yourself*, etc. 269

B. Verb expressions in *-ing* after other verbs, I enjoyed singing 271

LESSON 27

A. Nouns used as complements after direct objects:
They elected Kennedy *president*. 275

B. Adjectives used as complements after direct objects:
He pushed the door *open*. 277

C. Noun + *-ing* verb expressions used as direct objects:
He watched the boys *playing*. 280

LESSON 28

A. Verb expressions in *-ing* functioning as noun phrases:
Traveling is fun. 282

B. Verb expressions in *-ing* functioning as subordinate clauses:
Sitting in a chair, he watched TV. 283

LESSON 29

A. Conjunctions: *and, but, or* and sentence connectors:
however, therefore, also, etc. 286

B. Adverbial expressions of time and place in sentence initial position:
At nine o'clock we have class. 290

C. Summary statements: *In other words*, ... 293

ASSIGNMENT ONE

****

Eng.II/Q.1/P.1 ASSIGNMENT ONE time : 35 minutes

ESS - BCRE

(16 - 17) (31 - 32)

(The first two weeks)

English II

Quiz One

Part One : Grammar

Directians : Select the one item a, b, c or d and mark your answer sheet.

1. " Did you talk to Mary yesterday ? "

" Yes, I ..... you wanted to see her."

a. did b. told her c. told d. told she

2. " Does John know who answered the telephone? "

" Yes, he ..... who answered the telephone."

a. knows b. knew c. does d. know

3. " Will Jane buy the new car? "

" No, She ..... buy it."

a. does not b. is not c. wouldn't d. won't

4. " Did they ask where..... ? "

" No, they didn't."

a. was Mary from b. Mary was from

c. from was Mary d. was from Mary

5. " Excuse me. How old is your father? "

" I'm sorry. I don't know ..... "

a. how old is he b. how old he is

c. how he is old d. how his old is

6. " Can he tell us the news ? "

" Yes, we hope ..... he can tell it."

a. him that b. him which

c. that d. which

7. " Did you see the boy ..... broke the shop window ?"

" NO, I didn't see him at all."

a. whom b. _____ c. which d. who

8. " Who is that man ? "

" He is the man ..... car we bought last week."

a. that b. who c. whose d. whom

9. " When did you leave the house ? "

" When I left you ..... the news."

a. were listening to b. are listening to

c. were listened d. listen

10." Who did Mary dance with on her birthday? "

" She danced with that great dancer ..... next to me."

a . was sitting b. sitting

c . which was d. that sitting

11." How long did you study English for your exams? "

" I studied ..... one week."

a. during b. while c. for d. as far as

12." Is he going with you ? "

" Yes, he'll be with us ..... the bus station."

a. until b. during c. as far as d. as much as

13." How did she cut her hand? "

" She cut her hand ..... the potatoes."

a. while she was peeling b. when she is peeling

c. when she peded d. while she is peeling

14." Were the lights off last night ? "

" Yes, I switched them off before ..... out."

a. to go b. went c. going d. gone

15." What kind of book did you read last Friday? "

" I read the book that ..... Shiraz."

a. describing b. describe c. was describing d. described

Part Two : Vocabulary

Select the one item a, b, c or d which completes the sentence correc--tly or gives a synonym for the under lined word.

16.A tornado is often called a ..... or a whirl wind.

a. hurricane b. heavy storm c. twister d. funnel

17.There are tornadoes that kill people and ..... properties.

a. make up b. make useful c. destroy d. grow

18.Scientists who study the ..... are called meteorologists.

a. plants b. insects c. weather d. animals

19.The storm ..... many houses in India last year.

a. rebuilt b. floated c. broke down d. flew

20.We hope that we shall be able to use the tremendous power of the storms in future.

a. weak b. very great c. enormous d. b and c

21.The hurricane damaged big trees and tall buildings in North America.

a. wind b. violent wind storm c. rain bow d. moisture

22..... is the only flying mammal in the world of animals.

a. Eagel b. pigeon c. Crow d. Bat

23.Some birds dart and swoop while flying in the sky and Catch their prey.

a. coming down with a rush b. flying very slowly

c. going up at a high speed d. flying at a slow speed

24.The driver drove carelessly and humped into a big tree.

a. carried on b. fell off c. roared d. hit

25.Some birds like eagels are found to have keen hearing and sight.

a. weak b. sharp c. lazy d. dark

26." Could she make no sound? "

" No, She couldn't."

a. prove b. feel c. utter d. hear

27.As there was no sufficient place in the room we were squeezed badly.

a. pressed b. destroyed c. laughed at d. punished

28.My friend keeps her Curly hair clean.

a. twistingly b. soft c. falling d. straight

29.A screen of metal bars kept them separate.

a. a part b. close c. away d. a and c

30. No matter how they arise suddenly , we should be careful all the time.

a. disappear b. come into existance

c. separate d. divide

Part Three: Comprehension

بدون استفاده ازکتاب ویا درنظرگرفتن اطلاعات داده شده در دومتن ۳۱ و ۳۲، درست ویا غلط بودن اظهارات زیر را با دوکلمهٔ True و False مشخص نمائید.

1. If we plug a bat's ears, it will be uncertain to fly well.

2. Blind people do not use their Canes as radars any more.

3. Most tornadoes Cause great problems for living things.

4. A midget wind is called a hurricane.

5. In fact powerful vaccum-cleaners act like weak tornadoes.

Part Four : Translation :

پاراگراف زیر را به‌فارسی ترجمه کنید:

One tornado;Lifted a cow off the ground,carried her across a field, and - then let her down at the other end of the field. Tornadoes have been known to drive straws rig t through thick wooden boards.

ASSIGNMENT TWO
****

Assignment Two

Eng-II / Q.II / P.1 ESS-BCRE Time : 35 minutes

18 - 19 33 - 34

(The second two weeks)

English II

Quiz II

Part One : Grammar

Select the one item a, b, c or d and mark your answer sheet.

1 . A : Where is Mary ?

B : She ..... to shool.

a. will go b. has gone

c. was going d. had gone

2 . A : Have they visited each other recently?

B : No, they ..... each other since last Sunday.

a. didn't visit b. had'nt visited

c. haven't visited d. couldn't visit

3 . A : How is John's English this year ?

B : Oh, it's very good. He ..... all the questions yesterday.

a. answered b. has answered

c. was answering d. had answered

4 . A : When did the First World War begin ?

B : It ..... in 1914.

a. was begun b. began

c. has begun d. had already begun

5 . A : Do you like fishing ?

B : Yes, When I was a boy, I often ..... fishing with my father.

a. go b. was going c. went d. going

6 . A : How many lessons have you studied ..... ?

B : We've studied 18 lessons.

a. yet b. so far

c. last Monday d. during last week

7 . A : Was Miss Smith your former teacher ?

B : Yes, She taught English ..... one year.

a. until b. since c. before d. for

8 . A : Who lent Betty some money?

B : She ..... it from me this morning.

a. borrowed b. had borrowed

c. borrows d. was borrowed

9 . A : Is Mary at home ?

B : Yes, She is. She ..... T.V for two hours.

a. is been watched b. has been watching

c. is watching d. had watched

10. A : Is the water running ?

B : Yes. It ..... running since two o'clock.

a. was b. has been c. is d. had been

11. A : Why did John buy a new car ?

B : He bought a new car because his old car ..... down.

a. had broken b. was broken

c. has broken d. is breaking

12. A : Is my car washed ?

B : No, It ..... tomorrow.

a. washed b. is washed

c. will be washed d. is washing

13. A : Who took Mary to the cinema last Sunday ?

B : She ..... to the cinema by her parents.

a. took b. was taken c. is taking d. takes

14. A : Where are the letters ?

B : They ..... yesterday.

a. posted b. were posting

c. were posted d. are posted

15. A : Does Fred still live here ?

B : No, he doesn't live here .....

a. still b. any more

c. already d. since before

16. A : John likes classical music.

B : He is interested ..... classical music.

a. at b. about c. with d. in

17. A : Why are you so happy ?

B : I'm happy about ..... to Europe.

a. go b. going c. to go d. not to go

18. A : What for are you tired ?

B : I'm tired ..... reading such books.

a. at b. for c. with d. of

19. A : Two years ago Alice went to the theatre every Sunday , but she does't go now.

B : Alice ..... go to the theatre every Sunday.

a. is accustomed to b. is used to

c. was interested in d. used to

20. A : Are they going to move to their new house ?

B : Yes. Their new house ..... next week.

a. is completed b. will completed

c. is being completed d. will be completed

Part Two: Vocabulary = A - Select the one item a, b, c or d that completes the sentence correctly or gives a synonym for the underlined word.

21. Any cave which has been dug by man is called a ..... cave and not a ..... one.

a. false , natural b. spacious , small

c. true , false d. natural , man-made

22. Some waves beat against soft places in the rock wall and gradually wear

large holes.

a. damage b. make by rubbing

c. join d. burst

23. Some caves are very wonderful with beautiful plants and strange marine animals.

a. sea b. ocean c. land d. both(a) and (b)

24. Water seeps into the ground and keeps plants and trees green.

a. solves b. freezes c. penetrates d. fizzes

25. Most people believe " acid " means something ..... and strong.

a. solid b. harmless c. mild d. poisonous

26. Different shapes of ..... seen on the earth surface are made by heat , wind , waves and rain fall.

a. bursts b. cracks

c. breaks d. all of the above (a, b, c)

27. Sequoia is a great ever green tree in Califarnia U.S.A .

a. giant b. gigantic

c. huge d. all of the above (a, b, c)

28. Pigeons which ..... are called winged messengers.

a. carry messages for man b. have wide wings

c. can fly fast d. are not domestic

29. Do not answer those letters, please, they are manager's ..... ones.

a. common b. private c. official d. formal

30. You should attach all the documents together before sending them.

a. spread b. lighten c. sign d. join

Part Two - B : Read the following sentences carefully and put TRUE or FALSE on your answer-sheet according to the passages (33 - 34) read in B.C.R.E:

31. Pigeons have been great help to man ever since.

32. People in England were able to disclose news about war to their friends and relatives in France.

33. Some pigeons were so strong and fast that could take as many as forty thousands messages all during the war.

34. Visitors are amazed at the sight of strange , dark passages as they like these places too much.

35. Stalagmites and stalactites may join and form beautiful pillars of stone.

Part Three: Translation Translate the following into Farsi :

Why and how the carrier pigeon can find its way home over long distances is still a mystery to man. But the fact that it does have this wonderful power or instinct has made it of great service to man.

ASSIGNMENT THREE

****

Eng.2/Q.3/P.1 ESS.BCRE time : 35 minutes

English II (The Tird Two weeks)

Quiz III

Part One: GRAMMER

Directions for questions 1 - 27.

Choose the best choice.

1. He will have to choose ..... the two evils.

   a) the lesser of b) the less of

   c) the less than d) the lesser than

2. A Kangaroo can Jump ..... a rabbit.

   a) high as b) more high than c)higher than d) highest

3. This method seems ..... the other one.

   a) successful as b) more successful

   c) better successful than d) more successful than

4. A : Do you speak German ?

   B : Yes, but not ..... you do.

   a) as well as b) well than c) so well than d) so better as

5. Can she drive without your help ?

   Yes, she's ..... to drive alone.

   a) too old b) very old c) old enough d) enough old

6. A : How long have you studied English ?

   B : We have studied English ..... two years.

   a) for b) until c) since d) during

7. A : Are they still in London ?

   B : No, they aren't in London .....

   a) yet b) still c) already d) any more

8. A : Did he take part in the game ?

   B : Yes, we saw him ..... in t e stadium.

   a) played b) playing c) plays d) was playing

9. A : Is John able to play the Guitar?

B : No, he is .....

a) not too young to play
b) too old to play
c) young too to play
d) enough young to play

10.A : What are you going to do with your new Novel ?

B : It ..... next week.

a) is published
b) will publish
c) will be published
d) is publishing

11.A : Where does your elder sister live ?

B : I really don't know where .....

a) does she live
b) she lives
c) she does lives
d) is she living

12.A : Mother is here. Isn't she ?

B : Yes, she ..... the rooms since early morning.

a) is cleaning
b) was cleaning
c) has been cleaning
d) had been cleaning

13.A : Did she start the work on time ?

B : Yes, but he .....

a) doesn't b) hadn't c) didn't d) wouldn't

14.A : Could he paint his room ?

B : No, he had Mr. John ..... it.

a) to paint b) painted c) paint d) painting

15.I tried to teach him how ..... the words corrcetly.

a) pronounce b) to pronounce c) pronounciation d) pronouncing

16.He didn't like the story that .....

a) you told it to him
b) you told him it
c) you told him
d) it told him

17.A : How did you like the film ?

B : it was quite .....

a) to interest
b) interested
c) interests
d) interesting

18.A: Why did he go there ?

B : He went there ..... the books.

a) to buy b) buying c) buy d) buys

19.A : What is that ?

B : It is .....

a) the leg of the table b) table's legs

c) tables leg d) the tables leg

20.A : Whose house is it ?

B : It is .....

a) her b) your c) my d) mine

21.A : Will you work for a degree ?

B : I'm undecided now, I ..... work for it.

a) will b) had to c) might d) used to

22.A : My shoes are size ten, and yours are too.

B : So, my shoes are ..... yours.

a) the same b) same

c) the same as d) as the same

23.A : Do you like to read ?

B : No, it makes me .....

a) tire b) tiring c) tired d) tires

24.A : John buys ten toys and I do too.

B : So John buys ..... you.

a) as more toys as b) as much books as

c) the same toys d) as many toys as

25.A : My friend paid for the book.

Did you study the book ?

B : Yes, I studied the book ..... your friend paid for.

a) who b) whose c) that d) whom

26.A : How many times have you ..... abroad ?

B : Only once.

a) go b) went c) going d) been

27.The reports ..... now.

a) are typing b) are being typed

c) are going to type d) are being type

PART TWO COMPREHENSION

Directions for questions 28 - 30 .

The following statements are based on the information in R.S 35 and 36.Sel-ect the correct item and mark your answer sheet.

28.Usually there is not a great difference in tempereture between ..... of air next to each other.

a) windstorms b) motions c) patches d) directions

29.a) Cold air and warm air have equal weight.

b) Cold air has less weight than warm air.

c) Cold air has more weight than warm air.

d) neither of them.

30.The story of 1959 showed the dance of bees on the comb in a .....

a) nectar b) circle c) hive d) dancing hall

PART THREE : VOCABULARY

برای هر یک از لغات ستون A معادلی مناسب در ستون B وجود دارد. بعداز پیدا کردن معادل صحیح حرف مربوط به آن را در ستون C مقابل شماره آن قرار دهید:

A	B	C
1. hive	a: sth of which the cause or origin is hidden	
2. mystery	b: very cold	
3. breeze	c: happen	
4. way	d: let it be thought that	
5. icy	e: (manner of) moving	
6. accur	f: degree of heat and cold	
7. light	g: box (of wood,etc) for bees to livein	
8. suppose	h: not heavy	
9. motion	i: light wind	
10.temperature	j: manner	

ASSIGNMENT FOUR

****

English II Assignment Four.

PART ONE : GRAMMAR :

Directions for questions 1 - 25. Select the one item a, b, c or d - which completes the sentence correctly and mark your answer sheet.

1. A : John spoke French very well, didn't he ?

   B : Yes, he must ..... in France for many years.

   a. had been b. have been c. has been d. have to been

2. A : Mary lost her Key last night.

   B : She ..... have been more careful.

   a. shouldn't b. must not c. must d. should

3. A : Why didn't Mrs. Brown welcome us ?

   B : I don't dnow. She ..... recieved our message.

   a. might not have b. should have

   c. could have c. must not have

4. A : You didn't write to your family last night.

   B : I know I ....., but I was too busy.

   a. must have b. may have c. can have d. should have

5. A : Our teacher didn't come to class yesterday.

   B : I wish he ..... to our class yesterday.

   a. come b. have come c. had come d. came

6. A : Will you go to the movies today ?

   B : I will ..... I finish my homework.

   a. if b. unless c. though d. but

7. A : Did Mary complete the course ?

   B : Yes she did ..... it was very difficult.

   a. but b. if c. because d. Although

8. Susan is going to Shiraz ..... she wants to visit her friends.

   a. unless b. because c. if d. Although

9. John is going to Swim ..... it rains or not.

   a. whenever b. if c. because d. whether

10. Father got home late ..... the heavy traffic.

a. although b. spite c. because of d. because

11. Mary went on a picnic ..... her cold.

a. whether b. in spite of c. because of d. regardless

12. A : It's very cold in here, ... ?

B : I think so .

a. does it b. hasn't it c. isn't it d. is it

13. A : Mary lost his watch, ... ?

B : Yes, she did.

a. didn't she b. did she

c. doesn't she d. is she

14. A : John ..... the Key, didn't he ?

B : I'm afraid not.

a. doesn't find b. finds

c. didn't find d. found

15. A : The teacher said we must try to proctice more, ... ?

B : I believe so.

a. mustn't we b. should we

c. must we d. didn't we

16. A : Mr. Smith wasn't in class, ... ?

B : No, he had gone fishing .

a. had he b. did he c. wasn't he d. was he

17. A : What would you do if you were rich ?

B : I ..... a big house.

a. would buy b. buy c. bought d. will buy

18. A : What will you do for the weekend ?

B : I ..... to Shiraz if my sister comes.

a. going b. go c. will go d. would go

19. A : Shall we go swimming now ?

B : I can't. I don't have enough time today, but even if .....it is too cold outside.

a. I had time, I didn't go

b. I had time, I wouldn't go,

c. I had had time, I wouldn't go ,

d. I had had time, I wouldn't have gone

20. A : What would you do if someone stole your bag ?

B : I .....

a. will cry b. would have cried

c. would cried d. would cry

21. A : I don't know whether to buy that shirt or not ?

B : I wouldn't buy it if I .....you.

a. been b. have been c. were d. was

22. Mary ..... the film if he had known about it.

a. has seen b. would have seen

c. will have seen d. would seen

23. Mrs. Brown is ..... nice that everybody likes her.

a. so b. such c. very d. as

24. A : There was a football game yesterday, wasn't it ?

B : No, it was such ..... day that none of the players could play.

a. cold b. a cold c. the cold d. colder

25. John wouldn't go to the Olympic games ..... he exercised very hard.

a. if b. whether c. or d. unless

PART TWO : VOCABULARY : B.C.R.E (37, 38, 39, 40)

Directions for questions 26 - 40. Select the one item a, b, c or d which completes the sentence correctly or gives a synonym for the underli--ned words.

26. The guards surrounded the house.

a. encircled b. solved c. inspected d. stimulated

27. My mother saturates the meat in the mixture of oil and vegetables.

a. examined b. adjusts c. soaks d. imitates

28. Marie and Pierre Curie isolated a radioactive element which is called radium.

a. discovered b. separated c. selected d. proved

29. The news was very dismal.

a. usual b. fine c. amazing d. gloomy

30. The electric - shock jolted his body.

a. shaked b. released c. warmed d. asserted

31. The storm lasted for days and food ran out.

a. started b. finished c. disappeared d. continued

32. When an environment changes, plants and animals must ..... to the environment or leave it.

a. believe b. amaze c. extend d. adapt

33. The roads were ..... by green and Shady trees.

a. frustrated b. fringed c. fried d. frosted

34. The gen ..... her young by sitting on the eggs.

a. catches b. patches c. hatches d. matches

35. In spring most of the trees ..... new leaves.

a. sporut b. wrap c. rot d. spray

36. During wakeful periods, the ..... of the human body is higher than during rest.

a. inner b. weight c. height d. temperature

37. I want a straight line but you draw a ..... one.

a. crooked b. large c. tiny d. wide

38. A thin cloud of ..... rose from the vessel.

a. solid b. vapour c. liquid d. palm

39. Radium can be used to ..... cancer cells.

a. produce b. startle c. destroy d. select

40. She never ..... about the poor life she had with her husband.

a. permitted b. complained c. saved d. prepared

PART THREE : COMPREHENSION :

با توجه به محتوی دروس (۳۹ – ۳۸ – ۳۷) گزینه‌های صحیح را انتخاب نمائید و در پاسخنامه علامت بگذارید (بدون مراجعه به کتاب)

41. (R.S. 38) - Each person uses a day - night pattern of wakefulness and rest This pattern is linked to .....

a. the lengths of the day - night cycles.

b. the regular periods of light and dark.

c. the changes in body temperature.

d. the large amounts of food.

42. (R.S. 37) - In " Death of a Killer", the scientists could save the coconut palm by .....

a. some Kinds of caterpillar in Canada.

b. some birds from the coconut groves in Ceylon.

c. some green tree - ant.

d. the Tachinid flies found in Java.

43. (R.S. 38) - Some of the problems of space - travellers are .....

a. the speed of the space ship.

b. body temperature and weight.

c. boredom and carrying large amounts of food.

d. day - night cycles and their internal clocks.

44. (R.S. 39) - When the tiny bits of matter glowed, Pierre and Marie....

a. knew that they had discovered something important .

b. gave up their research.

c. thought that the event wasn't important.

d. were disappointed.

45. (R.S. 37) - An entomologist is a person who studies .....

a. reefs

b. insects

c. birds

d. ferns

PART FOUR : TRANSLATION

Translate the following paragraph into Farsi.

" All scientists are trained to work in an orderly way. First, they must understand exactly what the problem is that they are trying to solve. Second, they try to solve the problem by experimenting. Third, they write down after every experiment exactly what they did and what they saw. "

ASSIGNMENT FIVE

****

(26-27) (41-42)

DIRECTIONS FOR QUESTIONS 1 - 12 . Select the one item a, b, c or d which - completes the sentence correctly and mark your answer sheet.

1 .A: You look happy and looking in the mirror. What's the news ?

B: No news. I just want to see ..... in the mirror.

a. me b. you c. myself d. yourself

2 .A: Are you sure about it ?

B: My friend heard the news ..... and informed me.

a. myself b. yourself c. her d. herself

3 .A: Is she married ?

B: No, she lives .....

a. with herself b. by herself

c. herself d. himself

4 .A: Have your friends got a car ?

B: Yes, they bought ..... a new car.

a. them b. theirs c. himself d. themselves

5 .A: Can you and your sister support ..... ?

B: No, we are still studying at the university.

a. yourself b. yourselves c. myself d. ourselves

6 .A: What will Mary do next summer ?

B: She is considering ..... to Europe.

a. to go b. go c. going d. of going

7 .A: Where did you have lunch when you were driving to Shiraz?

B: We stopped ..... lunch in Bell restaurant.

a. to having b. having c. to have d. had

8 .A: What did John do last night ?

B: He continued ..... his room.

a. painting b. to painting

c. paint d. painted

9 .We'll elect ..... of the committee.

a. Mary's chairman b. chairman's Mary

c. chairman Mary d. Mary chairman

10. The girl's dresses were dirty, so they washed them.....

a. cleaned b. clean c. cleans d. to clean

11. I am going to have my letter .....

a. typed b. type c. typing d. to type

PART TWO : Vocabulary

Direction for question 13 - 25 . Select the one item, a, b, c, or d which - completes the sentence correctly or gives the synonym for the underlined — words and mark your answer sheet.

13. Every article in his bedroom was just as exactly placed. Pieces of fur- -niture were spaced at regular intervals.

a. paper b. essay c. thing d. piece

14. His shoes were placed at two-inch .....

a. distance b. intervals c. period d. season

15. She ate her breakfast at 7 o'clock on the dot.

a. something like a dot b. something dotted

c. a dot before 7 d. at the precise moment

16. The boys arrived ..... to see the examiner.

a. out of turn b. on the turn

c. in turn d. at every turn

17. He took a stroll before bed-time.

a. went for a walk b. went to run

c. went shopping d. went to visit his friends

18. On arising, he would take a glass of orange juice.

a. When he got up b. When he went to bed

c. When he woke up d. When he had lunch

19. She took great care not to break the glasses.

a. was very careless b. was very anxious

c. was very careful d. was very eager

20. It was his ..... that he had never failed in an exam.

a. honesty b. boast c. promise d. surprise

21. He awoke on the stroke of seven without fail.

a. no matter b. without success

c. without weakness d. for certain

22. When he was ill, a friend ..... him at his home.

a. looked after b. looked at

c. looked for d. looked into

23. The stillness drove people crazy .

a. caused people widely excited b. caused people to go mad

c. caused people to drive crazily d. caused people to become mad

24. The wind held back the ice and jammed it solid.

a. made jam b. had jam c. preserved d. pressed

25. The racing water .....

a. gained speed b. continued without speedlimit

c. travelled dangerously d. run illegally

PART THREE: TRANSLATION

Translate the following into Farsi:

Experts believe the falls stopped flowing because a strong wind stopped the flow of ice where Lake Erie narrows into the river. The wind held back the ice and jammed it solid, forming a dam of ice.

ASSIGNMENT SIX & SEVEN

****

ESS / BCRE

time : 35 minutes

(28 - 30) (43 - 46)

ENGLISH II

PART ONE : GRAMMER

Select the one item a, b, c or d which completes the sentence correctly and mark your answer sheet.

1. A : Is Jimmy happy ?

   B : Yes, he is happy ..... his sister.

   a) seeing b) to see c) see d) has seen

2. A : Did you understand the lesson yesterday ?

   B : Yes, ... that lesson was easy for me.

   a) understand b) understood c) understands d) understanding

3. A : John worked all summer, so he was able to go to college in the fall.

   B : Yes, ... all summer, John was able to go to college.

   a) has worked b) having worked

   c) to work d) for having worked

4. A : How did Janet break her leg ?

   B : ..... the stairs, she broke her leg.

   a) To fall down b) Fell down

   c) Falling down d) Had fallen down

5. A : Where is your mother ?

   B : We didn't have any eggs, ... she went to the supermarket to buy some.

   a) but b) or c) also d) so

6. Paul wanted to play football. ..... , it was raining and he stayed at home.

   a) however b) besides c) consequently d) furthermore

7. Tehran is larger than Isfahan. It is larger than Shiraz and Tabriz. ..... it is the largest city in Iran.

   a) As a matter of fact b) Nevertheless

c) In other words d) In contrast

8. It was very cold yesterday ..... we didn't go swimming.

a) ,therefore, b) .Therefore, c) Therefore; d) therefore:

9. Isfahan was the first city we visited. Next ..... came Shiraz.

a) there b) it c) this d) that

10.You are not good at mathematics. You should study a lot, ... you will fail the exam.

a) thus b) inded c) or d) and

PART TWO : VOCABULARY

Select the one item a, b, c or d which completes the sentence corrcetly or gives a synonym for the underlined word.

11.A cat kept ..... duty with the gate - keeper at the British Museum.

a) seige b) drain c) mascot d) sentry

12.They ..... that cats can think.

a) maintained b) shuffled c) plunged d) clamped

13.The Rabbi was so sad at the ..... of his people that prayed for guid-ance to save them.

a) swarm b) creation c) mistreatment d) tonsils

14.The legendary robots were never operated by springs or motors, but by....

a) genius b) creatures c) miracles d) myth

15.When scientists work on a project, they ..... through a great deal of material to find what is relevant to their work.

a) split b) devise c) conceive d) sift

16.Cats and dogs are <u>domestic</u> animals.

a) rumpus b) tame c) heroic d) smart

17.When a bird crosses the flight of another bird, this causes <u>bewilderment</u>.

a) intimacy b) confusion c) perching d) peering

18.The story seemed very <u>incredible</u> to him .

a) understanable b) invisible c) unbelievable d) abnormal

19.If the scientists carry their <u>investigations</u> far enough, they can find

out things no one else knew before.

a) careful searches
b) anthorities
c) important contributions
d) consultations

20. Scientists have a passion for accuracy in their work.

a) authority
b) detailed examination
c) strong desire
d) challenge

PART THREE : PREFIXES

Write the antonyms of the fallowing words by adding the proper prefixes.

21. accurate
22. agree
23. even
24. consistent
25. polite